



پوهنتون اسلام
پوهنځی لاسیځاک و لاسون
پروگرام ماسټري لاس و لاسون



امارت اسلامي افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معیت امور علمی

جرائم رسانه ای در فقه اسلامی و قوانین افغانستان (پایان نامه ماسټري)

محصّل: عبدالحی (مخلص)
استاد راهنما: موقتور رفیع الله (خطاء)

سال: ۱۳۹۹ هـ ش ۱۴۰۰ م



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعيات و قانون
پروگرام ماستري فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

جرايم رسانه ای در فقه اسلامی و قوانین افغانستان (پایان نامه ماستري)

محصل: عبدالحی (مخلص)
استاد راهنما: دوكتور رفیع الله (عطاء)

سال : ۱۳۹۹ هـ ش ۲۰۲۰ م

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعيات و قانون

دېپارټمنت فقه و قانون

بورډ ماستري

تصديق نامه

محترم عبدالحي ولد ظهراپ ID: SH-MSF-98-609 محصل دور هفتم فقه و قانون كه رساله ماستري خویش را زیر عنوان: جرايم رسانه ای در فقه اسلامی و قوانین افغانستان به روز چهارشنبه تاريخ ۱۳۰۰/ ۱۱ / ۲۷ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۲ (نمره به عدد) نود و دو (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد وزیر محمد سعیدی	عضو هیات	
۲	دکتور نجیب الله صالح	عضو هیات	
۳	دکتور رفیع الله عطاء	استاد رهنما و رئیس جلسه	

معاون علمی

آمر بورډ ماستري

اهداء

بنده این اثر را به:

- پدر فقید و مادر مهربانم،
- استادان و دوستان،
- قشر کتاب خوان،
- روزنامه نگاران،
- و همه هموطنان عزیزم اهدا می نمایم.

سپاس گذاری

الحمد رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء وخاتم النبیین محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

و بعد، بنده با تأسی به فرموده خدای متعال:

﴿ قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ ﴾

گفت: ای پروردگام! به من الهام کن تا شکر نعمتی را به من و پدر و مادرم عطا کرده ای، به جای آورم. (۱) در آغاز سپاسگزار ذات بزرگ خداوند متعال استم که همه نعمت های خود را بر من ارزانی داشته است، و خوب می دانم، با توجه به ضعف و ناتوانی بشری خود همان گونه که شایان است از عهده شکر اش برآمده نمی توانم؛ بنابراین از تقصیر و کوتاهی خود به دربار بیکرانیش عذرخواهی می نمایم.

و روی هم رفته نظر به اقتضای حدیث رسول خدا صلی الله علیه وسلم: «من لم يشكر الناس لم يشكر الله» (۲) کسی که شکر مردم را به جای نیاورد شکر خدا را به جای نخواهد آورد.

ایجاب می کند از استاد رهنمای خود جناب دکتور رفیع الله "عطاء" شخصیت دانشمند، نرم خوی، و خوش اخلاق سپاسگزاری کنم که ایشان وقت گران بهای خود را در خدمت بنده گذاشته با رهنمودهای ارزشمند خود در این زمینه همکاری های شایانی نمودند.

و همچنان جا دارد مراتب سپاسگزاری خود را به دو استاد محترم مناقش هر یک:

۱- جناب دکتور نجیب الله "صالح"

۲- و جناب استاد وزیر احمد "سعیدی"

که با انگشت گذاری روی اشتباهات، بنده را بیدار و متوجه مسایل ریزی نمودند که در آینده علمی خود پیوسته از آن سود خواهم برد و همچنین اداره پوهنتون سلام، فاکولته شرعیات، بورد ماستری، بخش فقه و قانون، همه استادان و کارمندان بورد ماستری که زمینه تحصیلات معیاری را مهیا نموده شب و روز در خدمت فرزندان این سرزمین قرار دارند و سایر عزیزان و خوبانی که به نحوی در زمینه کمک و همکاری شان چراغ روشنگری فرا راه بنده بود، تقدیم نمایم.

و در آخر از خداوند متعال استدعا دارم که همه ما را مشمول رحمت بیکران خود گردانیده و اشتباهاتی را که از بنده سرزده است، مورد عفو و گذشت قرار بدهد.

(۱) سوره نمل: آیه ۱۹.

(۲) سنن الترمذی، ج ۳، ص ۴۰۳.

خلاصه بحث

الحمد رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء وخاتم النبیین محمد وعلى آله وصحبه أجمعين. وبعد، تحقیقی را که بنده تحت عنوان (جرائم رسانه ای در فقه اسلامی و قوانین افغانستان) بمنظور احراز درجه ماستری در پوهنتون سلام - کابل به رشته تحریر درآورده ام مشتمل بر:

• یک مقدمه

• دو فصل

• و نتیجه گیری

می باشد که در فصل اول آن از کلیات صحبت شده و در فصل دوم تماس مستقیم به اصل موضوع گرفته شده است که روی هم رفته می توان خلاصه و فشرده آن را بشرح زیر بیان نمود:

مقدمه:

مقدمه طبق معمول به معرفی موضوع، اسباب اختیار و اهمیت آن، سوال های اصلی تحقیق، پیشینه تحقیق، مشکلات فرا راه، روش تحقیق، اهداف تحقیق و پلان تحقیق پرداخته است.

فصل اول:

در فصل اول به تعریف، تاریخچه، اهمیت و کارکرد رسانه ها و همچنین به موضوعاتی چون آزادی، آزادی فکر و اندیشه، آزادی عقیده، آزادی بیان و آزادی رسانه ای از دید شریعت اسلامی و قوانین افغانستان و محدودیت های موجود در این زمینه پرداخته شده، و نیز به موضوع جرایم و جزاها به شکل عام تماس گرفته شده است.

فصل دوم:

فصل دوم در آغاز به توضیح جرم رسانه ای، عناصر تشکیل دهنده و معیار تشخیص آن پرداخته در گام بعدی جرایمی که از طریق رسانه ها صورت می گیرند، مانند: اطلاعات غلط و گمراه کننده، افترا، افشای اسرار، تحریک، توهین، تعرض بر حریم خصوصی، قذف، دشنام، اشاعه فحشاء و اشاعه تبعیض را از دید فقه اسلامی و قوانین افغانستان به بحث گرفته در پایان روی این که چه کسی مسئول جرایم رسانه ای است مکث نموده است.

نتیجه گیری:

در نتیجه گیری به نکاتی اشاره شده که در پایان تحقیق به آن دست یافته شده و در فرجام توصیه ها و پیشنهاداتی نیز به منظور اقدامات بعدی در این عرصه تقدیم حضور خوانندگان گرامی گردیده است.

و در کل می توان اذعان داشت که در لابلای بحث به موضوعات زیر تماس گرفته شده است:

- با توجه به فناوری های جدید شیرازه ارتکاب جرایم وسعت یافته و مسایل جدیدی بروز نموده است.

- یکی از این دسته مسایل جدید و قابل بحث، جرایم رسانه ای می باشد که در عصر حاضر نظر به گسترش فعالیت های رسانه ای در حال انتشار بوده و هر روز شیرازه آن وسعت پیدا می کند.

- رسانه ها و کارکنان رسانه ای با سوء استفاده از آزادی فکری، عقیده، بیان و آزادی رسانه ای و همچنین عدم توجه به محدودیت های موجود در این زمینه مرتکب این نوع جرایم می گردند.

- شریعت و فقه اسلامی در قبال جرایم رسانه ای جزاهایی را بصورت "جزای حدی" یا "تعلیمی" در نظر گرفته است.

- جزا های حدی در شریعت اسلامی مشخص بوده ولی جزاهای تعلیمی به حاکم و مراجع ذی ربط

- تفویض گردیده تا خود در این زمینه جزای مناسبی را اتخاذ نمایند.
- قوانین افغانستان نیز در زمینه تنظیم جزاهای تعزیری در قبال جرایم رسانه ای ماده هایی را صراحتاً و یا ضمناً مقرر داشته است.
 - رسیدگی به تخلفات رسانه ای از طریق کمیسیون بررسی شکایات و رسیدگی به تخلفات رسانه ای صورت می گیرد.
 - در صورت ارتکاب جرایم از طرف رسانه ها این کمیسیون قضایا را به مراجع عدلی و قضایی محول می سازد.

فهرست موضوعات

شماره صفحه	عنوان موضوع
۱	مقدمه
۱	اسباب اختیار موضوع:
۲	اهمیت موضوع:
۲	سوالهای اصلی تحقیق:
۲	پیشینه تحقیق:
۳	روش تحقیق:
۳	اهداف تحقیق:
۳	مشکلات تحقیق (محدودیت های تحقیق)
۴	خطه و پلان تحقیق:

فصل اول: کلیات

۶	مبحث اول: رسانه
۶	مطلب اول: ماهیت رسانه
۶	مفهوم رسانه:
۷	مطلب دوم: تاریخچه و انواع رسانه ها
۷	تاریخچه رسانه ها
۹	انواع رسانه ها
۹	مطلب سوم: اهمیت و کارکرد رسانه ها
۹	اهمیت رسانه ها
۱۰	کارکرد رسانه ها
۱۰	مطلب چهارم: کارکنان رسانه ای
۱۰	مبحث دوم: آزادی اندیشه، عقیده، بیان و رسانه ای
۱۰	مطلب اول: مفهوم آزادی
۱۱	مفهوم آزادی:
۱۲	آزادی از دید شریعت اسلامی و قانون
۱۴	محدودیت های آزادی
۱۶	انواع آزادی
۱۶	مطلب دوم: آزادی فکر و اندیشه
۱۶	تعریف آزادی فکر و اندیشه

۱۷	آزادی فکر و اندیشه از دید شریعت اسلامی و قانون
۱۸	محدودیت های آزادی فکر و اندیشه
۱۹	مطلب سوم: آزادی عقیده
۱۹	مفهوم آزادی عقیده
۲۰	آزادی عقیده از دید شریعت اسلامی و قانون
۲۳	محدودیت های آزادی عقیده
۲۷	مطلب چهارم: آزادی بیان
۲۷	مفهوم آزادی بیان
۲۷	آزادی بیان از دید شریعت اسلامی و قانون
۲۹	محدودیت های آزادی بیان
۳۳	مطلب پنجم: آزادی رسانه ای
۳۳	مفهوم آزادی رسانه ای
۳۳	آزادی رسانه ای از دید شریعت اسلامی و قانون
۳۵	محدودیت های آزادی رسانه ای

فصل دوم: جرایم رسانه ای

۳۹	مبحث اول: حقیقت جرم رسانه ای
۳۹	مطلب اول: مفهوم جرم رسانه ای
۳۹	مطلب دوم: معیار تشخیص جرم رسانه ای
۴۰	وجوه اتفاق جرم جنایی با جرم مدنی و اداری
۴۰	وجوه اختلاف
۴۱	مطلب سوم: عناصر تشکیل دهنده جرم رسانه ای
۴۳	مبحث دوم: انواع جرایم رسانه ای
۴۳	مطلب اول: جرم اطلاعات غلط و گمراه کننده
۴۳	مفهوم اطلاعات
۴۴	مفهوم اطلاعات غلط
۴۴	اشکال اطلاعات غلط
۴۸	اهداف اطلاعات غلط رسانه ای
۴۸	مجازات ارتکاب اطلاعات غلط
۵۱	مطلب دوم: جرم افتراء

۵۱	 مفهوم افتراء
۵۲	 دیدگاه شریعت اسلامی در مورد افتراء
۵۴	 انواع افتراء
۵۵	 شرایط تحقق جرم افتراء
۵۵	 مجازات جرم افتراء
۵۶	 مطلب سوم: جرم افشاء اسرار
۵۶	 مفهوم افشای اسرار
۵۷	 دیدگاه شریعت اسلامی
۶۰	 انواع افشای اسرار
۶۱	 مجازات افشاء اسرار
۶۵	 مطلب چهارم: جرم تحریک
۶۵	 مفهوم تحریک
۶۵	 شرایط جرم تحریک
۶۶	 مجازات جرم تحریک
۶۸	 مطلب پنجم: جرم توهین
۶۸	 مفهوم توهین
۶۸	 مجازات جرم توهین
۷۲	 مطلب ششم: جرم حمله به حریم زندگی خصوصی
۷۲	 مفهوم حریم خصوصی
۷۳	 تعرض و حمله بر حریم خصوصی
۷۴	 دیدگاه شریعت اسلامی
۷۴	 مجازات تعرض و حمله بر حریم خصوصی
۷۷	 مطلب هفتم: جرم قذف
۷۸	 مفهوم قذف
۷۸	 دیدگاه شریعت اسلامی
۷۹	 انواع قذف
۷۹	 مجازات قذف
۸۰	 مطلب هشتم: جرم دشنام
۸۱	 مفهوم دشنام

۸۱	دیدگاه شریعت اسلامی
۸۲	مجازات جرم دشنام
۸۳	مطلب نهم: جرم اشاعه فحشاء
۸۳	امفهوم اشاعه فحشاء
۸۴	دیدگاه شریعت اسلامی
۸۵	مجازات اشاعه فحشاء
۸۶	مطلب دهم: جرم اشاعه تبعیض
۸۶	مفهوم اشاعه تبعیض
۸۷	دیدگاه شریعت اسلامی
۸۹	مجازات اشاعه تبعیض
۹۱	مطلب یازدهم: مسئول جرم رسانه ای
۹۱	اشخصی بودن جرم
۹۳	مسئول جرم رسانه ای
۹۴	پیگیری جرایم رسانه ای
۹۵	نتیجه گیری و توصیه ها

مقدمه

الحمد رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء وخاتم النبیین محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

أما بعد فقد قال الله تعالى:

﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ﴾^(۱)

ما در عصری زندگی می کنیم که شیرازه تعامل مردم در عرصه های مختلف نظر به فناوری های جدید وسعت یافته و بشریت امروزی پیشرفت های چشمگیری را از آن خود ساخته است، از کانون خانواده گرفته تا بزرگترین قضایای اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همه دستخوش تحولات زیادی قرار گرفته اند و رویهم رفته این امر سبب شده تا دانشمندان داشته های علمی، راه حل ها و طرح های خویش را در زمینه های مختلف به هدف عبور از بنیست، جبران اشتباهات و انکشاف بیشتر به دسترس جوامع بشری قرار بدهند.

از جمله قضایای جدید، یکی هم قضیه وسایل ارتباط جمعی و یا رسانه ها است که در عصر حاضر از اهمیت بالایی برخوردار بوده و در تغییر مسیر و تعیین سرنوشت جوامع نقش بسزایی دارند، حتی برخی از صاحب نظران روی نقش برآزنده رسانه ها در ایجاد تحول، پیشرفت و تعیین سرنوشت ملت ها تاکید نموده آنها را رکن و قوه چهارم یک حکومت در کنار قوه های سه گانه مقننه، قضایی و اجرایی می دانند.

رسانه ها و فعالیت های رسانه ای با وجود آنچه از اهمیت آنها گفته شد تخطی ها و اشتباهاتی نیز دارند که اگر راهکاری برای مهار کردن و جلوگیری از آن وجود نداشته باشد جامعه را به مشکلات و چالش های فراوانی مواجه ساخته و یک عده افراد سودجوی بدون در نظر داشت جایگاه حقوقی افراد و منافع علیای جامعه از آنها سوء استفاده خواهند کرد.

از آنجایی که شریعت غرای اسلامی در همه عرصه های زندگی یک انسان مسلمان را همراهی کرده و به عنوان یک چراغ روشنگر در لابلای زندگی فردی و اجتماعی روی هر موضوعی روشنی می اندازد و برای جوامع انسانی شایسته ترین طرح ها و راه حل ها را پیشنهاد می کند در زمینه تخطی ها و جرایم رسانه ای ارشادات و احکامی را نیز دارد و همچنین در قوانین وضعی برای رسانه ها و فعالیت های رسانه ای معیارهایی در نظر گرفته شده است که بایستی از آن پیروی نمایند در غیر آن مرتکب تخطی رسانه ای محسوب شده تحت پیگرد عدلی و قضایی قرار می گیرند.

بنا بر آنچه گفته آمد در لابلای رساله ای که بنده در نظر دارم زیر نام "جرایم رسانه ای در فقه اسلامی و قوانین افغانستان" به عنوان رساله دوره ماستری به رشته تحریر درآورم، به چپستی و تکلیف تخطی ها و جرایم رسانه ای از منظور و دیدگاه فقه اسلامی و قوانین مربوطه افغانستان پرداخته خواهد شد.

اسباب اختیار موضوع:

رسانه ها، انواع، نقش و تاثیرگذاری، ساحه کاری و فعالیت آن ها به اشکال مختلف مورد بحث قرار گرفته و نویسندگان به نحوی در زمینه قلمفرسایی کرده اند، اما آنچه به عنوان سبب اختیار این

(۱) سوره نساء: آیه ۸۳.

موضوع وانگیزه تحقیق در این بحث محسوب می شود مجهول بودن چیستی تخطی ها و جرایم رسانه ای در فقه اسلامی همگام با قوانین افغانستان است؛ زیرا قضیه رسانه ها و فعالیت های رسانه ای یک موضوع جدیدی است که در زمان تدوین فقه اسلامی هیچ سراغی از آن نبوده و فقها به گونه مستقل به آن نپرداخته اند، بنا براین می شود اسباب اختیار موضوع را قرار ذیل خلاصه نماییم:

- ۱- مشخص نبودن جرایم رسانه ای
- ۲- نبود یک اثری که دیدگاه فقه اسلامی را در زمینه روشن بسازد
- ۳- نپرداختن قوانین افغانستان به این موضوع بگونه مشخص

اهمیت موضوع :

از آنجایی که رسانه ها از لحاظ تأثیر گذاری و عرضه خدمات معلوماتی از اهمیت بالایی برخوردار بوده در عرصه های مختلف زندگی فعالیت می نمایند پس نیاز است که تابع یک سلسله معیارها و قوانینی باشند تا از سوء استفاده و تخطی های رسانه ای جلوگیری به عمل آید؛ بنابراین می توان اهمیت و ضرورت موضوع را به شرح زیر خلاصه نمود:

- ۱- مردم نیاز دارند بدانند که رسانه ها تا چه حدی می توانند از آزادی بیان استفاده کنند.
- ۲- در پرتو این موضوع فعالان رسانه ای در عرصه کاری خود با بصیرت و آگاهی می توانند گام برداشته و از ارتکاب جرایم رسانه ای مصون بمانند.
- ۳- مراجع عدلی و قضایی به آسانی می توانند از دیدگاه شریعت اسلامی و قوانین در پیوند به تخطی ها و جرایم رسانه ای اطلاع پیدا کنند.
- ۴- حکم یک موضوع جدید در جامعه کتاب و تحقیق از نگاه شریعت اسلامی و قوانین آشکار می شود.

سوالات اصلی تحقیق:

عمده ترین سؤالی که اساس این تحقیق را تشکیل می دهند قرار ذیل است:

- ۱- ماهیت جرایم رسانه ای از چه قرار است؟
- ۲- معیار شناخت جرایم رسانه ای چیست؟
- ۳- دیدگاه فقه اسلامی در تبانی با قوانین افغانستان در زمینه چیست؟

پیشینه تحقیق:

بنده بعد از مطالعه در پیوند به موضوع دریافتم که عده ای از نویسندگان در مورد جرایم رسانه ای از نظر اخلاقی، عده ای از نگاه حقوقی و عده ای دیگر از دید فقهی پرداخته اند، اما در این زمینه، تحقیقاتی را نیافتم که از نظر فقه اسلامی و قوانین افغانستان به موضوع تمرکز کرده باشد. مطالعاتی که از نظر حقوقی و اجتماعی در پیوند به موضوع به زبان عربی پرداخته اند قرار ذیل می باشند:

- المسئولية الجنائية عن جرائم الصحافة في أنظمة دول مجلس التعاون الخليجي، أ. خالد عبد العزيز النذير، بإشراف: الدكتور : محمد جبر الألفي، ١٤٢٧هـ ٢٠٠٦م.
 - تقويم أساليب تناول الجريمة في الصحافة والسينما والتلفزيون، د. عدلي سيد محمد رضا.
- و از نظر فقهی خواهری بنام ایمان محمد سلامه برکه رساله ماستری خود را در جامعه اسلامی

غزه تحت عنوان: "الجريمة الإعلامية في الفقه الإسلامي" نوشته که در آن بسیار بشکل کوتاه به اصل موضوع پرداخته و قوانین وضعی در زمینه در نظر گرفته نشده است. ولی به زبان فارسی چیزی را جز یک مقاله چند صفحه ای از آکادمی علوم نیافتم که در زمینه موضوع جرایم رسانه ای پرداخته باشد. اما شخص بنده در این رساله از زاویه دید فقه و شریعت اسلامی و قوانین افغانستان به موضوع پرداخته ام، طوری که احکام شرعی مربوط به جزئیات مشابه را دنبال کرده و آن را در این زمینه همراه با قوانین مربوطه گردهم آورده و سپس طبق نیاز به تحلیل گرفته ام.

روش تحقیق:

فرایند و روش تحقیق کتابخانه ای و روش تحلیلی، توصیفی، ترجیحی و ارزیابی متون فقهی و قانونی بوده و نکاتی که در روش تحقیق مراعات شده است میتوان قرار آتی به آنها اشاره نمود:

- ۱- در گام نخست تعریف، تاریخچه، اهمیت و کاربرد رسانه ها به بحث گرفته شده است.
- ۲- سپس در مورد آزادی، آزادی فکر و اندیشه، آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی رسانه ای و محدودیت

های موجود در زمینه بحث شده است؛

۳- به جرایم و جزاها به شکل عام پرداخته شده است؛

۴- تعریف جرایم رسانه ای، معیار تشخیص و عناصر تشکیل دهنده آنها توضیح داده شده است،

۴- در حد امکان کوشش صورت گرفته تا از مصادر معتبر در تبیین مسایل فقهی استفاد شود،

۵- در قسمت احادیث تلاش شده تا از احادیث معتبر و قوی استفاده شود؛

۶- ترجمه آیات قرآن کریم از ترجمه تحت اللفظی شاه ولی الله محدث دهلوی گرفته شده است.

اهداف تحقیق:

چنانچه قبلاً تذکر یافت موضوع جرایم رسانه ای یک موضوع جدیدی است که در پیوند به آن فقه اسلامی بحث مستقل و جداگانه ای ندارد و آنچه می شود به آن پرداخت مباحثی مختلف از فصول و ابواب فقهی است؛ بنابراین می شود اهداف این تحقیق را قرار ذیل خلاصه نمود:

۱- تبیین حکم جرایم رسانه ای از دید فقه اسلامی در تبنانی با قوانین افغانستان

۲- توضیح یک مسئله جدید

۳- تقدیم یک اثر نو به جامعه علمی و کتاب.

مشکلات تحقیق (محدودیت های تحقیق)

بنده در خلال نگارش این تحقیق تلاش ورزیدم تا موضوع را به گونه درست و همه جانبه توضیح بدهم ولی با وصف این تلاش ها تحقیق مذکور خلاهایی دارد که مهم ترین آنها بشرح زیر می باشند:

۱- در اثر نبود منابع غنی به زبان های ملی مواردی از عربی برگردان شده اند که جا جایی فهم یک موضوع در نتیجه تفاوت ترکیبی زبان مبدا و مقصد برای مخاطب سختی می کند.

۲- با توجه به این که موضوع به مسایل روز ارتباط می گیرد و در فقه قدیم راجع به آن بحث مشخصی وجود نداشته و نیز عرصه جرم انگاری رسانه ای و جستجوی جزئیات فقهی در این زمینه باز می باشد، شاید موارد زیادی مانده باشد که در تحقیق به آنها پرداخته نشده است.

خطه و پلان تحقیق:

خطه و پلان تحقیق قرار زیر می باشد:

فصل اول: کلیات (رسانه ها، آزادی اندیشه، عقیده، بیان و رسانه ای)

مبحث اول: رسانه

مطلب اول: ماهیت رسانه

مطلب دوم: تاریخچه و انواع رسانه ها

مطلب سوم: اهمیت و کارکرد رسانه ها

مطلب چهارم: کارکنان رسانه ای

مبحث دوم: آزادی اندیشه، عقیده، بیان و رسانه ای

مطلب اول: مفهوم آزادی

مطلب دوم: آزادی فکر و اندیشه

مطلب سوم: آزادی عقیده

مطلب چهارم: آزادی بیان

مطلب پنجم: آزادی رسانه ای

فصل دوم: جرایم رسانه ای

مبحث اول: حقیقت جرم رسانه ای

مطلب اول: مفهوم جرم رسانه ای

مطلب دوم: معیار تشخیص جرم رسانه ای

مطلب سوم: عناصر جرم رسانه ای

مبحث دوم: انواع جرایم رسانه ای

مطلب اول: جرم اطلاعات غلط و گمراه کننده

مطلب دوم: جرم افتراء

مطلب سوم: جرم افشاء اسرار

مطلب چهارم: جرم تحریک

مطلب پنجم: جرم توهین

مطلب ششم: جرم حمله به حریم زندگی خصوصی

مطلب هفتم: جرم قذف

مطلب هشتم: جرم دشنام

مطلب نهم: جرم اشاعه فحشاء

مطلب دهم: جرم اشاعه تبعیض

مطلب ایازدهم: مسئول جرم رسانه ای

نتیجه گیری و توصیه ها

فصل اول: کلیات

این فصل مشتمل بر دو مبحث است:

مبحث اول: رسانه

مبحث دوم: آزادی اندیشه، عقیده، بیان و رسانه ای

فصل اول: کلیات

مبحث اول: رسانه

در این مبحث ماهیت، تاریخچه، اهمیت و فعالیت و کارکرد رسانه ها و همچنین کارکنان رسانه ای در ضمن چهار مطلب مورد قرار می گیرد

مطلب اول: ماهیت رسانه

در این مطلب به مفهوم رسانه ها در لغت و اصطلاح و مشخصا مفهوم رسانه های اجتماعی یا همگانی می پردازیم.

مفهوم رسانه:

۱- در لغت:

« رسانه در لغت به معنی رساندن است »^(۱) چون از ریشه و بن واژه رساندن گرفته شده؛ بنابراین معنای مصدری در آن وجود دارد که همان رساندن می باشد، و چنانچه در معنا و مفهوم اصطلاحی آن ملاحظه خواهد شد که معنای لغوی نقش برآورنده ای دارد و معنای اصطلاحی در کل به حول و حوش آن می چرخد.

۲- رسانه در اصطلاح:

در رابطه به تعریف اصطلاحی رسانه تعاریف متعددی آمده که در مجموع مآل و مقصد همه یکی می باشد، از جمله:

۱- « اصطلاح رسانه، از لغت لاتینی مدیوس (Medius) به معنای میانه (Middle) ریشه گرفته و به مفهوم مجرای است که از حیث انتقال و نمایش اطلاعات دارای ویژگی هایی است که هر رسانه ای از بخشی از آن برخوردار است »^(۲).

۲- « رسانه (Medium) یا وسیله انتقال پیام به هر وسیله ای که توسط آن اطلاعات عینی به فاصله معینی ارسال می گردد یا در طول زمان (نشریات نوار) انتقال می یابد.

رسانه در واقعیت فرستنده را به گیرنده مربوط می کند. رسانه میتواند یک سنگ نوشته ساده باشد یا نظیر یک سیستم ارتباط ماهواره پیچیده طراحی گردد.

رسانه ها عبارت از ابزارهایی هستند که میان فرستنده و گیرنده پیام ارتباط برقرار کنند به عباره دیگر رسانه وسیله ای است که پیام را از سازنده پیام به مخاطب منتقل می کند و وسیله برقراری ارتباط دوجانبه است »^(۳).

پس می توان گفت:

رسانه عبارت از مجموعه ای از ابزارها و وسایلی است که از طریق آنها اطلاعات به مخاطبان رسانیده می شود و با توجه به نوع ارتباط، به دو گروه کلی تقسیم می شوند:

۱- رسانه های شخصی

۲- رسانه های جمعی.

(۱) رسانه، احسان آذرکمند: (<http://ir/fa/news/۶۴۰۴۰>)

(۲) حکیم آراء: ارتباطات متقاعدگرانه و تبلیغ، ص ۲۰۷.

(۳) رحیمی: رسانه ها و مسؤولیت دینی، ص ۱۳۴.

رسانه های همگانی

چون هدف ما از رسانه ها در این تحقیق همان رسانه های جمعی (همگانی) است نه رسانه های شخصی، پس نیاز است تا تعریف رسانه ها همگانی مشخصا روشن گردد، بنابراین باید گفت که: « متخصصان و محققان ایالات متحده امریکا در سال های پس از جنگ جهانی دوم، برای یکجا معرفی کردن روزنامه ها، رادیوها، تلویزیون ها و سینماها پیش قدم شدند و به جای استفاده از مطبوعات چاپی و مطبوعات سمعی و بصری اصطلاح "وسایل ارتباطی توده‌ی" یا (Media of Mass Communication) را انتخاب کردند و برای آنکه بیان و نگارش آن ساده تر باشد آنرا به صورت (Mass Media) به کار بردند.

سپس در کشورهای دیگر جهان نیز به تدریج ترجمه معادل این اصطلاح معمول شد؛ اما در برخی ممالک مخصوصاً فرانسه، بلژیک و آلمان اصطلاح "وسایل ارتباط توده مورد قبول واقع شد و دانشمندان و صاحب نظرانی که در زمینه های مختلف راجع به مطبوعات، رادیو و تلویزیون به مطالعه و تحقیق پرداختند این اصطلاح را نا به جا یا نامفهوم پیشنهاد کردند و به جای صفت "توده‌ی" آن صفت "اجتماعی" یا "جمعی" را استفاده کردند.

ارتباط جمعی یا عمومی تعبیر است که جامعه شناسان امریکایی برای مفهوم (Mass Media) به کار برده اند که این واژه از ریشه لاتین (Media) وسایل و اصطلاح انگلیسی (Mass) توده یا جمعی تشکیل شده است»^(۱).

قانون رسانه های همگانی افغانستان در زمینه چنین تصریح می دارد: « رسانه وسیله انتقال پیام، معلومات و اطلاعات با استفاده از وسایل آتی میباشد: رسانه برقی: رادیو، تلویزیون، شبکه کیلی و اینترنت. رسانه چاپی: روزنامه، هفته نامه، نشریه پانزده روزه، گاهنامه، ماهنامه، فصلنامه سالنامه، پوستر و مجموعه خبری»^(۲).

مطلب دوم: تاریخچه و انواع رسانه ها

در این مطلب تاریخچه و انواع رسانه ها مورد بحث قرار می گیرد.

الف) تاریخچه رسانه ها

رسانه یک پدیده اجتماعی باستانی است که همزمان با وجود انسان ظهور کرده و ابزار آن گسترش چشمگیری یافته است، که با اشارات و علائم آغاز، سپس از گفتار، نوشتن و چاپ، رادیو، سینما و تلویزیون عبور کرده تا اینکه به ایستگاه های فضایی، ماهواره ها و آنچه ما با او از شبکه های اینترنتی سروکار داریم رسیده است.

و روند تکوین و سیر تحول وسایل ارتباط جمعی را به شرح زیر می توان بیان داشت:

۱- ارتباط غیر کلامی

ارتباط اولیه انسان اشاره ای و غیر کلامی بوده است. انسان از طریق لمس کردن - حرکات چهره حرکات دست - طبل زدن - دود و آتش به تبادل پیام می پرداخت.

(۱) معین: فرهنگ معین، ص ۷۸.

(۲) قانون رسانه های همگانی افغانستان، ماده ۱.

۲- زبان شفاهی (ارتباط غیر الفبایی)

انسان برای ارتباط بیشتر با اطراف خود به زبان شفاهی متوسل شد. ارتباط مستقیم (چهره به چهره) و نیز استفاده از ۵ حس بشري در این دوره مورد استفاده قرار می گرفت.

۳- ارتباط الفبایی

اختراع بزرگ حروف الفبا در یونان در هفتصد سال پیش از میلاد انقلابی در ارتباطات بشر ایجاد کرد. حروف الفبا به عنوان پل گفتار و نوشتار موجب انتقال افکار و تکامل ارتباط غیر الفبایی و دگرگونی کیفی در ارتباطات انسانی شد.^(۱)

۴- ارتباط نوشتاری

اختراع چاپ توسط گوتنبرگ^(۲) موجب آغاز عصر کتابت و ارتباط نوشتاری انسان به همراه ارتباط کلامی شد.

۵- انتشار مطبوعات

با پیشرفت صنعت چاپ انتشار مطبوعات به عنوان نخستین وسیله ارتباط نوین تحولی در ارتباط بشر ایجاد کرد. مطبوعات محصول مهم جامعه صنعتی است.

۶- اختراع تلکس و تلگراف

با اختراع برق و پیدایش تلکس و تلگراف توسط ساموئل مورس^(۳) در سال ۱۸۳۲ ارتباطات راه دور جای خود را به دوندگان مقام اسب های تندرو و کبوتران نامه بر داد.

۷- اختراع تلفن

اختراع توسط گراهام بل^(۴) در سال ۱۸۷۶ امکان ارتباط با سیم بشر را فراهم کرد.

۸- اختراع بی سیم

اختراع ارتباط بی سیم و رادیو توسط رکنی^(۵) ایتالیایی در سال ۱۸۹۵ عصر الکترونی را در اواخر قرن ۱۹ رقم زد.

۹- ظهور سینما

تولد سینما جنبه سرگرمی و تفریحی و پرکردن اوقات فراغت به رسانه ها را ایجاد کرد.

۱۰- اختراع تلویزیون

ظهور تلویزیون بعد از جنگ جهانی دوم موجب یکسان سازی و همگون سازی مخاطبان و کنار رفتن مرکزیت رادیو در ارتباط بشر شد.^(۶)

(۱) تاریخچه و روند تکوین رسانه های جمعی: (<http://giti.blogfa.com/post/۲۲۱>)

(۲) یوهانس گوتنبرگ، زرگر آلمانی و اولین مخترع ماشین چاپ و صنعت چاپ در اروپا، نگا: ویکی پدیا، یوهانس گوتنبرگ: (<http://fa.m.wikipedia.org>)

(۳) ساموئل فاینلی بریس مورس نقاش، فیزیک دان و پژوهشگر آمریکایی و مخترع تلگراف. نگا: ویکی پدیا، ساموئل مورس: (<http://fa.m.wikipedia.org>)

(۴) الکساندر گراهام بل مخترع، مبتکر و دانشمند اسکاتلندی - آمریکایی. نگا: ویکی پدیا، الکساندر گراهام بل مخترع: (<http://fa.m.wikipedia.org>)

(۵) گوگلیلمو مارکونی دانشمند ایتالیایی و مخترع بی سیم. نگا: ویکی پدیا، گوگلیلمو مارکونی: (<http://fa.m.wikipedia.org>)

(۶) تاریخچه و روند تکوین رسانه های جمعی: (<http://giti.blogfa.com/post/۲۲۱>)

۱۱- اختراع ماهواره

ماهواره^(۱) توسط روسها و براساس اندیشه پوپوف^(۲) و در سال ۱۹۵۷ اختراع شد و آغازگر ارتباط ماهواره ای بشر و شکل نوینی از ارتباط رادیویی انسانها شد.

۱۲- ظهور اینترنت

دومین انقلاب ارتباطات بشر بود. اختراع کامپیوتر و ظهور اینترنت تحول عظیمی در زندگی بشر ایجاد و موجب انقلاب اطلاعات و شکل گیری شبکه ها و گسترش ابرشاه راههای اطلاعاتی با استفاده از سه تکنولوژی صنایع شامل کامپیوتری - مخابرات و فیلم سازی است^(۳).

ب) انواع رسانه ها

رسانه های همگانی به شنیداری مانند: رادیو، رسانه های دیداری مانند: تئاتر، سینما، تلویزیون و رسانه های نوشتاری مثل کتاب ها و روزنامه ها تقسیم بندی می شوند. « بنابراین می توان رسانه ها را به شرح زیر تقسیم کرد:

۱- رسانه های نوشتاری، مانند: روزنامه ها و مجلات

۲- رسانه های شنیداری، مانند: رادیوها و نوارهای کاست

۳- رسانه های دیداری، مانند: تلویزیون، سینما و تئاتر^(۴)

قانون رسانه های همگانی افغانستان در زمینه با تفاوت اندکی در تعبیر چنین تصریح می دارد:

« رسانه وسیله انتقال پیام، معلومات و اطلاعات با استفاده از وسایل ذیل می باشد:

- رسانه برقی: رادیو، تلویزیون، شبکه کیبلی و اینترنت

- رسانه چاپی: روزنامه، جریده هفته نامه، نشریه ۱۵ روزه، ماهنامه، گاهنامه، فصل نامه، سال نامه، پوستر و خبرنامه^(۵).

چنانچه ملاحظه می کنیم در قانون رسانه های همگانی افغانستان رسانه های شنیداری و دیداری هر دو در ضمن یک عنوان که همان رسانه های برقی است، درج گردیده.

مطلب سوم: اهمیت و کارکرد رسانه ها

در این مطلب اهمیت و کارکرد رسانه های همگانی به بحث گرفته می شود.

الف) اهمیت رسانه ها

رسانه ها قدرت بسیاری در جذب مخاطب انبوه و توانایی در شکل بخشیدن به افکار عمومی را دارند، رسانه ها بخش وسیعی از ماهیت افکار عمومی را شکل می دهند. نقش رسانه های جمعی در حوزه های گوناگون زندگی بشری از جمله تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مناقشات بین المللی افزایش یافته و با گسترش تاثیر گذاری آنها در تمامی حوزه های عصر کنونی را به عصر

(۱) ماهواره عبارت از دستگاهی است که به فضا فرستاده شده و در مدارهایی به گرد زمین یا سیارات دیگر چرخیده معلومات را انتقال میدهد. نگا: ویکی پدیا، ماهواره: (<http://fa.m.wikipedia.org>)

(۲) لئونید پوپوف فضا نورد روسی. نگا: ویکی پدیا، لئونید پوپوف: (<http://fa.m.wikipedia.org>)

(۳) تاریخچه و روند تکوین رسانه های جمعی: (<http://giti.blogfa.com/post/۲۲۱>)

(۴) حوامة، وغیره: وسائل الإعلام والطفولة: ص ۱۶.

(۵) قانون رسانه های همگانی افغانستان، ماده ۳.

ارتباطات و جامعه ي اطلاعاتي تبديل کرده است. از لابلای کارکرد ها و فعالیت رسانه ها که ذیلا ذکر می گردد اهمیت آنها خوبتر واضح می شود.

(ب) کارکرد رسانه ها

رسانه ها، فعالیت و کارکردهای بیشماری دارند که از جمله می توان به اشاعه و نشر فرهنگ، گشایش فرهنگی، شوخی و سرگرمی، مبارزه با فساد، سمت و سو دهی افکار عمومی، توسعه اقتصادی و اطلاع رسانی (گزارش اخبار) اشاره نمود.^(۱)

مطلب چهارم: کارکنان رسانه ای

در این مطلب کارکنان کلیدی رسانه ای شناسایی می گردند و باید گفت: کارکنان رسانه ای عبارت از اشخاص و افرادی اند که به نحوی در رسانه های همگانی وظیفه اجرا می کنند و نظر به لایحه وظایف کاری شان یکسری مسؤولیت ها بر ذمه آنها عاید می گردد. چنانچه قانون رسانه های همگانی جمهوری اسلامی افغانستان در مورد کارکنان و اصحاب رسانه ها چنین صراحت دارد:

« - ژورنالیست: شخص حرفه یی و مسلکی است که از طریق رسانه ها، مواد و محتوی نشراتی را ایجاد و عرضه می نماید.
- طابع: شخص حقیقی یا حکمی است که به اساس ملکیت یا نمایندگی مالک، متصدی بالفعل امور مطبوعه باشد.

- ناشر: شخص حقیقی یا حکمی است که اجازه طبع و نشر آثار غیر موقت را دارا میباشد.
- صاحب امتیاز: شخص حقیقی یا حکمی است که به تأسیس و تدویر رسانه های برقی، چاپی، آژانس خبر رسانی، نهاد های آموزش ژورنالیزم، مطبوعه، مؤسسه نشراتی، دارالترجمه و شرکت تبلیغات و اعلانات می پردازد.
- مدیر مسوول: شخصی است که طور بالفعل، مسوولیت امور نشراتی مربوط به وسایل مندرج جزء (۱۳)(۲) این ماده را به عهده دارد. »^(۳)

مبحث دوم: آزادی اندیشه، عقیده، بیان و رسانه ای

در این مبحث به آزادی های اندیشه، عقیده، بیان و رسانه ای و همچنین محدودیت شرعی و قانونی ای که در این زمینه وجود دارد، ضمن مطالبی جداگانه پرداخته می شود.

مطلب اول: مفهوم آزادی

در خلال این مطلب به مفهوم لغوی و اصطلاحی آزادی، دیدگاه شریعت و محدودیت های شرعی و قانونی در زمینه پرداخته می شود.

(۱) اهمیت وسائل الإعلام الجماهيري: (<https://www.annajah.net>)
(۲) یعنی: رسانه های برقی، چاپی، آژانس خبر رسانی، نهاد های آموزش ژورنالیزم، مطبوعه، مؤسسه نشراتی، دارالترجمه و شرکت تبلیغات و اعلانات.
(۳) قانون رسانه های همگانی افغانستان: ماده ۳.

الف) مفهوم آزادی:

در لغت:

در باره معنای لغوی کلمه آزادی باید گفت که این « واژه طبق نظر برخی، از واژه اوستایی آزاته و یا واژه پهلوی آزاتیه گرفته شده و در زبان فارسی در معانی مختلفی بکار رفته است. از جمله: رها بودن، یله بودن، منقطع بودن، خالص بودن، آزادمردی، خلاصی، شادی، خرمی، قدرت انجام و ترک عمل، قدرت انتخاب، حریت، اختیار، عتق، خشنودی و . . . »^(۱)

در عربی آزادی را حریت می گویند، علامه ابن منظور^(۲) در توضیح معنای کلمه حریت گفته است: « حر با ضم: نقیض عبد و جمع آن احرار و حرار می شود، مورد آخر از ابن جنی عثمان^(۳) موصلی نقل شده است، و حره: نقیض امه و جمع آن حرائر و حرره می شود »^(۴).

علامه ابوبکر جصاص^(۵) رحمه الله گفته است: «تحریر رقبه: به معنای آزاد کردن رقبه (گردن) است و آزاد کردن آن وارد کردن آزادی بر آن است. و رقبه را ذکر کرده ولی هدف شخص است تا تشبیه به اسیری باشد که گردن او رها شده و آزاد می گردد، بنابراین رقبه تعبیری از شخص است»^(۶).

شیخ قرشی^(۷) می گوید: « حریت در لغت بر آزادی از بردگی اطلاق می گردد، بنابراین گفته می شود که او آزاد است، یعنی برده نیست و همچنین بر آزادی از قید و اسارت نیز اطلاق می شود، و در اسلام، آزادی گاهی به معنای آزادی از بردگی است، بنابراین گفته می شود فلان آزاد یعنی: مملوک کسی نیست، گاهی هدف از آن رضایت مندی و اختیار می باشد، چنانچه گفته می شود که فلانی در اعمال خود آزاد است، یعنی: تحت اجبار نیست و گاهی هم بمعنای رهایی روح از توهمات و خرافات می آید، همانطور که گفته می شود: فلانی از توهمات آزاد است »^(۸).
همچنین در مورد معنای لغوی این کلمه آمده است:

« واژه آزادی در لغت به معنای حریت و اختیار خلاف بندگی، رقیت، عبودیت، اسارت و اجب ار و همچنین به معنای قدرت عمل و ترک عمل و قدرت انتخاب بیان شده است »^(۹).

در اصطلاح:

همان طور که قبلا اشاره شد، در اصطلاح به تعاریف بسیاری از آزادی بر می خوریم، از جمله: جابر بن حیان کوفی^(۱۰) آزادی را چنین تعریف کرده است: اراده ای که مسبوق به تفکر همراه با تمییز باشد.

(۱) معین: فرهنگ معین، ماده حر.

(۲) محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور الأنصاری الرویفی، صاحب (لسان العرب): الإمام اللغوي. نگا: الأعلام للزركلي، موقع يعسوب، ج ۷، ص ۱۰۸.

(۳) عثمان بن جني الموصلي، أبو الفتح: من أئمة الأدب والنحو، وله شعر. نگا: الأعلام للزركلي، موقع يعسوب، ج ۴، ص ۲۰۴.

(۴) ابن منظور: لسان العرب ج ۴ ص ۱۸۱.

(۵) أحمد بن علي المكني بأبي بكر الرازي الجصاص الحنفي. والرازي نسبة إلى الري، والجصاص نسبة إلى العمل بالجص. نگا: تاج التراجم في طبقات الحنفية، قطلوبغا، موقع الوراق، ج ۱، ص ۲.

(۶) الجصاص: تفسير احكام القران، ص ۱۲۱.

(۷) روحانی شیعه مذهب، تاریخ دان، محقق و نویسنده عراقی. نگا: (https://ar.wikiwshia.net)

(۸) القرشي: نظام الاسلام السياسي، ص ۱۸۳ - ۱۸۴.

(۹) دهخدا: فرهنگ دهخدا، ماده: آزادی.

(۱۰) ابو موسی جابر بن حیان الكوفي عالم کیمیا و الفلسفة والطب والرياضیات. نگا: الأعلام للزركلي، موقع يعسوب، ج ۱، ص ۱۰۳.

علامه ابو حامد غزالی^(۱) گفته: «آزاد کسی است که عمل با اراده، اختیار و علم در پیوند به هدف از او ناشی می شود».

دکتر زکریا ابراهیم^(۲) حریت و آزادی را چنین تعریف کرده است: «آزادی عبارت از ملکه خاصی است که یک موجود آزاد و ناطق را از نگاه اینکه او موجود عاقلی است که اعمالش ناشی از اراده خودش بوده، نه اراده شخص دیگری که برای او بیگانه است، متمایز می سازد، زیرا آزادی مطابق مفهوم اشتقاقی آن بمعنای عدم وجود فشار و اجبار بیرونی است».

شیخ ابو زهره^(۳) معتقد است که فرد آزاده در واقع شخصی است که معانی والای انسانی در او متجلی است، که خود را از موضوعات پیش پا افتاده بالاتر می برد، او به تعالی روی می آورد و خود را کنترل می کند، به طوری که هوی و هوس او آزاد مطلق العنان نمی باشد، و او برده یک شهوت خاص نیست، او فرمانروای خود است، زیرا فرد آزاد کسی است که شروع به تسلط بر خود می کند، و هنگامی که خود را کنترل می کند و هوی و هوس و احساسات خود را کنترل می کند، بدون شک که او آزاد است^(۴).

از لابلای تمام تعاریفی که در مورد آزادی ارائه شده است، به این نتیجه می رسیم که آزادی عبارت است از: حق فرد در اینکه با اختیار خود بگونه ای به انجام عملی اقدام نماید که به خود و دیگران آسیبی نرساند، و این امر بر اساس اراده عاری از هوی و هوس نفسانی و در چوکات شریعت و قوانین باشد.

ب) آزادی از دید شریعت اسلامی و قانون

۱- از دید شریعت

از دیدگاه اسلام، تمام انسانها از نقطه نظر ذات انسانی برابرند همه از شرافت و کرامت انسانی برخوردارند انسان موجودی است شریف و برتر از سایر موجودات و در اصل این کرامت و فضیلت همه یکسانند، بنابراین هیچ کس ذاتاً برده به دنیا نمی آید، قرآن با لحنی عام و یکنواخت در مورد نوع بشر می فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾^(۵)

ما، انسان ها را گرامی داشتیم و آنها را در دریا و خشکی، (بر مرکب) سوار کردیم و از نعمت های پاک بهره مندشان ساختیم و آنها را بر سایر آفریده های خود برتری فراوانی بخشیدیم.

صرف ویژگی اختیار و داشتن حق گزینش را، قرآن کریم برای انسان به رسمیت می شناسد و همین را البته دلیل مسئول بودن او می داند. وقتی می گوید: ما راه را به انسان نمایانیم یا سپاسگزار است و رهنمون می شود و یا ناسپاس است و به بیراهه می رود:

(۱) محمد بن محمد بن محمد الغزالی الطوسی، أبو حامد، حجة الإسلام فیلسوف، متصوف، له نحو مئتي مصنف. نگا: الأعلام للزركلي، موقع يعسوب، ج ۷، ص ۲۲.

(۲) نویسنده و فیلسوف مصري، وی در سال ۱۹۲۴م در قاهره مصر چشم به جهان گشود، دکتورای خود را از دانشگاه سوربون بدست آورد، در دانشگاه قاهره بعنوان استاد فلسفه ایفای وظیفه نمود، او بیشتر از ۳۵ اثر از خود بجا مانده است. نگا: (<https://ar.m.wikipedia.org>)

(۳) أبو زهرة محمد بن أحمد بن مصطفى فقيه و مؤرخ و متكلم و مفسر مصري. نگا: (<http://ar.m.wikipedia.org>)

(۴) السامرائي: النظام السياسي في الاسلام، ص ۱۷۵ - ۱۷۶.

(۵) سوره اسراء، آیه ۷۰.

﴿ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا ﴾^(۱)

هدفش این است که در وجود انسان این آزادی یعنی حق گزینش وجود دارد و می تواند بین دو چیز یکی را انتخاب کند .

اگر آزادی را به معنای لطیف و بلند آن معنی کنیم که آزادی روح انسان از آلائش، از هوی و هوسها، از رذایل و از قید و بندهای مادی است، این معنی، تا امروز هم هنوز در انحصار مکاتب الهی است و اصلاً مکاتب غربی و اروپایی آن را استشمام نکرده اند. آزادی که در انقلاب کبیر فرانسه در قرن هیجدهم و بعد از آن در دنیای غرب مطرح شد، آن آزادی خیلی کوچکتر و محدودتر و کم ارزشتر از آزادی به معنایی است که مخصوص مکاتب الهی است.

حتی اگر آزادی را با همان معنی و مفهومی که امروز در مکاتب سیاسی مطرح می شود: «آزادیهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آزادی فکر و اندیشه و عقیده» بدانیم، علی رغم تفاسیر مختلفی که در هر کدام از این عناوین وجود دارد، در همین مسائل هم اسلام قرنهای قبل از انقلابها و مکاتب اروپایی این آزادی را به ارمغان آورده است. آیه:

﴿ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ... ﴾^(۲)

یعنی: و بار سنگین و قید و بندهایی را که بر عهده آنان بود، از آنان رفع می کند، از آیاتی است که شایسته است بر لوحه های زرّینی نوشته شود و بر سر در همه مجامعی که در دنیا برای حقوق بشر مبارزه می کنند، نصب شود.

آیه درباره شخصیت پیغمبر صلی الله علیه وآله و یکی از توصیفات است که از شخصیت رسول گرامی در قرآن شده است. در قرآن چندین آیه درباره شخصیت و یاران پیغمبر صلی الله علیه وسلم آمده و هر کدام از آیات یاد شده، بعدی از ابعاد عظیم آن شخصیت را بیان می کند، که آیه مذکور از برجسته ترین آنهاست.

از جمله مطالبی که در این آیه آمده، این است که بندها را از پاهای انسانها برمی دارد و آن غل و زنجیرهایی که به پای آنهاست و سنگینی می کند و مانع از تحرّک انسان و پرواز آدمی می شود، مانع اوج گرفتن و تکامل انسان می شود، از گردن و پای انسان باز می کند.

انواع و اقسام تحمیلها، تبعیضها، محدودیتهای و تلقینها که امروز به صورت مدرن در دنیا مطرح است و انسانها را به صورت یک حیوان درمی آورد، از جمله این بندها به شمار می روند.

اصر یعنی تکالّف سخت و دشوار^(۳) بر انسانها، و این مفهوم بسیار عجیب و وسیعی است، اگر وضع جوامع دینی و غیردینی در آن دوره را در نظر داشته باشید، می دانید که این اصر، این تعهدات و پیمانهای تحمیلی بر انسانها، شامل بسیاری از عقاید باطل و خرافی و قیود اجتماعی غلطی که دستهای استبداد یا تحریف یا تحمیق بر مردم تحمیل کرده بود، می شود.

و امروزه در بسیاری از جوامع غربی به این صورت زندگی می کنند و اصلاً از ویژگیهای انسانی در آنها اثری نیست. چه چیز آنها را این طور اسیر کرده است؟

قبل از اسلام، حضرت موسی به فرعون می گوید:

﴿ وَ تِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴾^(۴)

(۱) سوره انسان، آیه ۳.

(۲) سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

(۳) نگا: فتح القدیر: محمد بن علی بن محمد بن عبد الله الشوکانی، ج ۲، ص ۲۸۸.

(۴) سوره شعراء، آیه ۲۲.

آیا به بردگی گرفتن بنی اسرائیل، نعمتی است که منتش را بر من می‌نهی؟! ، باز این‌جا مسأله بردگی و آزادی مطرح است.

در معارف و تاریخ صدر اسلام، آن قدر این مفهوم با همین نام، واژه، و خصوصیات تکرار شده که جای شک باقی نمی‌ماند.

در زمان خلیفه دوم عمر فاروق رضی الله عنه، والی مصر عمرو بن عاص رضی الله عنه بود. پسر عمرو بن عاص در گفت‌وگویی در نتیجه پیشی گرفتن اسب یک جوان قبطی بر اسب خود سیلی به صورت وی می‌زند.

پدر و پسر قبطی به مدینه آمدند و در مسجد پیش خلیفه رفتند و ماجرا را مطرح کردند، خلیفه فوراً نوشت تا عمرو بن عاص و پسرش هر دو بیایند، اینها را به مسجد آورد و برای جوان قبطی از پسر عمرو بن عاص رضی الله عنه قصاص گرفت.

بعد جمله ای از قول خلیفه نقل شده که آن هم از جملاتی است که در تاریخ هست و آن این که خطاب به عمرو بن عاص رضی الله عنه گفت:

«متی استعبدتم الناس و قد ولدتهم أمهاتهم أحراراً»^(۱)

یعنی: از کی شما این مردم را بنده و برده خودتان قرار داده‌اید، در حالی که مادرانشان آنها را آزاد به دنیا آوردند.

اگر آزادی اسلام به صورت یک فرهنگ رایج نبود، خلیفه برای یک کار به این مهمی که والی خودش را می‌خواهد مجازات کند، به این جمله و معرفت اسلامی استناد نمی‌کرد.

لذا پیداست که این نکته را همه می‌دانستند و جزء فرهنگ رایج شناخته شده ملت اسلام در آن زمان بوده که انسانها آزاد هستند و از مادرها آزاد متولد شده‌اند و کسی حق ندارد انسانها را برده و اسیر و بنده خودش بکند و حق آزادی را از آنها سلب نماید.

۲- از دید قانون

قانون اساسی افغانستان در ماده بیست و چهارم خود در زمینه چنین صراحت دارد:

« آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد، محدودی ندارد .

آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است.

دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد »^(۲).

ج) محدودیت های آزادی

۱- در شریعت اسلامی

محدوده آزادی فردی از دید شریعت اسلامی ، علاوه بر حفظ آزادی دیگران و مصالح جامعه ، مصلحت و سلامت و رستگاری خود شخص نیز هست، اسلام یک سلسله مفاهیم روشن و مشخص را برای سعادت افراد و جامعه بشری ترسیم نموده و مردم را به پذیرش و عمل کردن به آنها دعوت کرده است : توحید و یکتا پرستی ، عدالت ، احسان ، راستگویی ، پاکدامنی ، خودداری از شرک و ظلم ، نیرنگ و تجاوز به مال و جان مردم از جمله مفاهیم روشنی هستند که اسلام آنها را تبلیغ نموده و مردم را به پذیرش و عمل به آنها دعوت می‌نماید و تخلف از آنها را مورد تقبیح قرار می‌دهد .

(۱) عبد الشافی محمد عبد اللطیف: السيرة النبوية والتاريخ الإسلامي: ج ۱، ص ۴۱۰.

(۲) قانون اساسی افغانستان، ماده ۲۴.

انسان در ذات خود آزاد است یعنی نسبت به موجودات دیگر این امتیاز را دارد که می تواند بین خوبیها و بدیها یکی را انتخاب نماید ولی همواره این آزادی به سوی انتخاب خوبیها هدایت می شود و انسان مسئول است که از بدیها دوری جوید و به خوبیها روی آورد ، حتی اگر ترک این خوبی و با ارتکاب آن بدی ، به کسی لطمه ای وارد نسازد و مخل آزادی دیگری نباشد.

اسلام ، آزادی انسان را تنها محدود به عدم دخالت دیگران در کار او و گزینش او نمیداند بلکه آزادی از اوهم و خرافات و هواهای نفسانی و عادات و رسوم غلط را نیز شرط استقرار آزادی می داند . از آنها به عنوان قید و بندهایی یاد میکند که آزادی را از انسان سلب می کنند و بشر باید در گسستن آنها و آزاد کردن خود بکوشد .

قرآن کریم در مورد دعوت پیامبر اسلام (ص) و فراخواندن او مردم را به توحید و ایمان بخدا و متصف شدن به صفات نیک و دوری جستن از شرک و صفات رذیله و سنتهای غلط ، بعنوان کسی که می خواهد بار سنگینی را از دوش انسان بردارد و بندهای گران را از دست و پای او بگسلد و او را آزاد کند ، نام می برد :

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^(۱)

آنان که از پیامبر درس نخوانده ای که نامش را در تورات و انجیل می بینند، پیروی می کنند؛ پیامبری که به سوی نیکی فرا می خواند و از بدی باز می دارد و نعمت های پاک را برایشان حلال می گرداند و ناپاکی را بر آنان حرام می نماید و تکالیف سنگین و قید و بندهایی را که بر عهده ی آنان بود، از آنان رفع می کند. پس کسانی که به او ایمان بیاورند و او را گرامی بدارند و یاریش کنند و از نوری که بر او نازل شده است، پیروی نمایند؛ چنین کسانی رستگارند.

در منطق اسلام، انسان آزاده آن است که از بردگی انسانهای دیگر رها و از بندگی خواستها و امیال حیوانی خویش نیز آزاد باشد ، آنکه نمی تواند برامیال و هواهای نفسانی خویش غالب آید، او نیز آزاد نیست بلکه بنده و برده ای است که با پیروی از هوای نفس به گمراهی و هلاکت کشیده می شود:

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾^(۲)

آیا به آن کس توجه کرده ای که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داد و الله، از روی دانش خود (که او هدایت نمی یابد)، گمراهش کرد و بر دیده اش پرده نهاد؟ پس کیست که او را پس از الله هدایت کند؟ آیا پند نمی گیرید؟

اسلام ، بندگی خدا را برای انسان موجب کمال او میداند و در واقع آزادگی و آزادی او را از قید بندگی دیگران مرهون بندگی خداوند می داند ، به تعبیر دیگر می توان گفت از نظر اسلام ، انسان آزاد نیست که خود را از قید بندگی خدا رها سازد ، بلکه هدف از خلقت انسان را عبودیت خداوند می شمارد:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^(۳)

و انسان ها و جن ها را تنها برای این آفریدم که مرا عبادت و پرستش نمایند.

(۱) سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

(۲) سوره جاثیه، آیه ۲۳.

(۳) سوره زاریات، آیه ۵۶.

ماده (۱۱) اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه قاهره) تصریح می دارد : « ... انسان آزاده متولد می شود و هیچ احدي حق به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد مگر خدای متعال ... »^(۱).

قرآن کریم با شیوه های گوناگون پند و اندرز و ترغیب و تشویق به تفکر و تدبیر و رجوع به فطرت و تهدید به انواع عذابهای اخروی و احیاناً فرجام بد در زندگی دنیوی ، انسانها را به بندگی خدا و دوری جستن از شرک و بدیها دعوت می کند و در واقع از انسان آزاد مختار می خواهد که در گزینش خویش مسئولانه برخورد کند و عقیده صحیح ، رفتار صحیح و گفتار را برگزیند پس انسان ، آزاد است ولی اعمال این آزادی علاوه بر اینکه نباید با آزادی دیگران و مصالح آنها مغایرت داشته باشد با خط روشنی که خداوند برای خود فرد نیز ترسیم کرده و آن هم چیزی جز سعادت و کمال او نیست نباید مغایر باشد، پس انسان در انتخاب شرک و بت پرستی ، دروغ گویی ، شرب خمر ، خودکشی و امثال این اعمال و صفات رذیله آزاد نیست هرچند مخل حقوق دیگران و نظم جامعه نباشد.

۲- در قانون

قانون اساسی افغانستان نیز در ماده بیست و چهارم خود حدود آزادی را صدمه وارد کردن به آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، بیان می کند، چنانچه تصریح می دارد: « آزادی حق طبیعی هر انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد ، محدودی ندارد »^(۲).

د) انواع آزادی

آزادی به لحاظ های مختلف تقسیم می گردد و انواع مختلفی دارد ولی از جمله آنچه در این تحقیق به آن نیاز است و باید روشن و واضح گردد قرار ذیل می باشد:

- ۱- آزادی فکر و اندیشه
- ۲- آزادی عقیده
- ۳- آزادی بیان
- ۴- آزادی رسانه ای، که در مطالب بعدی به یکایک آنها پرداخته خواهد شد.

مطلب دوم: آزادی فکر و اندیشه

در این مطلب به مفهوم آزادی فکر و اندیشه و همچنین محدودیت های موجود در این زمینه پرداخته می شود.

الف) تعریف آزادی فکر و اندیشه

۱- فکر و اندیشه در لغت

فکر در لغت به معانی:

« تأمل، گمان، ترس، بیم، اندیشه کردن: فکر کردن، خیال کردن، احساس ترس و بیم کردن آمده است »^(۳).

(۱) اعلامیه اسلامی حقوق بشر، ماده ۱۱.

(۲) قانون اساسی افغانستان، ماده ۲۴.

(۳) دهخدا: فرهنگ دهخدا، ج ۶، ص ۳۸۷؛ عمید: فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۲۴۷.

همچنین اندیشه در فرهنگ فارسی معین: « فکر، تفکر، تأمل، بیم »^(۱) و اضطراب معنی شده است.

در فرهنگ دهخدا نیز اندیشه به معنای: فکر، تفکر، رای و نظر آمده است^(۲).

۲- آزادی فکر و اندیشه در اصطلاح

تعریف آزادی در مطلب قبلی گذشت، اما آزادی فکر و اندیشه به این معناست که: « شخص حق دارد به طور مستقل در مورد همه امور پیرامون خود و پدیده هایی که تحت آگاهی او قرار می گیرد، فکر کند و آنچه را که درک اش او را به آن هدایت می کند، اتخاذ کرده و آن را با وسایل مختلف بیان، ابراز نماید »^(۳).

ب) آزادی فکر و اندیشه از دید شریعت اسلامی و قانون

۱- از دید شریعت اسلامی

شریعت اسلامی به تفکر و اندیشیدن در آفاق و انفس و پهنه هستی خیلی تاکید کرده است که در زیر به نمونه از آن می پردازیم:

﴿ قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ﴾^(۴)

بگو: بنگرید که در آسمان ها و زمین چیست؟ و نشانه ها و هشدارها به کسانی که ایمان نمی آورند، فایده ای نمی رساند.

﴿ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ ۚ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ﴾^(۵)

آیا در وجود خویش نیندیشیده اند؟ الله، آسمان ها و زمین و آنچه را میان آنهاست، جز به حق و تا سرآمد و زمان معینی نیافریده است. و بی گمان بسیاری از مردم به دیدار پروردگارشان باور ندارند.

﴿ أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ ۚ ﴾

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ^(۶)

آیا در قدرت و فرمانروایی پروردگار در آسمان ها و زمین و در انواع مخلوقاتی که الله آفریده است و در اینکه شاید پایان عُمرشان نزدیک شده باشد، نیندیشیده اند؟ پس بعد از این (قرآن) به کدامین سخن ایمان می آورند؟

﴿ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴾^(۷)

همانا در آفرینش آسمان ها و زمین و گردش شب و روز، نشانه هایی برای خردمندان وجود دارد، کسانی که ایستاده و نشسته و یا در حالی که بر پهلوها آرمیده اند، الله را یاد می کنند و در آفرینش

(۱) معین: فرهنگ معین، ج ۱، ص ۳۷۷.

(۲) دهخدا: فرهنگ دهخدا، ج ۸، ص ۳۸۷.

(۳) د/ علی عبدالواحد وافی: حقوق الإنسان في الإسلام؛ ص ۲۲۹.

(۴) سوره یونس، آیه ۱۰۱.

(۵) سوره روم، آیه ۸.

(۶) سوره اعراف، آیه ۱۸۵.

(۷) سوره آل عمران، آیه ۱۹۰ و ۱۹۱.

آسمان ها و زمین می اندیشند (و می گویند): ای پروردگار ما! این را بیهوده نیافریده ای؛ تو پاکی پس ما را از عذاب دوزخ محافظت بفرما.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۖ أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾^(۱)

و هنگامی که به آنان گفته می شود: «از آنچه الله نازل کرده است، پیروی کنید»، می گویند: «بلکه ما از چیزی پیروی می کنیم که پدرانمان را بر آن یافته ایم». اگرچه پدرانشان، چیزی نمی فهمیده و یا بر هدایت نبوده اند!

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لا تكونوا إمعة»^(۲) تقولون: إن أحسن الناس أحسناً، وإن ظلموا ظلمنا، ولكن وطنوا أنفسكم إن أحسن الناس أن تحسنوا، وإن أسأوا فلا تظلموا»^(۳) یعنی: شما سست رای نباشید که بگویید: اگر مردم نیکی کنند ما هم چنین می کنیم و اگر ستم کنند ما هم به آن دست می یازیم، بلکه این ویژگی را در نهان خود جابجا کنید که اگر مردم نیکی کنند شما هم نیکی کنید و اگر بدی انجام دادند شما ستم نکنید و مرتکب بدی نشوید.

شاید بزرگترین شاهد آزادی اندیشه در اسلام تعدد گروه های سیاسی، مذاهب شرعی، مکاتب اجتهادی و اصل شورا باشد، این اصل که قرآن کریم به آن دستور داده است:

﴿وَأْمُرْهُمْ شُورًا بَيْنَهُمْ﴾

یکی از اصول و پایه های دولت اسلامی می باشد.

ویکی از نتایج این آزادی که اسلام به جامعه خود عنایت کرد این بود که: « علما و متفکرین بدون اینکه اسلام یا دولت ناشی از آن سد راه ایشان شود، راههای مورد نظر خود را طی کرده و مطالعات مورد نظر خود را از علوم و هنرهای مختلف در فلسفه، منطق، توحید، اصول، فقه و عرفان، طب، کیمیا، طبیعت، مهندسی، ریاضیات و غیره، که انسان را به سوی پیشرفت های بزرگ سوق داد و پایه و اساس انقلاب مدرن اروپایی قرار گرفت، دنبال کردند »^(۴).

۲- از دید قانون

قانون اساسی افغانستان در ضمن آزادی بیان که در واقع همان آزادی ابراز باور، فکر و اندیشه و عقیده است در مورد آزادی فکر و اندیشه چنین صراحت دارد:

« هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید »^(۵).

ج) محدودیت های آزادی فکر و اندیشه

۱- در شریعت اسلامی

لازم به ذکر است که وقتی اسلام آزادی اندیشه را در نظر می گیرد، آن را با حفظ ارکان دین که پایه و اساس دولت است، محدود می سازد؛ بنابراین هیچ کسی حق ندارد ادعا کند که او فکر می کند و در نتیجه این تفکر خود به نفی الوهیت یا رسالت های آسمانی و یا به چالش کشیدن آنچه از

(۱) سوره بقره، آیه ۱۷۰.

(۲) الإمعة: بكسر الهمزة وتشديد الميم؛ الذي لا رأي له ولا عزم؛ فهو يتابع كل أحد على رأيه، ولا يثبت على شيء. لسان العرب لابن منظور، ج ۱، ص ۱۳۱.

(۳) الترمذي: ج ۴ ص: ۳۶۴، وقال أبو عيسى: حديث غريب، لا نعرفه إلا من هذا الوجه. وقال الألباني: ضعيف.

(۴) د/ عبدالکریم زیدان: معالم الثقافة: ص ۶۵.

(۵) قانون اساسی افغانستان: ماده ۳۴.

ضروریات دین اسلام است، رسیده و در فرجام او را برای مردم اعلام می دارد، اسلام تحت هیچ نامی و در هیچ شرایطی به این عمل اجازه نمی دهد. « اعتقادات اصلی در اسلام و اصول معین شریعت باید در دولت اسلامی بالاتر از آزادی فکر و اندیشه باشد و این محدودیتی برای آزادی نیست، بلکه تضمینی برای آزادی در غیر این موارد محسوب می شود »^(۱).

آزادی فکر و اندیشه نیز با تأمل نکردن در ذات خدا محدود شده؛ زیرا خداوند متعال در مورد خود گفته است:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾^(۲)

هیچ چیزی همانند او نیست؛ و او، شنوای بیناست.

۲- در قانون

در پیوند به آزادی فکر و اندیشه صراحتاً چیزی در قوانین افغانستان نیامده اما می توان گفت تا زمانی که آزادی فکر و اندیشه در نتیجه سوی استفاده از آزادی بیان به دیگران آسیب نرساند و منافع جامعه راه به چالش مواجه نسازد محدودیتی در این قوانین ندارد.

چنانچه قانون اساسی افغانستان در ماده بیست و چهارم خود در پیوند به مطلق آزادی چنین صراحت دارد: « آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، محدودی ندارد »^(۳).

مطلب سوم: آزادی عقیده

در این مطلب آزادی عقیده از نگاه لغوی و اصطلاحی و همچنین محدودیت ها شرعی و قانونی در زمینه به بحث گرفته می شود.

الف) مفهوم آزادی عقیده

۱- عقیده در لغت

عقیده یا عقیدت در لغت به « معنای هر چیزی است که شخص بدان اعتقاد و باور و یقین دارد و همچنین به معنای چیزی است که به آن گرویده باشند، بر همین اساس وقتی گفته می شود عقیده الرجل منظور دین و مذهب شخص است که بدان اعتقاد دارد. منظور از عقاید نیز چیزهایی است که نفس اعتقاد در آن قصد شده باشد بدون لحاظ عمل »^(۴).

۲- عقیده در اصطلاح

عقیده یا اعتقاد « برداشتی از انسان است که موقعیت او را در هستی و ارتباط او با جهان و فراتر از جهان را تعیین می کند و این تصور و مفهوم همان چیزی است که به آن اعتقاد گفته می شود، اعتقاد، اعم از دینی یا فلسفی، مبنایی است که تمدن و سایر نظام های اجتماعی بر آن بنا شده اند »^(۵).

۳- آزادی عقیده در اصطلاح

آزادی عقیده نشان دهنده نوعی آزادی ای می باشد که نمونه ها و کاربردهای آن بی شمار است.

(۱) المستشار د/ جمال الدین محمود: أصول المجتمع الإسلامي: ص ۱۰۲.

(۲) سوره شورا، آیه ۱۱.

(۳) قانون اساسی افغانستان: ماده ۲۴.

(۴) نگا: فرهنگ دهخدا و المعجم الوسيط: واژه عقیده.

(۵) د. هانی سلیمان الطعیمات: حقوق الانسان وحرياته الاساسية، ص ۱۶۰.

« اگر آزادی، به طور کلی، به معنای توانایی انجام عمل بدون هیچ مانعی باشد، پس آزادی اعتقادات مذهبی به این معنی است که شخص می تواند به هر اعتقاد دینی و فلسفی ای که می خواهد باور داشته باشد بدون اینکه کسی حق داشته باشد آنچه را که در قلب یا ذهن صاحب عقیده است، تفتیش نماید»^(۱). پس مراد از آزادی اعتقاد این است که: شخص در پذیرش هر دین یا اصولی که به آن گرویده است مختار می باشد، و اعتقاد یک امر درونی است که هیچ نمود بیرونی ندارد. و این یک رابطه بین فرد و خالق او، و آنچه به او ایمان یا اعتقاد دارد، بوده و یک ارتباط معنوی است که در محدوده وجدان و رازداری قرار می گیرد و بدون شک از محدوده سانسور یا محدودیت خارج است.

ب) آزادی عقیده از دید شریعت اسلامی و قانون

۱- از دید شریعت اسلامی

یکی از شواهد آزادی عقیده این واقعیت است که قرآن کریم مروج گفتگو و تبادل فکر، در میان اندیشمندان و صاحبان مذاهب است. به همین جهت، می توان یکی از ویژگیهای شریعت اسلامی را ترویج گفتگو و تعاطی افکار و برخورد منطقی با عقاید مخالف دانست. اسلام، تا آنجا برای گفتگو اهمیت قائل است که خداوند متعال می گوید:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۚ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾^(۲)

با حکمت و پند پسندیده به راه پروردگارت فراخوان و به بهترین روش با آنان گفتگو کن. و یا برای گفتگو آدابی را ذکر می کند. از آن جمله این که، برای جدل و غلبه بر طرف مقابل، خارج از نزاکت صحبت نشود:

﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ ۖ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾^(۳)

و با اهل کتاب جز به نیکوترین شیوه گفتگو و مجادله نکنید، و با آن دسته از آنان که ستم کردند، به گفتگو بپردازید و بگویید: به آنچه به سوی ما و به سوی شما نازل شده، ایمان داریم و معبود ما و معبود شما، یکی است و ما، فرمانبردارش هستیم.

مهمترین نکته ای که در سراسر آیات قرآن در تاکید بر گفتگو به چشم می خورد، استفاده از شیوه خردگرایانه و توجه به تفکر و تدبر و منطق و برهان است. در جایی می فرماید:

﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^(۴)

بگو: اگر راست می گوئید، دلیلتان را بیاورید.

یا در واکنش به تندترین برخوردها و نسبتهای دروغی که برای شکستن شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله، به او نسبت داده شده، این چنین پاسخ می دهد:

﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا ۚ مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جِنَّةٍ ۚ إِن هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾^(۵)

آیا فکر نکردند که در هم نشینشان (یعنی در پیامبر اسلام) هیچ گونه جنونی وجود ندارد. او فقط هشداردهنده ی آشکاری است.

و در جایی دیگر می فرماید:

(۱) د. عبد المنعم محفوظ: علاقة الفرد بالسلطة، ص ۱۱۴، وما بعدها.

(۲) سوره نحل، آیه ۱۲۵.

(۳) سوره عنکبوت، آیه ۴۶.

(۴) سوره بقره، آیه ۱۱۱.

(۵) سوره اعراف، آیه ۱۸۴.

﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا﴾^(۱)

آیا در زمین به گردش نمی پردازند تا دل هایی داشته باشند که با آن دریابند. بنابراین، خاستگاه فرهنگ قرآن، تحمل فکر و نظر، تبادل فکر، گفتگو، به کارگیری زبان منطق و خرد است. دعوت، به شنیدن سخنها و برگزیدن بهترینهاست.

﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾^(۲)

پس بندگانم را بشارت ده، آنان که سخن ها را می شنوند و از بهترینش پیروی می کنند. بنابراین، گذشته از این که اصولا عقیده ذاتا و ماهیتا اکراه پذیر نیست، آیین اسلام که طرفدار منطق استدلال و گفتگوست نمی تواند طرفدار روش اکراه و اجبار در عقیده باشد.

قرآن کریم درباره نفی اکراه در عقیده فرموده است:

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۚ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۚ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^(۳)

هیچ اجباری برای پذیرفتن دین در کار نیست؛ راه هدایت و ایمان از راه ضلالت و کفر، مشخص شده است. بنابراین کسی که به طاغوت (و معبودان باطل) کفر بورزد و به الله ایمان بیاورد، به دستاویز محکم (و ناگسستنی ایمان) چنگ زده است که هیچ گاه گسسته نمی شود. و الله شنوای داناست. از این رو، با آن که خداوند متعال به بشر حق انتخاب بخشیده است، در کنار آن پیامبران را فرستاد تا انتخاب صحیح را به بشر نشان دهند و او را از گمراهی و نتایج آن نجات بخشند.

نکته دیگر درباره حق انتخاب عقیده این است که انسان باید از نتایج انتخاب خود آگاه باشد و آنها را بپذیرد. بشر، بر اساس حق انتخاب می تواند راهی را که انبیا نشان داده اند، بپذیرد یا نپذیرد؛ اما باید به نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش خود توجه کند. بدین جهت، در آیه پس از ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ آمده است:

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^(۴)

الله، یاور و کارساز مؤمنان است؛ آنان را از تاریکی ها (ی کفر و شرک) به سوی نور هدایت می کند. اما دوستان و یاوران کسانی که کفر ورزند، طاغوت ها (و سرکشانی) هستند که آنها را از نور (حق و هدایت) به تاریکی ها (ی کفر و تردید) می کشانند. چنین کسانی دوزخی اند و برای همیشه در آن خواهند ماند.

این آیه به نتایج انتخاب صحیح و غیر صحیح انسان اشاره دارد، بنابراین، یک انسان عاقل و حقیقت خواه، هیچ گاه به دنبال انتخاب نادرست نخواهد رفت.

انسان، وقتی به کمال می رسد که بر اساس حسن اختیار خود، حق را بپذیرد. اکراه و اجبار، اختیار را از انسان می گیرد.

به همین دلیل، خدای سبحان درباره اندیشه و عقیده، آزادی را محور قرار داده و اکراه در دین را جایز نمی داند و وظیفه انبیا علیهم السلام را عرضه و ابلاغ دین می داند:

﴿وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾^(۵)

(۱) سوره حج، آیه ۴۶.

(۲) سوره زمر، آیه ۱۷ و ۱۸.

(۳) سوره بقره، آیه ۲۵۶.

(۴) سوره بقره، آیه ۲۵۷.

(۵) سوره یس، آیه ۱۷.

و وظیفه ی ما، تنها ابلاغ آشکار است و بس.

و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ إِن نَّشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾^(۱)

چه بسا بدان سبب که آنان ایمان نمی آورند، خودت را در آستانه ی نابودی قرار می دهی. اگر بخواهیم معجزه ای از آسمان بر آنان نازل می کنیم که با فروتنی و بی اختیار در برابرش گردن نهند.

پس خدای متعال، ایمان اجباری را سعادت نمی داند و برای آن، اثری در کمال انسان قائل نیست.

اگر عقاید اجباری مطلوب می بود، خداوند خود، آن را بر بندگان تحمیل کرده بود؛ اما خداوند

ایمان اجباری را در راستای تعالیم پیامبران قرار نداد و فرمود:

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾^(۲)

و اگر پروردگارت می خواست، همه ی کسانی که در زمین هستند، ایمان می آوردند. آیا می توانی مردم را وادار کنی که مومن و باایمان باشند؟

اراده خداوند در آفرینش انسان، به عنوان خلیفه، بر این بوده است که هیچ عقیده ای - حتی از

طریق انبیا - بر او تحمیل نشود؛ چون اساسی ترین حقوق آدمی، آزادی در انتخاب عقیده و اتخاذ رای است.

تلاش ادیان الهی برای «آزادی از» بوده است؛ آزادی از اصنام و اوثنان، آزادی از شهوات نفسانی،

آزادی از قدرتهای خداگونه ی بشری، آزادی فقیران از فقر، آزادی مال اندوزان از اتراف و رفاه و ...

و «آزادی به» را در اختیار خود انسان گذاشته است:

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾^(۳)

ما، راه را به او نشان دادیم؛ خواه سپاس گزار باشد و خواه ناسپاس.

و نیز می فرماید:

﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾^(۴)

و او را به دو راه (نیک و بد) رهنمون شدیم.

اجبار در عقیده و اکراه در دین، فقط در اسلام نکوهیده نیست، بلکه در ادیان آسمانی پیشین نیز

هیچ پیامبری دعوت خود را بر قومی تحمیل نمی کرد. نخستین پیامبر آورنده شریعت، حضرت نوح

علیه السلام را بنگرید؛ هنگامی که دعوت خویش را ابلاغ می کند، قوم مخاطب در مقام استتکاف

برآمده به اومی گویند:

تو بشری بیش نیستی و افرادی سبک مغز پیرامون تو را احاطه کرده اند.

پاسخ نوح علیه السلام بر این اعتراض چنین است:

﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَأَتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا

كَارِهُونَ﴾^(۵)

گفت: ای قوم من! بگوئید اگر من دلیل روشنی از سوی پروردگارم داشته باشم و رحمتی از نزد

خویش به من داده باشد که بر شما مخفی مانده، (باز هم من را انکار می کنید؟) آیا می توانیم شما را

به پذیرش آن مجبور کنیم، در حالی که شما آن را ناخوشایند می دانید؟

(۱) سوره شعراء، آیه ۳ و ۴.

(۲) سوره یونس، آیه ۹۹.

(۳) سوره انسان، آیه ۳.

(۴) سوره بلد، آیه ۱۰.

(۵) سوره هود، آیه ۲۸.

خلاصه اینکه: «پیش فرض اسلام در آزادی عقیده از قوانین تشریعی و اصول تغییرناپذیر آن ناشی می شود. اسلام آزادی عقیده را برای همه تضمین کرده و به مسلمانان دستور داده است که او را حفظ و از آن دفاع کنند و مسلمانان را بر یک واحد اعتقادی گردهم آورده که مستلزم وحدت آنها بر پایه های دینشان است»^(۱) اسلام «این حق را به افراد داده تا در بیان و عمل به عقاید دینی خود آزاد باشند و برای هر که اعتقادی را که به او باور دارد، فرو گذاشته، و هیچ کس او را مجبور به ترک آن کرده نمی تواند»^(۲)، بنابراین او به همه آزادی انتخاب داده و فرموده است:

﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ ۖ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾^(۳)

و بگو: این سخن راست، از سوی پروردگار شماس؛ پس هر که می خواهد، ایمان بیاورد و هر که می خواهد، کفر بورزد.

پس «همه حق دارند به آنچه شرائع و قوانین شان به آنها حکم می کند عمل کنند و همچنین حق دارند از احکام دین، عبادات و احوال شخصیه خود، مانند: ازدواج، طلاق و غیره پیروی کنند، و در مسائلی که در دین و آیین آنها نیست، مانند: نظام حاکمیت سیاسی و اقتصادی و موارد دیگری که در دین آنها یافت نمی شود، تابع شریعت اسلامی باشند»^(۴).

«تاریخ اسلام بهترین نمونه و شاهد در زمینه اعطای آزادی عقیده به عامه مردم است. پیامبر صلی الله علیه وسلم یهودیان مدینه را بر یهودیت و مسیحیان نجران را بر مسیحیت شان واگذاشتند، و بعد از شخص پیامبر مسلمانان در همه اعصار به این روش ادامه دادند، جایی که ایشان برای همه مردم در زیر سایه نظام های اسلامی در هر زمانی آزادی عقیده قایل شدند»^(۵).

۲- از دید قانون

قانون اساسی افغانستان در ماده دوم خود چنین صراحت دارد:

«دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است.

پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می باشند»^(۶).

ج) محدودیت های آزادی عقیده

۱- در شریعت اسلامی

آزادی عقیده در شریعت اسلامی به یک سلسله محدودیت و قیود محدود می شود که ذیلا بیان می گردد:

۱- احترام به ادیان

علی رغم به رسمیت شناختن آزادی عقیده، اسلام بازی با ادیان و به مسخره گرفتن آنها را منع کرده است؛ «بنابراین اسلام بسوی ایمان داشتن به همه پیامبران و رسالات آسمانی فرا می خواند؛

(۱) ساعی: القانون في عقائد الفرق والمذاهب الإسلامية (ص: ۱۳)، العمر: حرية الاعتقاد في ظل الإسلام (ص: ۲۱).

(۲) ابوزهرة: الجريمة والعقوبة - العقوبة، (ص: ۳۳)

(۳) سورة كهف، آیه ۲۹

(۴) الخياط: النظام السياسي في الإسلام، (ص: ۴۸).

(۵) همان منبع، (ص: ۴۷-۴۹).

(۶) قانون اساسی افغانستان: ماده ۲.

زیرا ایمان داشتن به ادیان، پیامبران، کتابهای آسمانی و تصدیق و تکریم آنها یکی از ارکان ایمان است و خروج از این دایره تجاوز از حقیقت ایمان و دوری و انحراف از آن به شمار می رود»^(۱)، و این همان چیزی است که قرآن کریم تصریح کرده، و خداوند متعال فرموده است:

﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾^(۲)

پیامبر به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است، ایمان دارد و نیز مؤمنان؛ همگی به الله و فرشتگانش، و به کتاب ها و فرستادگانش ایمان داشته، (می گویند:) میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی گذاریم (و به همه ایمان داریم؛ فرمان پروردگار را) شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! ما خواهان آمرزش هستیم و بازگشت به سوی توست.

علاوه بر این، «جنبه ربوبیت، رسالت و دین جنبه های قابل احترام بوده و برای هیچ کسی مجاز نیست به این ساحات دست درازی یا حرمت آن را به گونه ای، نه با تمسخر، نه با خنداندن و نه هم با کنایه، نقض کند»^(۳).

بر این اساس، باید به حرمت ادیان احترام گذاشته شود، به ویژه هنگامی که از طریق رسانه های مختلف این موضوع ارائه می شود، و از آنجا که اشخاص رسانه ای از آزادی مطبوعات و آزادی فکری برخوردار هستند، نباید از شیرازه ارزشها و اصول ثابت پا فراتر بگذارند و نباید آنها را با آنچه از جمله متغیرها به شمار می رود، اشتباه بگیرند.

وقتی این موضوع دانسته شد، پس «تعرض بر ادیان آسمانی و بر شعایر و اعتقاداتی که در آنها وجود دارد، در واقع نقض این حرمت است»^(۴)، و باید جرم پنداشته شده و مورد نکوهش قرار بگیرد، و همچنین جزای در زمینه تعیین شود که مانع آن گردد.

۲- توهین به ذات الهی

اسلام توهین به خدایان را به طور کلی، حتی اگر باطل هم باشند، منع کرده است؛ زیرا توهین به خدایان دیگران ممکن است منجر به توهین خداوند متعال از روی جهل و نادانی شود^(۵).

و خداوند متعال در این مورد فرموده است:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾^(۶)

به معبودان کسانی که غیر الله را عبادت می کنند، دشنام ندهید که آنان نیز از روی دشمنی و نادانی به الله ناسزا خواهند گفت.

آنچه از طریق رسانه های مختلف از توهین، تعرض و ناسزاگویی در قبال ذات الهی شنیده و مشاهده می شود، جرمی است که مستلزم مجازات می باشد، «هرکس خداوند را دشنام بدهد کافر می شود، خواه شوخی کند یا جدی باشد، و عین حکم در مورد کسی که است او را مسخره کند، یا آیات و قرآن او را»^(۷) از طریق برنامه ها یا مقالات رسانه ای، چه دیداری باشد یا شنیداری، سبک بشمارد، خداوند متعال می فرماید:

(۱) ابن الخوجة: بیان حول الحملة العدوانية على الإسلام (www.fiqhacademy.org.sa/bayanat/، htm).

(۲) سوره بقره، آیه ۲۸۵.

(۳) ابن عثیمین: فتاوی العقیده (ص: ۱۹۵)، المهدی، وغیره: جرائم الصحافة والنشر (ص: ۱۷۱).

(۴) أبو جعفر: خصوصية العرب والمسلمين تجاه موضوع الرسوم والتطاول على الأديان، ص: ۹.

(۵) طبري: جامع البيان ج ۵، ص ۳۶۰، قرطبي: الجامع لأحكام القرآن، ج ۷، ص ۴۱.

(۶) سوره انعام، آیه ۱۰۸.

(۷) ابن قدامة: المغني، ج ۸، ص ۱۵۰.

﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ ۚ قُلْ أَلِلَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ﴾

بَعْدَ إِيمَانِكُمْ ۚ إِنْ نَعَفَ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١﴾

و اگر آنان را بازخواست کنی، می گویند: ما فقط شوخی و بازی می کردیم. بگو: آیا الله، و آیات و فرستاده اش را به مسخره می گیرید؟ عذر و بهانه نیاورید؛ به راستی پس از ایمانتان، کفر ورزیده اید. اگر گروهی از شما را ببخشیم، گروه دیگری را عذاب می کنیم؛ چراکه مجرم بوده اند.

۳- توهین به اشخاص حقوقی

منظور از شخصیت‌های حقوقی، افراد صالح مانند: انبیا، پیامبران و سایر رجال دین از هر فرقه و ملتی است.

اسلام به احترام و تکریم پیامبران فراخوانده است؛ بلکه این امر را یکی از واجبات قرار داده و ایشان را نزد پیروان ادیان آسمانی از قداست ویژه ای برخوردار گردانیده است، خداوند متعال فرموده:

﴿قُلْ آمَنَا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ ﴿٢﴾

بگو: به الله و آنچه بر ما، و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگانش نازل شده و نیز به آنچه موسی و عیسی و (سایر) پیامبران از پروردگارشان دریافت کرده اند، ایمان داریم و میان هیچ یک از پیامبران (از لحاظ ایمان به آنها) فرقی نمی گذاریم؛ و ما تسلیم و فرمانبردار الله هستیم. و احترام آنها بدون تبعیض و فرق گذاشتن میان شان بدلیل:

﴿لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ﴾ ﴿٣﴾

میان هیچ یک از پیامبران (از لحاظ ایمان به آنها) فرقی نمی گذاریم، ممکن است.

بنابراین توهین به پیامبران نقض حرمت تضمین شده ایشان است، و آنچه برخی رسانه ها در قسمت توهین به پیامبران خدا انجام می دهند، جنایت فجیعی است که با تمام اصول و ارزشهای اخلاقی و انسانی مغایرت دارد و از نظر هیچ دین و عرفی مجاز نیست.

همچنین « توهین برخی ها به اشخاص حقوقی به بهانه آزادی فکر و بیان تحکمی بیش نیست، به این دلیل که آزادی فکر و بیان در مطابقت با مجموعه ای از ضوابط صورت می گیرد که از توهین یا آسیب رساندن به دیگران جلوگیری می کند، علاوه بر این، تمسک جستن به آزادی ادبی نباید هر هدف و هر موضوعی را تحت پوشش قرار بدهد، بنابراین هیچ گاه شخصیت های حقوقی محلی برای آزمایش تمسخر و استهزاء نیستند» (۴).

۴- توهین به دین (اعتقادات و کتاب های مقدس)

شریعت اسلامی دیگران را به دین خود وا گذاشت، و آزادی عمل به عقاید و شرائع دینی شان را برای آنها تثبیت نمود و از دستکاری در آن برای هر هدفی، یا اشاعه افکار نژادپرستانه و فرقه گرایانه جلوگیری کرد؛ زیرا اختلاف میان مردم یکی از سنت های خداوند تبارک و تعالی است (۵)، و

(۱) سوره توبه، آیه ۶۵ و ۶۶.

(۲) سوره آل عمران، آیه ۸۴.

(۳) سوره بقره، آیه ۲۸۵.

(۴) ابن الخوجة: بیان حول الحملة الدوانية على الإسلام (www.fiqhacademy.org.sa/bayanat/). (htm. ۶)

(۵) الفتاوي: موسوعة القانون الدولي - حقوق الإنسان (ص: ۳۱)، هويدي: رقابة المؤسسات الدينية على النشر وتأثيرها على حرية الفكر (ص: ۸۷).

در پیوند به همین موضوع خدای متعال می فرماید:
﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا ۖ أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾^(۱)
و اگر پروردگارت می خواست، همه ی کسانی که در زمین هستند، ایمان می آوردند. آیا می توانی مردم را وادار کنی که مومن و بالیمان باشند؟.

همچنین می فرماید:
﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۖ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ﴾^(۲)
و اگر پروردگارت می خواست، مردم را امتی واحد و یک پارچه قرار می داد؛ ولی مردم همواره در اختلافند.

« اسلام به ایمان داشتن به همه رسالت های آسمانی و کتاب هایی که پیامبران آورده اند، فراخوانده است، و این همان چیزی است که دارالانشای عمومی مجمع بین المللی فقه اسلامی که از سازمان کنفرانس بین المللی نشأت می گیرد، خواستار آن شده است »^(۳).
بر این اساس، مسخره کردن کتابهای مقدس و اعتقادات دینی و تعرض به این ساحات جواز ندارد، زیرا این امر با همه اصول کلی و ارزشهای والایی که تشریع اسلامی از آن استقبال می کند مغایرت دارد. و با این وجود، شریعت اسلامی مانع انتقاد سازنده از ادیان و اعتقادات دینی نیست، مشروط بر اینکه هدف بدنام سازی یا توهین به احساسات دیگران نباشد.

۲- در قانون

کد جزای افغانستان در مورد توهین به ادیان چنین صراحت دارد:
« شخصی که به یکی از ادیان عمدا، اهانت یا شعایر آنها را اخلاص یا معابد مجاز آنها را تخریب نماید، مرتکب جرم اهانت به ادیان شناخته شده، مطابق احکام مندرج این فصل، مجازات می گردد ». و در ادامه چنین بیان می دارد:
« (۱) اشخاص آتی به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می گردند:

- ۱- شخصی که برگزاری شعایر یا مراسم دینی یکی از ادیان را که مطابق احکام قانون انجام میدهند اخلاص نماید یا آن را معطل سازد.
 - ۲- شخصی که معابد مجاز را که در آن شعایر دینی یکی از ادیان اجراء می گردد یا سایر علائم را که نزد پیروان آن محترم باشد، تخریب یا تلف نماید.
 - (۲) هرگاه به سبب ارتکاب جرم مندرج فقره (۱) این ماده، قتل یا جراحت واقع گردد، مرتکب حسب احوال به جزای جرم قتل یا جرح عمدی مندرج این قانون، محکوم می گردد.
- همچنین تصریح می دارد:
- (۱) شخصی که معتقدات یا احکام دین مقدس اسلام را توهین یا تحریف نماید، به حبس متوسط، محکوم می گردد.

(۱) سوره یونس، آیه ۹۹.
(۲) سوره هود، آیه ۱۱۸.
(۳) ابن الخوجة: بیان حول الحملة الدوانية على الإسلام (www.fiqhacademy.org.sa/bayanat/). (htm.۶)

(۲) شخصی که به پیرو یکی از ادیان که مراسم دینی خود را در حدود احکام قانون اجراء می نماید بواسطه قول، فعل، کتابت یا سایر وسایل علنی توهین و تجاوز نماید، به حبس قصیر محکوم می گردد»^(۱).

مطلب چهارم: آزادی بیان

در این مطلب به مفهوم آزادی بیان و محدودیت های موجود در این زمینه پرداخته می شود.

الف) مفهوم آزادی بیان

تعاریف متعددی از آزادی بیان (Freedom of speech) ارائه گردیده ، در یک تعریف آزادی بیان عبارت است از: « آزادی افراد در بیان عقیده و ایراد نطق و خطابه بدون ترس از دخالت دولت»^(۲).

و در تعریفی دیگر: « آزادی بیان یکی از اقسام آزادی های حقوقی است که در مجموعه حقوق بشر مورد توجه قرار می گیرد. بدین معنا که افراد گذشته از اینکه به خاطر داشتن عقیده مخالف، چه در امور دینی و چه در امور سیاسی، نباید مورد تعقیب قرار گیرند، باید بتوانند عملاً عقیده خود را ابراز نمایند و برای اثبات و احیاناً به دست آوردن همفکران دیگر، درباره آن تبلیغ کنند»^(۳).

مجمع جهانی فقه اسلامی آزادی بیان را چنین تعریف نموده است: « تمتع الإنسان بكامل إرادته في الجهر با يراه صواباً و محققاً النفع له وللمجتمع، سواء تعلق بالشؤون الخاصة، أو القضايا العامة»^(۴). یعنی بهره مندی انسان از تمام اراده خود در ابراز نمودن آنچه که او را برای خود و جامعه صحیح و مفید می داند، برابر است مربوط به امور خصوصی باشد و یا هم قضایای عمومی.

ب) آزادی بیان از دید شریعت اسلامی و قانون

۱- از دید شریعت اسلامی

اسلام به آزادی بیان باورمند بوده و خلاف تک روی می باشد چنانچه این امر به وضوح از لابلای ارزش های شریعت اسلامی پیدا است.

در قرآن مجید آیاتی وجود دارد که دلالت بر آزادی بیان خصوصاً لزوم بیان حق می کند که به چند نمونه آن اشاره می شود.

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^(۵)

ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل می پوشانید و حقیقت را پنهان می کنید، در حالی که (حقیقت را) می دانید؟

(۱) کد جزای افغانستان: ماده های ۳۲۳ ، ۳۲۴ و ۳۲۵.

(۲) علی آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ش ۹۸۵.

(۳) درآمدی بر حقوق اسلامی، ص ۲۶۹.

(۴) مجمع الفقه الإسلامي الدولي:

(۵) <http://www.islamfeqh.com/News/NewsItem.aspx?NewsItemID=۵۸۱۲>

(۵) سوره آل عمران، آیه ۷۱.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ ۖ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾^(۱)

همانا کسانی که دلایل روشن و هدایتی را که نازل کرده ایم، پس از آنکه آن را برای مردم در کتاب (تورات و انجیل) روشن نمودیم، کتمان می کنند، مورد نفرین الله و لعنت کنندگان قرار می گیرند. از این آیات استفاده می شود که اظهار حق لازم و کتمان و مخفی کردن آن ناروا است.

در برخی آیات، بیان حق را لازم دانسته و فرمود:

﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۲)

و یادآوری کن که به راستی پند و یادآوری، به مؤمنان سود می رساند.

و در سوره زمر فرمود:

﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^(۳)

پس بندگانم را مژده بده آنان که سخن ها را می شنوند و از بهترینش پیروی می کنند. الله، چنین کسانی را هدایت بخشیده است؛ و چنین کسانی، خردمندند.

از این آیه استفاده می شود، که انتخاب و پیروی بهترین گفتار در جایی ممکن است که آزادی بیان و گفتار وجود داشته باشد تا در مقایسه با یکدیگر بهترین سخنان مشخص و پیروی گردد.

علاوه به آیات فوق، وظائف و دستوراتی برای مسلمانان مقرر گردیده که انجام هر یک از آن ها مستلزم وجود آزادی بیان برای پیروان دین است و آن ها عبارتند از:

۱- امر به معروف و نهی از منکر

اسلام بر اساس دستور امر به معروف و نهی از منکر مسلمانان را موظف کرده است که با تشخیص معروف و منکر وظیفه دارند که راه گسترش معروف و زدودن منکر از پیکر جامعه با هر وسیله ممکن تلاش نمایند و با این کار سلامت جامعه را از انحرافات داخلی و خارجی تضمین کنند و از فساد مسلمانان و انحراف جامعه جلوگیری نمایند.

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^(۴)

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده اید؛ به کار نیک امر می کنید و از کار زشت باز می دارید.

۲- مشورت

در قرآن کریم و احادیث نبوی مسلمانان تشویق به امر به مشورت شده اند تا در پرتو آن معضلات و مشکلات فردی و اجتماعی را حل کنند و از تشویق و ترغیب به مشورت و استفاده از آراء و نظرات دیگران به روشنی معلوم می شود که اسلام، خواهان محیطی است که انسان ها بتوانند، آزادانه در آن رأی و عقیده خود را اظهار کنند تا در پرتو تضارب آراء موافق و مخالف گزینش بهترین رأی میسر گردد و گر نه حق اظهار عقیده و نظر در موضوع مورد مشورت و تشویق و ترغیب به آن جایگاهی نخواهد داشت.

در سوره آل عمران خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود:

(۱) سوره بقره، آیه ۱۵۹.

(۲) سوره زاریات، آیه ۵۵.

(۳) سوره زمر، آیه ۱۷ و ۱۸.

(۴) سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾^(۱)

و در کارها با آنها مشورت نما.

و در سوره شورا فرمود:

﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾^(۲)

و کارهایشان در میان آنها با مشورت است.

۳- نصیحت و خیرخواهی

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «الدین النصیحة»^(۳) دین خیرخواهی است.

بر این اساس مسلمانان موظف هستند که نسبت به آحاد مسلمانان به ویژه پیشوایان دین، خیرخواه و نیک اندیش باشند و آنان را از طریق ارائه نظرات خیرخواهانه و اصلاحی یاری رسانند و با انتقاد سازنده که منشأ آن تعهد اسلامی است آنان را از فرو غلطیدن در مسیر انحراف ها باز دارند.

۲- از دید قانون

قانون اساسی افغانستان در ماده سی و چهارم خود چنین صراحت دارد: «آزادی بیان از تعرض مصئون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید»^(۴).

ج) محدودیت های آزادی بیان

۱- در شریعت اسلامی

شریعت اسلامی آزادی بیان را در جامعه پذیرفته اما برای آن حدود و مقرراتی در نظر گرفته که در آن چارچوب به بیان واقعیت و حقایق بپردازند که مهمترین آن ها عبارتند از:

۱- ممنوعیت توهین به مقدسات

یکی از محدودیت های آزادی بیان، خودداری از توهین به مقدسات اسلامی است اساساً اهانت به مقدسات دیگران و برخورد غیر منطقی، نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه موجب انزجار و تنفر و برانگیختن عکس العمل طرف مقابل می شود و چنین عملی در هیچ نظامی پذیرفته نیست.

شریعت اسلامی مسلمانان را از اهانت به مقدسات دیگران بر حذر داشته و فرمود:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾^(۵)

به معبودان کسانی که غیر الله را عبادت می کنند، دشنام ندهید که آنان نیز از روی دشمنی و نادانی به الله ناسزا خواهند گفت.

۲- ممنوعیت هتک حیثیت

حیثیت و آبروی انسان در جامعه اسلامی حرمت و احترام دارد و کسی حق ندارد، این آبرو و حیثیت را به بهانه آزادی بیان هتک کند و به او اهانت نماید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «کل المسلم علی المسلم حرام، دمه و ماله و عرضه»^(۶)

(۱) سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

(۲) سوره شورا، آیه ۳۹.

(۳) صحیح البخاری: ج ۱، ص ۳۹.

(۴) قانون اساسی افغانستان: ماده ۳۴.

(۵) سوره انعام، آیه ۱۰۸.

(۶) سنن ابن ماجه: ج ۵، ص ۸۶.

هر چیز مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است، خون، مال و آبروی او. از این مطالب استفاده می شود که حفظ کرامت، آبرو و حیثیت دیگران از محدودیت های آزادی بیان است.

۳- ممنوعیت افشای اسرار و شایعه پراکنی

حفظ اسرار افراد یا نظام بر هر انسانی لازم و افشاء آن ها خیانت به افراد و نظام به حساب می آید از این رو در اسلام:

اولاً: از خیانت نهی شده و فرموده :

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ﴾^(۱)

ای مؤمنان! دانسته به الله و پیامبر خیانت نکنید.

ثانیاً: مردمانی را که اخبار و اطلاعات را بدون تحقیق و بررسی در جامعه منتشر ساخته و اعتماد عمومی را متزلزل می سازند مورد نکوهش قرار داده و خواستار ارجاع شایعه ها به صاحب نظران گردیده است.

﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ﴾^(۲)

و هنگامی که خبر امیدبخش یا نگران کننده ای به آنان می رسد، آن را شایع می کنند. و اگر آن را به پیامبر و صاحبان امور خویش و اگذار می کردند، آنان که اهل درک و استنباطند، حقیقتش را درک می نمودند.

۴- ممنوعیت توطئه

هیچ مسلمان یا شهروندی در زیر لوای نشر و تبلیغ افکار، نمی تواند اغراض فاسد سیاسی خود را تعقیب کند و هوای مخالفت و کینه توزی و براندازی را در سر داشته باشد در غیر این صورت با او برخورد خواهد شد ماجرای تخریب مسجد ضرار توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بر این مبتنی بود که گروهی با اهداف توطئه گرانه و براندازی نظام اسلامی قصد داشتند از مسجد کمین گاهی برای کفار و نقطه نفوذی برای بیگانگان فراهم آورند.

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾^(۳)

و کسانی (هم هستند) که برای آسیب رساندن (به مسلمانان) و (گسترش) کفر و تفرقه افکنی در میان مومنان مسجدی ساختند تا کمین گاهی باشد برای کسانی که پیشتر به جنگ با الله و پیامبرش برخاسته اند. و سوگند یاد می کنند که قصدی جز خیر و نیکی نداشته ایم. و الله گواهی می دهد که آنان دروغگویند.

۵- عدم مخالفت با حکم خدا و پیامبرش حتی در امور مربوط به خود

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾^(۴)

(۱) سوره انفال، آیه ۲۷.

(۲) سوره نسا، آیه ۸۳.

(۳) سوره توبه، آیه ۱۰۷.

(۴) سوره احزاب، آیه ۳۶.

سزاوار هیچ مرد و زن مؤمنی نیست که چون الله و پیامبرش به کاری حکم دهند، برای آنها در کارشان اختیاری باشد. و هرکس از الله و پیامبرش نافرمانی کند، دچار گمراهی آشکاری شده است.

۶- نیامیختن حق با باطل و عدم کتمان حقایق دینی

﴿وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^(۱)

و حق را با باطل نیامیزید و حقیقت را آگاهانه و در حالی که می دانید، کتمان نکنید.

۷- عدم بدعتگذاری در دین و اظهار نظرهای خلاف واقع

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِنَقْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَقْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يَفْلَحُونَ﴾^(۲)

با دروغ هایی که بر زبانتان می آید، نگویید که این حلال و این حرام است تا بدین سان بر الله دروغ ببندید. بی گمان کسانی که بر الله دروغ می بندند، رستگار نمی شوند.

۸- عدم غلو در دین و پرهیز از گفتار باطل

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ﴾^(۳)

ای اهل کتاب! در دینتان غلو و زیاده روی نکنید و درباره ی الله جز سخن حق نگویید.

۹- دوری گزیدن از سخنان لغو و گمراه کننده

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾^(۴)

و آنان که از کارهای بیهوده رویگردانند.

۱۰- عدم اشاعه زشتی ها

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^(۵)

به راستی آنان که دوست دارند کارهای خیلی زشت در میان مؤمنان شایع شود، عذاب دردناکی در دنیا و آخرت خواهند داشت. و الله می داند و شما نمی دانید.

و همچنین:

﴿لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا﴾^(۶)

الله، بانگ زدن به بدی را دوست ندارد، مگر آنکه کسی مورد ستم قرار گرفته باشد.

زیرا به زندگی اجتماعی و فردی و همچنین کرامت انسانی آسیب می زند.

۱۱- پرهیز از تمسخر، عیب جویی و کاربرد القاب ناشایست

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ ۚ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ ۚ بِئْسَ الْاِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ ۚ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^(۷)

(۱) سوره بقره، آیه ۴۲.

(۲) سوره نحل، آیه ۱۱۶.

(۳) سوره نسا، آیه ۱۷۱.

(۴) سوره مومنون، آیه ۳.

(۵) سوره نور، آیه ۱۹.

(۶) سوره نسا، آیه ۱۴۸.

(۷) سوره حجرات، آیه ۱۱.

ای مؤمنان! هیچ گروهی نباید گروه دیگری را مسخره کند؛ چه بسا (آنها که مسخره می شوند) از اینها (که مسخره می کنند) بهتر باشند. و نیز زنان نباید سایر زنان را مسخره نمایند. چه بسا زنانی که مسخره می شوند از زنانی که مسخره می کنند، بهتر باشند. و به عیب جویی از یکدیگر نپردازید و همدیگر را با لقب های زشت صدا نزنید. پس از ایمان آوردن، فسق و بدکاری، نام و رسم بدی است. و کسانی که توبه نکنند، ستمکارند.

۱۲- پرهیز از تهمت به دیگران

﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^(۱)

و به آنان که به زنان پاکدامن نسبت زنا می دهند و آن گاه چهار گواه نمی آورند، هشتاد تازیانه بزنید و هرگز گواهی آنان را نپذیرید. و چنین کسانی فاسقند.

۱۳- ترک تجسس، غیبت و بدگویی

﴿وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾^(۲)

و به کنجکاوی و تجسس (در کارهای دیگران) نپردازید و از یکدیگر غیبت نکنید.

۱۴- ضرورت رعایت عدل و انصاف در اظهارنظرها

﴿وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا﴾^(۳)

و چون (برای داوری) سخن گفتید، عدالت را رعایت نمایید.

۱۵- گفتار درست و نیکو با انسان ها

﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾^(۴)

و با مردم به نیکویی سخن بگویید.

۱۶- پرهیز از هرگونه سخن ناآگاهانه

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾^(۵)

و از چیزی پیروی مکن که دانشی به آن نداری.

بنابراین مطالب: اصل آزادی بیان در اسلام پذیرفته شده است اما چون حفظ امنیت اجتماعی و دفاع

از حقوق همه افراد لازم است و یا ایجاد هرج و مرج و ضربه زدن به حیثیت افراد یا توهین به

مقدسات موجب زوال حفظ امنیت یا حیثیت افراد می شود، ممنوع می باشد.

۲- در قانون

آزادی بیان در قوانین افغانستان به موارد ذیل محدود می شود.

۱- افشای اسرار دولتی و شخصی

۲- اهانت به ادیان و مقدسات

۳- قذف و افترا

۴- توهین و دشنام

(۱) سوره نور، آیه ۴.

(۲) سوره حجرات، آیه ۱۲.

(۳) سوره انعام: آیه ۱۵۲.

(۴) سوره بقره: آیه ۸۳.

(۵) سوره اسرا: آیه ۳۶.

۵- و سایر مواردی که بیان آن نظم جامعه را مختل می سازد. چنانچه ماده های: ۳۲۳، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۷۳، ۶۷۴ و ۶۷۸ کد جزای جمهوری اسلامی افغانستان در زمینه صراحت دارد^(۱).

مطلب پنجم: آزادی رسانه ای

در این مطلب مفهوم آزادی رسانه ای، دیدگاه شریعت اسلامی در این مورد و محدودیت های شرعی و قانونی آزادی رسانه ای به بحث گرفته می شود.

الف) مفهوم آزادی رسانه ای

آزادی رسانه ای عبارت است از: « امکان اطلاع رسانی اخبار یا نظرات به دیگران از طریق یکی از رسانه ها »^(۲).

ب) آزادی رسانه ای از دید شریعت اسلامی و قانون

۱- از دید شریعت

شریعت اسلامی اساساً به آزادی رسانه ای مانند سایر آزادی ها باورمند است، ولی باید خاطر نشان ساخت که در واقع رسانه شمشیر دو لبه ای است که ممکن است مفید و سودمند باشد و یا هم مخرب و مضر، و این امر از قدرت تاثیرگذاری آن روی فرهنگ ملت ها و رفتار افراد و گروه ها در دو سطح مثبت و منفی ناشی می شود، و هر که در این گفتار الله متعال:

﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾^(۳)

آنچه از نیرو و آماده ساختن اسبان در توان شماست، برای پیکار با آنان آماده سازید (تا) بدین وسیله دشمن الله و دشمن خودتان و دشمنانی را که شما نمی شناسید و الله آنان را می شناسد، بترسانید، تامل کند، در می یابد که رسانه ها یکی از قدرتمندترین اسباب تهیه ساز و برگ در این زمان هستند؛ زیرا از تأثیر مشابه سلاح داغ در رویارویی با دشمن برخوردار اند، به این دلیل که رسانه ها ممکن است به خیر کمک کرده و فضایل را گسترش دهند و آن را تشویق نمایند و این خود یک هدف است، و ممکن است به شر کمک کرده و رذایل را پخش و نشر کنند، و این همان چیزی است که شارع او را مردود می شمارد؛ بنابراین و با توجه به آنچه در پیام رسانه ای وجود دارد برخی از رسانه ها مباح و برخی دیگر حرام اند.

و « باید رسانه ها مبتنی بر شفافیت، صراحت و دقت اخبار بوده و به معیارهای صداقت و امانت پایبند باشند، و همچنین مبتنی بر روشنگری و فرهنگ سازی و پخش اخبار و اطلاعات درستی که به ذهنیت مردم راه پیدا کرده و سویه آنها را بالا می برد و ایشان را به تعاون و همکاری در راستای

(۱) نگا: کد جزای افغانستان: ماده های: ۳۲۳، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۷۳، ۶۷۴ و ۶۷۸.

(۲) ماجد راغب الحلو، الإعلام، ص ۷.

(۳) سوره انفال: آیه ۶۰.

منافع عمومی تشویق می کند، باشند، پس به هر اندازه ای که رسانه در برگیرنده واقعیت های عینی و اطلاعات دقیق باشد به همان اندازه یک رسانه سالم و قدرتمند خواهد بود»^(۱).

و از آنجا که رسانه راهنمای ملت ها است لازم است که نقش اساسی را در پخش و نشر فضایل و اخلاق نیکو و مبارزه با رذایل و بدی ها و آنچه هنجارهای عمومی و والا را نقض می کند ایفا نماید. چنانچه ابوسعید خدری رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده است که ایشان فرمود: « من رأى منكم منكراً فليغيره بيده فإن لم يستطع فبلسانه فإن لم يستطع فبقلبه وذلك أضعف الإيمان»^(۲)

هر کس از میان شما کار زشتی را ببیند باید با دست خود آن را تغییر بدهد، و اگر قادر به چنین کاری نیست با زبان، و اگر قادر به آن هم نیست با قلب خود آن را بد انگارد، و این (شخص آخر) از ضعیف ترین ایمان برخوردار است.

« در کل مدار اعتبار در رسانه ها مقاصد شریعت می باشد که عبارت از همان اهدافی است که شریعت به منظور دستیابی به آنها طبق قاعده فقهی: « الأمور بمقاصدها »^(۳) در راستای منافع عامه مردم اساس گذاری شده است »^(۴).

چون اصل در رسانه این است که از طریق مطالب رسانه ای که در همه عرصه ها ارائه می دهد منافع عامه را تأمین کند، آنچه را که به آنها سود می رساند و به او نیاز دارند برای شان فراهم کند و از آنها در برابر آسیب هایی که ایشان را متضرر می سازد، محافظت نماید.

شریعت اسلامی اصول و مبادی کلی را ارائه نموده و مسایل جزئی و تفصیلی را به مجتهدین امت سپرده است تا آنچه را که برای این جزئیات مناسب است و منافع عمومی را تأمین می کند از این اصول کلی استنباط نمایند.

همچنین شریعت حق اظهار نظر در همه موارد را برای فرد تثبیت کرده است و یکی از قوی ترین دلایل بر این مدعی تأیید آزادی وی در انتخاب دین است که در این مورد الله متعال می فرماید:

﴿ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ ﴾^(۵)

پس هر که می خواهد، ایمان بیاورد و هر که می خواهد، کفر بورزد. و چون قضیه از این قرار است، پس شایان تر است که در غیر این مورد به او آزادی داده شود، مانند: آزادی انتقال اطلاعات و اخبار به دیگران و و.

۲- از دید قانون

قانون اساسی افغانستان در ماده سی و چهارم خود چنین صراحت دارد: « آزادی بیان از تعرض مصون است.

هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.

هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد.

(۱) إمام: الإعلام والاتصال بالجماهير (ص: ۱۲)

(۲) صحيح مسلم: ج ۱، ص ۶۹.

(۳) السبكي: الأشباه والنظائر، ج ۱، ص ۵۴، السيوطي: الأشباه والنظائر، ص ۲۲۱، زيدان: الوجيز في شرح القواعد الفقهية، ص ۱۱.

(۴) ابن عمر: مقاصد الشريعة عند العز بن عبد السلام ص ۸۴ و بعد از آن.

(۵) سورة كهف: آيه ۲۹.

احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم میگردد»^(۱).

و همچنین قانون رسانه های همگانی افغانستان در ماده چهارم خود در این زمینه چنین صراحت دارد: «(۱) هر شخص حق آزادی فکر و بیان را دارد. طلب، حصول و انتقال معلومات، اطلاعات و نظریات در حدود احکام قانون بدون مداخله و محدودیت از طرف مسوولین دولتی، شامل این حق است. این حق در برگیرنده فعالیت آزاد وسایل پخش، توزیع و دریافت معلومات نیز میباشد.

(۲) دولت آزادی رسانه های همگانی را حمایت، تقویه و تضمین می نماید. هیچ شخص حقیقی یا حکمی بشمول دولت و ادارات دولتی نمی تواند فعالیت آزاد رسانه های خبری یا معلوماتی را منع، تحریم، سانسور یا محدود نموده و یا طور دیگری در امور نشرات رسانه های همگانی و معلوماتی مداخله نماید، مگر مطابق احکام این قانون»^(۲).

ج) محدودیت های آزادی رسانه ای

۱- در شریعت اسلامی

با وجود تثبیت آزادی از جانب شریعت اسلامی در قبال انتقال حرف و سخن باید گفت که این آزادی مطلق نه، بلکه مقید به یکسری از محدودیت ها و ضوابط می باشد، که باعث می شود کار رسانه ای به شیوه درست به پیش برود؛ زیرا بیرون شدن از این دایره جرم به شمار می آید، و باید خاطر نشان ساخت که همان محدودیت هایی که در ضمن آزادی بیان تذکر یافت در عرصه آزادی رسانه ای نیز در نظر گرفته می شوند؛ زیرا فعالیت و کارکرد رسانه ای بنحوی با بیان ارتباط و بستگی دارد، با این وجود یکسری محدودیت ها و ضوابط ویژه ای وجود دارد که با توجه به ارکان فرایند رسانه ای که عبارت اند از:

۱- فرستنده

۲- مخاطب

۳- پیام

۴- و رسانه (ابزار رسانه ای) از هم فرق می کنند.

و در کل این محدودیت و ضوابط را می توان قرار زیر خلاصه کرد که شامل همه موارد، شود:

۱- پایبندی به اخلاق نیکو و آداب عالی.

۲- اینکه فرد رسانه ای تحصیل کرده، آگاه، قوی، صادق و قادر به ارائه پیام بوده و از امانت حرف و سخن آگاهی داشته باشد^(۳).

بدلیل فرموده الله متعال:

﴿ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرَ الْقَوِيَّ الْأَمِينُ ﴾

بی گمان بهترین کسی را که به اجرت گیری [باید چنین شخصی] توانای امین باشد^(۴).

(۱) قانون اساسی افغانستان ماده: ۳۴.

(۲) قانون رسانه های همگانی افغانستان: ماده ۴.

(۳) القرضاوي: (۳) &item_no=۳۷۷۸&cu_no=۲ (www. qaradawi .net/sit/topics/article. asp? و

إمام: الإعلام والاتصال بالجمهير، ص ۱۲.

(۴) سورة قصص: آیه ۲۶.

۳- اطمینان پیدا کردن از صحت اطلاعات، و دقت، پاکی و صداقت بخرج دادن در انتقال آن و همچنین بدست آوردن اطلاعات به گونه مشروع و از منابع معتبر آن^(۱).

بنابراین نباید اطلاعات را از طریق جاسوسی و استراق سمع حرام بدست بیاورد، زیرا الله متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا﴾^(۲)

ای مؤمنان! از بسیاری از گمان های بد بپرهیزید که بی شک برخی از گمان ها، گناه است. و به کنجکاوی و تجسس (در کارهای دیگران) نپردازید.

۴- جلوگیری از هرگونه اطلاعاتی که به منافع عمومی آسیب می رساند و حفظ حریم خصوصی افراد در زندگی خصوصی ایشان از دسترس دیگران^(۳).

۵- درک مخاطب از میزان مسئولیت خود با امتثال به گفته خداوند متعال:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾^(۴)

و از چیزی پیروی مکن که دانشی به آن نداری. بی گمان گوش و چشم و دل، همه، بازخواست خواهند شد.

پس او مسئول شنوایی، بینایی و دانش خود است و باید بر خود و خانواده اش کنترل خودی داشته باشد^(۵)؛ بدلیل حدیثی که از ابن عمر رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «كلکم راع وکلکم مسؤول عن رعیتہ»^(۶)

همه شما چوپان (نگهبان) و هرکدام تان مسئول گله (زیر دستان) خود هستید ..

۶- اینکه مخاطب بیدار بوده و آنچه را که برای او مناسب است یا مناسب نیست، تفکیک کند، تا خوب را بپذیرد، و بد را واگذاشته از آن دوری جوید^(۷).

۷- وضوح، صراحت و مخاطب قرار دادن عقل و عواطف به گونه ای که هیچ یکی از این دو بر دیگری چیره نگردد، بنابراین رسانه ها غرایز را مخاطب قرار نمی دهند^(۸).

۸- اینکه رسانه ها مجاز باشند، بنابراین هدف وسیله را توجیه نمی کند و وسایل حکم مقاصد را دارند^(۹).

از مطالب فوق مشخص می شود که فرایند رسانه ای یک فرایند آزاد از قید مجموعه ارزشها و اصول عمومی و خاص نیست، بلکه فرایندی است محدود به آنچه که یک وظیفه اساسی را تحقق می بخشد که رسانه بر اساس آن بنا شده و آن عبارت است از: بی طرفی و اعتبار، به گونه ای که رو به ارتقا و تعالی به پیش برود، پس اخلاص این نوع محدودیت ها و ضوابط و عدم التزام به آن جرم محسوب می شود و پیگرد قانونی را بدنبال دارد و پایبند نبودن به چنین محدودیت ها و ضوابط رسانه را از مسیر درست او خارج نموده و آن را به جهتی غیر از آنچه برای آن تنظیم شده است، می کشاند.

(۱) امام: الإعلام والاتصال بالجماهیر، ص ۱۲.

(۲) سوره حجرات: ۱۲.

(۳) صالح: الجرائم الإعلامية والصحفیه، ص ۲۴۴.

(۴) سوره اسراء: آیه ۳۶.

(۵) القرضاوی: (www. qaradawi. net/sit/topics/article. asp?cu_no=۲&item_no=۳۷۷۸)

(۶) صحیح البخاری: ج ۱، ص ۱۹۸، صحیح مسلم: ج ۳، ص ۱۴۵۹.

(۷) القرضاوی: (www. qaradawi. net/sit/topics/article. asp?cu_no=۲&item_no=۳۷۷۸)

(۸) امام: الإعلام والاتصال بالجماهیر، ص ۱۲.

(۹) البهوتی: کشاف القناع، ج ۱، ص ۲۸۳.

۲- در قانون

قانون رسانه های همگانی افغانستان در ماده سی و سوم خود در این زمینه چنین صراحت دارد:
« نشر مطالب ذیل در رسانه همگانی جواز ندارد:

- ۱- مطالبی که مغایر با احکام دین مقدس اسلام و توهین به سایر ادیان و مذاهب باشد.
 - ۲- مطالبی که موجب هتک حرمت و افترا به اشخاص گردد.
 - ۳- تبلیغ خشونت، جنگ و سایر مواردی که مخالف احکام قانون اساسی بوده یا قانون جزا آن را جرم دانسته باشد.
 - ۴- افشای هویت و تصاویر قربانیان خشونت و تجاوز، به نحوی که به حیثیت اجتماعی آنان صدمه وارد نماید»^(۱).
- همچنین از ماده های ۶۲۷، ۶۲۸ و ۶۲۹ کد جزای افغانستان معلوم می شود که افشای اسرار دولت و افراد نیز از جمله محدودیت های آزادی رسانه ها محسوب می شود.

(۱) قانون رسانه های همگانی افغانستان: ماده ۳۳.

فصل دوم: جرایم رسانه ای

این فصل شامل دو مبحث می شود:

مبحث اول: حقیقت جرم رسانه ای

مبحث دوم: انواع جرایم رسانه ای

فصل دوم: جرایم رسانه ای

مبحث اول: حقیقت جرم رسانه ای

در این مبحث به حقیقت و ماهیت جرم رسانه ای در ضمن سه مطلب پرداخته می شود.

مطلب اول: مفهوم جرم رسانه ای

جرایم همچو پدیده های دیگر جامعه انسانی با تغییر جامعه تغییر می یابد؛ پیشرفت تکنالوژی و فناوری های جدید، فرصت های جدیدی را برای مجرمان پدید می آورد و فناوری های اطلاعاتی و ارتباطات رسانه ای و سایبری، جرایم اطلاعاتی، رسانه ای و سایبری را به دنبال دارد؛ که این گونه جرایم بی سابقه بوده و در محیط تکنالوژی جدید اطلاعاتی، رسانه ای و سایبری امکان پذیر می باشند.

پس در این قسمت باید گفت که جرم رسانه ای یک نوع جرم جدید تلقی می شود که قبلاً شناسایی نگردیده بود؛ بنابراین فقها قدیم آن را تعریف نکرده اند، با وجود این دانشمندان معاصر در مورد جرایم خبرنگاری و نشرات صحبت کرده اند که از جمله ایشان نذیر در تحقیق خود "المسئولية الجنائية عن جرائم الصحافة" جرم خبرنگاری را چنین تعریف می کند:

« جرم رسانه ای عبارت از "عمل غیر مشروع (قانونی) شامل نشر یا عدم آن از طریق نشریه های دوره ای مطبوعات است، که مجازات آن در قوانین و مقررات مطبوعاتی تعیین گردیده، توسط شخصی که از غیر مشروع (قانونی) بودن آن اطلاع دارد صادر شده و با اراده و انتخاب شخص خود عامل انجام می شود »^(۱)

بر این اساس جرم رسانه ای را می توان به شرح زیر تعریف کرد:
عدم پای بندی به ضوابط فرآیند رسانه ای و انجام عمل غیر مشروع (قانونی) و مخالف منافع عمومی از طریق رسانه های مختلف.

مطلب دوم: معیار تشخیص جرم رسانه ای

در این زمینه نخست باید فرق میان جرم جنایی و سایر جرایم مشابه دانست؛ زیرا جرایمی وجود دارد که از برخی جهات با جرم جنایی موافق بوده و از جهاتی با آن متفاوت است.
« و این جرایم عبارتند از:

۱- جرایم مدنی

۲- جرایم اداری

۱- جرم مدنی: هر عملی است که برای شخص یا مال وی ضرر داشته و مستلزم ضمانت مرتکب آن می باشد و این ضمانت، مجازات جنایی یا جبران خسارت مالی با توجه به اینکه مجازات این عمل مضر، جنایی است یا خیر، می باشد^(۲)

۲- جرم اداری یا انتظامی (تادیبی): عبارت از اخلاقی است که توسط شخصی متعلق به یک ارگان خاص در رابطه به قوانین آن ارگان انجام شده و منجر به آسیب رساندن به منافع آن می شود.^(۳)

(۱) النذیر: المسؤولية الجنائية عن جرائم الصحافة، ص: ۱۲۴.

(۲) عودة: التشريع الجنائي (۱/۶۵)

(۳) النذیر: المسؤولية الجنائية عن جرائم الصحافة، ص: ۱۶۶.

این یک جرم مسلکی است که کارگر در حین انجام کار خود بر خلاف قوانین رفتار و سلوک وظیفه خود مرتکب شده است؛ بنابراین هر کارمندی که وظایف معین در قانون یا مقررات وظیفه وی را نقض کند مرتکب جرم اداری شده است که مجازات انتظامی (تادیبی) دارد»^(۱) بر این اساس وجوه اتفاق و اختلاف این جرایم را می توان به شرح زیر توضیح داد:

وجوه اتفاق جرم جنایی با جرم مدنی و اداری

« جرم جنایی با جرم مدنی و جرم اداری با هم متفق اند، بدین ترتیب که هر یکی از این جرایم مجازات جنایی - حدی یا تعزیری - در صورتی که عمل ارتكابی مجازات جنایی داشته باشد، دارند»^(۲)

وجوه اختلاف

جرم جنایی با سایر جرایم یاد شده نظر به وجوه زیر متفاوت است:

اول) از نظر منبع اعتبار جرم

منبع جرم جنایی قانون جزا، منبع جرم مدنی قانون مدنی و منبع جرم اداری قوانین خاص نهادهای اداری است.

دوم) از نظر مصلحت نقض شده

در یک جرم جنایی منافع عمومی و خصوصی هردو مورد حمله قرار می گیرند، برخلاف جرم مدنی و جرم اداری که در آن یک گروه خاصی مورد تعرض قرار می گیرد که ممکن است یک عضو جامعه باشد و یا هم یک نهاد اداری، و هیچ یکی از موارد یاد شده تعرض به منافع عمومی نیست.

سوم) از نظر مجازات تعیین شده

در یک جرم جنایی مجازات میان حدود، قصاص و تعزیر متفاوت است، و این را می توان در جرایم دیگر نیز یافت اما نه برای همیشه، بنابراین ممکن است مجازات محدود به غرامت پولی باشد چنانچه در جرم مدنی است، یا محدود به توبیخ، اخطار، و سپس اخراج باشد چنانچه در جرم اداری است، و « همچنین مجازات در جرایم جنایی عمومی بوده و همه اقشار جامعه را شامل می شود بر خلاف دیگر جرایم که مجازات در آن مختص به یک قشر خاص جامعه می باشد ».^(۳)

بنابراین جرایم رسانه ای مانند سایر جرایم جنایی است، جرم رسانه ای ممکن است مستلزم حد باشد، مانند: جرم قذف و ممکن است امری باشد که به مجازات تادیبی نیاز دارد مانند: جرم تعرض بر حریم خصوصی.

« جرم رسانه ای به طور عموم می تواند اشکال تقسیمات جرم را بخود بگیرد، ممکن است عمدی باشد، و ممکن است علیه افراد، علیه اجتماع و ... باشد و سایر تقسیمات جرایم »^(۴) و بنا بر وجوهی که قبلاً ذکر کردیم جرم رسانه ای با جرم اداری مغایرت دارد.

(۱) أبو عمر: المسؤولية الجزائية عن إلقاء السر المصرفي، ص: ۱۳۲.

(۲) عودة: التشريع الجنائي (۱/۶۶، ۶۵).

(۳) عالية: شرح قانون العقوبات، ص: ۱۷۲.

(۴) جرائم را می توان با توجه به ملاحظات متعددی تقسیم کرد، از جمله: تقسیم بر اساس شدت مجازات، تقسیم بر اساس قصد مجرم، و تقسیم بر اساس زمان کشف جرم و غیره. عالية: شرح قانون العقوبات، ص: ۱۷۶، وبعد از آن، عودة: التشريع الجنائي (۱/۶۸، وبعد از آن).

و اینکه جرم رسانه ای با جرم جنایی تفاوتی ندارد، این قضیه بر اطلاق خود نیست، زیرا مجموعه ای از ویژگی ها آن را از سایر جرایم جنایی متمایز می سازد که مهمترین آنها موارد زیر می باشد:

۱- از لحاظ وسایل

جرم رسانه ای از طریق یکی از رسانه های مختلف انجام می شود ، برخلاف جرایم دیگر که دور از رسانه ها و حتی ممکن است دور از چشم جامعه صورت بگیرد.

۲- از لحاظ خطرات ناشی

جرم رسانه ای از نظر پخش منکرات و ردایل با دیگر جرایم فرقی نمی کند ولی از نظر میزان آسیب هایی که ایجاد می نماید با سایر جرایم تفاوت دارد، زیرا این نوع جرم منکرات را فقط به سطح افراد و جامعه نه، بلکه به سطح کل جهان گسترش می دهد.

۳- از لحاظ ماهیت

جرم رسانه ای با نقض و اخلاص حدود آزادی بیان از طریق ابراز نظری که منجر به تعرض بر افراد یا جامعه می شود، صورت می گیرد.

۴- از لحاظ مجازات

یک جرم رسانه ای مجازات جنایی دارد و ممکن است مجازاتی به آن اضافه شود که شامل جبران خسارت مالی یا معنوی بر اساس ماهیت جرم ارتكابی و خسارات ناشی از آن است.^(۱)

مطلب سوم: عناصر تشکیل دهنده جرم رسانه ای

قبل از همه قابل یادآوری است که جرایم دارای سه عنصر یا رکن بوده که عبارت اند از:

۱- رکن قانونی

۲- رکن معنوی

۳- رکن مادی جرم

که به اساس آن جرم مشخص گردیده و برای مجرمین مسؤولیت جزایی ثابت می شود -مسؤولیت جزایی عبارت از مسؤولیت در قبال جرم است و جرم عبارت از هر فعل یا ترک فعلی است که در قانون پیشبینی شده و مجازات آن معین گردیده باشد. بنابراین:

۱- عنصر یا رکن قانونی جرم

عبارت از حکم قانونی است که انجام یا ترک عملی را ممنوع و مجرمانه قرار داده مرتکب و یا تارک آن قابل مجازات شناخته می شود.

۲- عنصر یا رکن معنوی جرم

عبارت از سوء نیت و قصد مجرمانه فردی است که به قصد و نیت سوء یک عمل مجرمانه را انجام می دهد.

۳- عنصر یا رکن مادی جرم

عبارت از همان اعمال عینی یا شکلی جرمی است که عملاً به وقوع می پیوندد، که ذیلاً جرایم رسانه ای از منظر همین ارکان سه گانه جرم تحت بحث قرار داده می شود تا به شناخت بهتری از جرایم رسانه ای دست پیدا کنیم.

(۱) النذیر: المسؤولية الجنائية عن جرائم الصحافة، ص: ۱۶۸.

الف) عنصر قانونی جرایم رسانه ای

عنصر قانونی جرم رسانه ای عبارت از ذکر جرم مورد نظر در قانون است، که قانون به منع و جرم بودن آن صراحت نموده جزایی برای به آن تعیین کرده باشد.

قانونگذار افغانستان در عرصه ژورنالیسم و رسانه ها نیز یک سلسله اعمال را جرم انگاری نموده مجازاتی را نیز برای آن از طریق کد جزای افغانستان نافذ کرده است، که به همین اساس رکن قانونی جرایم رسانه ای متحقق می گردد.

در قانون رسانه های همگانی موارد متعددی ممنوع قرار داده شده به ویژه ماده ۳۳^(۱) این قانون، مگر قوانین دیگری نیز وجود دارد، که عنصر قانونی جرایم رسانه‌یی را غنی تر می سازد، مانند: کد جزای افغانستان، پالیسی رسانه های همگانی، قانون انتخابات، اصول و احکام دینی تعداد جرایم رسانه ای را بلند برده عنصر قانونی جرایم رسانه‌یی را غنی تر می سازد.

ب) عنصر معنوی جرایم رسانه ای

عنصر معنوی یا روانی جرم رسانه ای عبارت از همان سوء نیت و قصد مجرمانه است که فردی به قصد و نیت سوء یک عمل مجرمانه را از طریق علنی ساختن انجام دهد، یا به عبارت دیگر قصد مجرمانه و اراده لطمه زدن و آسیب رساندن به دیگری از طریق وسایل ارتباطات عامه به عنوان عنصر معنوی جرم رسانه ای محسوب می گردد.^(۲)

ج) عنصر مادی جرایم رسانه ای

عنصر مادی جرم عبارت از ارتکاب یا امتناع از عمل مخالف قانون است به نحویکه عمل منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت بین عمل و نتیجه موجود شده باشد. پس عنصر مادی جرم رسانه ای عبارت از همان ارتکاب عینی جرم است که از طریق نشر در وسایل ارتباطات عامه به تحقق می پیوندد. به همین گونه عنصر مادی جرم رسانه ای بعضی اوقات به ترک فعل نیز تحقق می یابد، مثل عدم رعایت تساوی حقوق بین انتقاد کننده و انتقاد شونده، که ماده ۲۷ قانون رسانه های همگانی افغانستان بر آن تأکید دارد^(۳)، یا امتناع از درج پاسخ به شکایت افراد:

« اگر در رسانه ها یک موضوع به شخص نسبت داده شود از نظر قانون رسانه ها، فرد حق پاسخ گویی را دارد، اگر مسئولان رسانه ها از درج انتشار پاسخ افراد در رسانه ها خود داری می کنند. موضوع انتقادی را از یکی از جوانب قضایا منتشر کنند و سخنان فرد مورد انتقاد را نادیده گیرند مرتکب جرم شده اند.»^(۴)

(۱) در این قانون تحت عنوان "نشر مطالب ممنوع" چنین آمده است: نشر مطالب ذیل در رسانه های همگانی جواز ندارد: ۱- مطالبیکه مغایر با احکام دین مقدس اسلام و توهین به سایر ادیان و مذاهب باشد. ۲- مطالبیکه موجب هتک حرمت و افترا به اشخاص گردد. ۳- تبلیغ جنگ، خشونت و سایر مواردی که مخالف احکام قانون اساسی بوده یا قانون جزا آن را جرم دانسته است. ۴- افشای هویت و تصاویر قربانیان خشونت و تجاوز، به نحوی که به حیثیت اجتماعی آنان صدمه وارد کند. نگا: قانون رسانه های همگانی جمهوری اسلامی افغانستان، ماده ۳۳.

(۲) ناظم، محمد داود. جرایم رسانه ای در حقوق جزای افغانستان، ص ۱۳۲.

(۳) در این ماده چنین آمده است: مدیر مسوول مکلف است تساوی حقوق امتیاز انتقاد کننده و انتقاد شونده را در رسانه مربوط رعایت نماید.

(۴) a crims, <http://www.faridmonib.blogfa.com>, Munib, Farid Ahmad. Medi: ۱۳۹۴/۷/۴ (date of take)

مبحث دوم: انواع جرایم رسانه ای

باید دانست جرایمی که از طریق رسانه های همگانی و نشریات آنها صورت می گیرند نظر به شرایط حاکم و قوانین موجود در هر جامعه و کشوری از هم فرق می کنند، در کشور عزیز ما افغانستان که یک کشور اسلامی است و فرهنگ مردم با ارزش های اسلامی گره خورده و قوانین موجود در این کشور بیشتر بازتاب احکام شریعت غرای اسلامی می باشند، می توان در روشنی احکام شریعت اسلامی و قوانین کشور روی یک سری عملکردهایی که از طریق رسانه ها صورت می گیرد به عنوان تخطی و جرم رسانه ای انگشت گذاشت که ذیلا تحت چند مطلبی به شرح و بسط این عملکردها پرداخته می شود:

مطلب اول: جرم اطلاعات غلط و گمراه کننده

یکی از مواردی که به عنوان جرم رسانه ای از طریق رسانه های مختلف صورت می گیرد اطلاعات غلط و گمراه کننده می باشد؛ بنابراین، باید در گام نخست مفهوم اطلاعات واضح شود تا از طریق آن به اصل هدف اطلاعات غلط راه پیدا کنیم.

الف) مفهوم اطلاعات

۱- در لغت

اطلاعات یک واژه عربی و جمع کلمه اطلاع است که در پیوند به معنای لغوی آن لغتنامه دهخدا چنین می نویسد: «اطلاعات: [ا ط ا] ج اطلاع، رجوع به اطلاع شود، در تداول فارسی معلومات، دانستنیها، اخبار»^(۱)

و در مورد اطلاع چنین می نویسد: «اطلاع: [ا ط ا] اطلاع امر دانستن آن، اطلاع بر چیزی دانستن آن و دیده ور شدن بدان، اطلاع بر باطن چیزی واقف گردیدن و دیده ور شدن بر آن، آشکار شدن آن نزد کسی، دیده ور شدن و واقف گردیدن بر کاری، واقف گردیدن و دیده ور شدن بر باطن چیزی، ... آگاه شدن خواستن و آموختن، منه قوله تعالی: هل انتم مطلعون فاطلع ای هل انتم تحبون ان تطلعوا فتعلموا این منزلتکم من منزلة الجهنمیین فاطلع المسلم فرأى قرینه فی سواء الجحیم ... ، در تداول فارسی زبانان خبر و آگاهی بالفاظ دادن و نمودن و شدن و یافتن منضم شده مصادر مرکب میسازد و با لفظ «اطلاع کردن» غلط است. علم و وقوف و آگاهی و هوش و دانایی.

- با اطلاع مطلع: آگاه، باخبر...

- بی اطلاع، بیخبر: نا آگاه ...

- کم اطلاع آنکه معلومات اندک دارد. آنکه آگاهی ناچیز دارد «^(۲)

بنابراین اطلاعات در لغت معانی: خبر معلومات و آگاهی را افاده می کند.

۲- در اصطلاح

اطلاعات به انگلیسی: (Information) در کوتاه ترین تعریف عبارت از:

«داده های پردازش شده است. داده ها مواد خام بالقوه معنی داری هستند که ما آن ها را در راستای شناخت و فهم هر مفهوم مادی یا غیر مادی، به واسطه روش های پژوهشی، و با استفاده از ابزارهای

(۱) دهخدا: واژه اطلاعات.

(۲) همان منبع: واژه اطلاع.

شناختی به دست می‌آوریم.

داده، یک شرح مقدماتی از یک پدیده، اتفاق، فعالیت یا تعاملات است که ثبت شده، دسته بندی شده و ذخیره شده است؛ اما سازماندهی نشده و برای یک منظور مشخص آماده نشده است. داده‌ها عناصر اصلی اطلاعات هستند. داده‌ها در صورتی به اطلاعات، تبدیل می‌شوند که افراد بخواهند برای درک بیشتر از آن‌ها استفاده کنند.

اطلاعات، داده‌های خلاصه ای هستند که گروه بندی، ذخیره، پالایش و سازماندهی شده اند تا بتوانند معنی دار شوند. اطلاعات زمانی ارزش پیدا می‌کنند که برای یک بُعد خاص، یک فرد خاص، یک هدف خاص و در زمان خاص گردآوری و آماده شوند، لذا اطلاعاتی که برای یک مدیر، جنبه اطلاعاتی دارد، برای مدیر دیگر ممکن است اصلاً ارزشی نداشته باشد»^(۱)

بدین ترتیب اطلاعات، عبارت از: آگاهی‌های به دست آمده از عنصرها و رویدادهای جهان هستی است.

ب) مفهوم اطلاعات غلط

۱- در لغت

« اطلاعات غلط به انگلیسی: (Misinformation) اطلاعات نادرست یا غیر دقیق است »^(۲)

۲- در اصطلاح

اطلاعات غلط یا گمراه کننده در معجم الفقهاء زیر عنوان التضلیل که همان گمراه سازی، اطلاعات غلط و گمراه کننده را افاده می کند چنین تعریف شده است: « تعمد إخفاء بعض الأمور لئلا يهتدي الباحث إلى ما يريد »^(۳)

پنهان کاری عمدی برخی از موارد تا جوینده آنچه را که می خواهد پیدا نکند. بنابراین هدف از اطلاعات غلط رسانه ای قرار ذیل می باشد: « صرف انتباه الجمهور عن عنصر الحقيقة في موضوع معينة، أو إخفاءها عنه »^(۴) منحرف ساختن توجه عامه مردم از عنصر حقیقت در یک موضوع خاص یا پنهان کردن حقیقت از مسیر توجه آنها.

از این جا درمی یابیم که اطلاع رسانی غلط، در واقع پنهان سازی حقایق، اطلاع رسان غلط کسی که در وارونه نشان دادن حقایق سعی می کند، و ارائه کننده اطلاعات غلط رسانه ای کسی است که راه درست را دنبال نمی کند، و در کل ارائه اطلاعات غلط و گمراه کننده رسانه ای از مفهوم گمراه سازی بیرون نیست و این به خودی خود یک جرم محسوب می شود.

ج) اشکال اطلاعات غلط

ویژگی رسانه ها از نظر تنوع ابزار، شیوه کاری و تأثیرگذاری مثبت و منفی آنها بر مخاطبان است، و این امر گاهی به شکل انتقال واقعیت ها به مردم و کار در عرصه آموزش و روشنگری و گاهی هم به شکل دستکاری و بازی با احساسات افراد و پیگیری آنها از طریق نشر اکاذیب، شایعات،

(۱) اطلاعات - ویکی پدیا: (<https://fa.m.wikipedia.org/wiki>)

(۲) اطلاعات غلط - ویکی پدیا: (<https://fa.m.wikipedia.org/wiki>)

(۳) قلعه جی: معجم لغة الفقهاء، ص: ۱۱۳.

(۴) الهاشمی: الإعلام المعاصر وتقنياته الحديثة، ص: ۴۳.

جنگ روانی و فریب کاری بازتاب می کند.

بر این اساس، اطلاعات غلط در دستکاری عواطف عمومی، می تواند اشکال زیر را داشته باشد:

اول: تبلیغات

۱- مفهوم تبلیغات

در لغت

تبلیغات یک کلمه عربی و جمع تبلیغ می باشد که در المعجم الوسیط زیر عنوان: "الدعاية" قرار زیر معنا شده است: « الدعوة إلى مذهب أو رأي بالكتابة أو بالخطابة ونحوهما »^(۱) فراخواندن بسوی دین یا باوری توسط نوشتار، گفتار یا مانند آن.

معنای "تبلیغ" مفرد "تبلیغات" در لغتنامه دهخدا چنین آمده است: « تبلیغ؛ [ت] (ع مص) رسانیدن، رسانیدن و واصل کردن ... رسانیدن پیغام و جز آن، رسانیدن عقاید دینی یا غیر آنها با وسایل ممکنه: علمای فرنگ در آسیا تبلیغ نصرانیت میکنند. فلان برای وزیر شدن خودش مشغول تبلیغ است. ج، تبلیغها، تبلیغات »^(۲)

بنابراین، تبلیغات به معنای فراخواندن به سوی امری با گفتار، نوشتار و ... می آید.

در اصطلاح

تبلیغات در اصطلاح چنین تعریف شده است: « محاولة التأثير في الأفراد والجمهير والسيطرة على سلوكهم لأغراض مشكوك فيها، وذلك في مجتمع معين، وزمان معين، ولهدف معين »^(۳) تلاش برای تأثیرگذاری بر افراد و توده ها و کنترل رفتار آنها برای اهداف مشکوک، در یک جامعه خاص، در یک زمان خاص و برای یک هدف خاص. یا عبارت است از: « فن التأثير، والممارسة، والسيطرة، والإلحاح، والتغيير، أو الضمان لقبول وجهات النظر، أو الآراء، أو الأعمال، أو السلوك »^(۴) هنر تأثیرگذاری، انجام عمل، کنترل، اصرار، تغییر، یا تضمین پذیرش دیدگاه ها، نظرات، اعمال، یا سلوک و رفتار.

۲- انواع تبلیغات

اساساً سه نوع تبلیغات وجود دارد: تبلیغات سفید، تبلیغات خاکستری و تبلیغات سیاه، که می توان آنها را به صورت زیر بیان کرد:

تبلیغات سفید

« تبلیغات سفید، تبلیغات شفاف و مبتنی بر مبانی حقوق بشر و اصول آن است و رسانه ها از اعلام این نوع تبلیغات نمی هراسند، زیرا این نوع تبلیغات یک فعالیت عمومی علنی برای دستیابی به اهداف خاصی است »^(۵)

تبلیغات خاکستری

« این نوع تبلیغات، تبلیغات نقاب داری است، که مواردی را پنهان و موارد دیگری را اعلام می دارد، علی رغم پنهان کاری ای که در این تبلیغات وجود دارد، شناخت اهداف واقعی آن از طریق

(۱) المعجم الوسیط: واژه الدعاية.

(۲) دهخدا: واژه تبلیغ.

(۳) حمزة: الإعلام والدعاية، ص: ۱۳۰.

(۴) الرضا، وغيره: الرأي العام، والإعلام والدعاية، ص: ۱۹۹.

(۵) حمزة: الإعلام والدعاية، ص: ۱۳۲.

تیلیغات سیاہ

دوم: شایعات (شایعه پراکشی)

در لغت

و «إشاعة (شایعه پراکنی)، این است که: خبر تأیید نشده ای بدست نشر سپرده شود»^(۴)

در اصطلاح

بر این اساس، شایعه پراکنی عبارت است از: نقل اخبار نادرست، یا اخباری که حاوی بخشی از واقع

(٦) همان منبع: ص ١٢.

و حقیقت است به منظور تأثیرگذاری بر مردم، از طریق رسانه های مختلف.

۲- انواع شایعه پراکنی

شایعه پراکنی به چند نوع تقسیم می شود، و آنچه برای این تحقیق مهم است تقسیم بندی با توجه به موضوع شایعه افکنی است، بنابراین شایعه پراکنی به انواع زیر تقسیم می شود:

شایعات ترسناک

« این شایعات، باعث ایجاد اضطراب و وحشت در جامعه می شوند، اینها شایعات هولناکی هستند که ممکن است روی وقایع تأثیر بگذارند و ممکن است افراد را تحت تأثیر قرار بدهند »^(۱)

شایعات امیدزا

« این شایعات، آرزوهایی را بیان و رویا پردازی می کنند که گویی واقعیت دارند، این نوع شایعات پر از خیال بافی بوده و به موضوعات مختلف و متنوعی می پردازند و در صورت بروز حوادث و بحران ها به سرعت تمام گسترش می یابند »^(۲)

شایعات نفرت انگیز

« این نوع شایعات، اختلافات را برانگیخته و ریشه های آن را آبیاری می کنند، مانند: تلاش برای ایجاد دشمنی میان دو طرف دوست، با برجسته سازی یک امر خاص، به طوری که از طریق وسایل مختلف دست بدست می شود »^(۳)

شایعات جعلی

« این شایعات، نا امیدی و درماندگی ایجاد می کنند، و شایعاتی که تعداد کشته ها و زخمی ها را در جنگ به نشر برسانند، از همین نوع به شمار می روند »^(۴)

سوم: جنگ روانی

۱- مفهوم جنگ روانی

جنگ روانی را می توان چنین تعریف کرد: « استفاده از طرحی توسط یک طرف خاص به منظور تأثیرگذاری بر افکار و گرایش های طرف های دیگر، اعم از: مخالف، بی طرف یا دوست، بمقصد دستیابی به اهداف مشخص »^(۵)

بر این اساس، جنگ روانی فعالیت های آماده شده مطابق با برنامه های خاصی است که برای تأثیرگذاری بر دیگران و دستیابی به اهداف نهاد متولی آنها، انجام می شود.

جنگ روانی از طریق روشهایی مانند: ایجاد بحران ها، ایجاد رعب و وحشت، شستشوی مغزی و تحریف و ارائه نادرست واقعیت ها که به کار می گیرد، نقش مهمی را در عرصه گمراه ساختن مردم و دستکاری در باورها، گرایشها و افکار آنان بازی می کند.

بنابراین آنچه گفته آمد، اطلاعات غلط به عنوان ترویج باطل و ارائه آن در قالب حقیقت تلقی می شود و خداوند متعال خلط حق را با باطل منع کرده، و فرموده است:

﴿وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^(۶)

و حق را با باطل نیامیزید و حقیقت را آگاهانه و در حالی که می دانید، کتمان نکنید.

(۱) القحطانی: الإشاعة وأثرها على أمن المجتمع، ص: ۴۶.

(۲) حمزة: الإعلام والدعاية، ص: ۲۹.

(۳) همان منبع، ص: ۳۰.

(۴) الرضا وغيره: الرأي العام والإعلام والدعاية، ص: ۲۱۷.

(۵) همان منبع، ص: ۲۰۷.

(۶) سورة بقره: آیه ۴۲، ترجمه: شاه ولی الله دهلوی.

« ابن عباس رضی الله عنه این آیه را به عدم خلط و آمیزش آنچه که آنها از حق در کتاب دارند با باطل که عبارت از تغییر و تبدیل می باشد، تفسیر نموده است »^(۱)

اسلام عزیز دستور تثبیت خبر قبل از پخش و نشر آن را داده است، تا نشود به دیگران اتهام بزنیم و آنها را با آنچه متصف نیستند توصیف کنیم و در این زمینه خداوند متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾^(۲)

ای مؤمنان! اگر فاسقی برای شما خبری آورد، به خوبی بررسی کنید تا مبادا ندانسته به عده ای آسیب برسانید و بدین ترتیب بر کرده ی خویش پشیمان شوید.

و باید دانست که عدم جواز اطلاع رسانی غلط و گمراه کننده رسانه ای یک اصل است، اما هنگام جنگ مشروع و سودمند می باشد، بنابراین توسل جستن به آن در موقع جنگ به هدف گمراه کردن دشمن مجاز است، چنانچه از جابر بن عبدالله روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الحرب خدعة»^(۳) جنگ فریب است.

د) اهداف اطلاعات غلط رسانه ای

با توجه به مطالب فوق، می توان اهداف اطلاعات غلط رسانه ای را به صورت زیر خلاصه کرد:

- ۱- سرپوش گذاشتن بر اخبار بد واقعی؛ تا روحیه مردم از بین نرود.
- ۲- کتمان اطلاعات از دشمن یا گمراه کردن آن از طریق مجموعه اخباری که در میان عامه مردم ترویج می شود.
- ۳- پنهان کاری جنایات جنگی و مأموریت های غیراخلاقی ای که صورت می گیرد.
- ۴- به حاشیه راندن موضوعات مهم و منحرف سازی توجه مردم از آنها.
- ۵- منحرف کردن ملت از هدف اساسی اش و مشغول کردن آن با آنچه کمتر از هدف مذکور است.
- ۶- ایجاد آشفتگی های روحی و روانی و وارد کردن آن به قلب دشمن.
- ۷- ایجاد تغییر سریع در رفتار افراد یا گروه ها.^(۴)

ه) مجازات ارتکاب اطلاعات غلط

۱- در شریعت

از خلال مباحث گذشته واضح گردید که دستکاری در اطلاعات و بدست نشر سپردن آن بدون اطمینان از صحت آن، شامل ترویج باطل، نشر اکاذیب و قلب حقایق بوده و این یک توهین و تحقیر نسبت به منطق و عقلانیت توده های مردم به شمار می رود.

بر این اساس، شارع حکیم جزاهایی را در قبال اینگونه جرایم به هدف جلوگیری از ارتکاب یا ارتکاب مجدد آنها تجویز کرده، و این جزاها را جزاهای تعزیری که ارزیابی و اندازه گیری آن به امام سپرده شده است، مقرر داشته است، بنابراین او خود آنچه را که متناسب با میزان آسیب ناشی از انجام آنها بوده و با اجرای او منع و بازدارندگی حاصل شود، انتخاب می نماید.

(۱) الألوסי: روح المعاني (۱/۳۹۰)، القرطبي: الجامع لأحكام القرآن (۱/۲۳۳).

(۲) سوره حجرات: آیه ۶، ترجمه: همان.

(۳) صحيح البخاري: ج ۴، ۶۴.

(۴) الرضا وغيره: الرأي العام والإعلام والدعاية، ص: ۲۱۰.

۲- قانون

قانون تجارت افغانستان در زمینه مجازات اطلاعات غلط و خلاف واقع جزایهای زیر را تجویز نموده است:

۱- جبران خساره اشخاص متضرر؛

۲- جبران خساره مادی و معنوی و نشر تعقیب عدلی جبران خساره به مصارف مسوول جبران خساره؛

۳- جبران خساره، جزای نقدی و حبس؛^(۱)

۴- جزای دو چند.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۵۶: هر گونه حيله و دسيسه در امور تجارتي ممنوع ميباشد

ماده ۵۷: یک تاجر به قصد اجرای رقابت نمیتواند به چنان نشریات مخالف حقیقت بپردازد که به منفعت یا تجارت دیگری ضرر وارد کند .

ماده ۵۸: یک تاجر از اشاعات مغایر حقیقت راجع به منشأ و یا اوصاف امتعه و یا اهمیت تجارت خود به مقصود جلب مشتریان تاجر دیگری که امتعه هم جنس را میفروشد و همچنان از اعلان تصدیق نامه و مکافاتی که حایز آن نبوده باشد و از استعمال حیل و دسایس به مقصد مذکور ممنوع است.

ماده ۵۹: هیچ تاجری نمیتواند مامورین و مستخدمین تاجر و یا فابریکه دیگری را به مقصد اطلاع از مشتریان و جلب آنها بخود تطمیع نماید.

ماده ۶۰: تاجر نمیتواند به هیچ شخصی خلاف حقیقت شهادتنامه یا تصدیق حسن خدمت بمنظور اغفال تاجر دیگر بدهد

ماده ۶۱: تاجریکه مخالف احکام مواد فوق رفتار کند، به جبران خساره اشخاص متضرر مجبور است.

ماده ۶۲: یک نماینده اطلاعاتی تجارتی که قصداً و یا در نتیجه یک غفلت سنگینی در باره اخلاق یا اقتدار مالی یک تاجر معلومات خلاف حقیقت بدهد، مسئول جبران خساره مادی و معنوی یی است که ازین رهگذر به تاجر مذکور عاید شود. اظهار نماینده مذکور در تصحیح آن معلومات مستلزم برائت

(۱) ماده ۱۳۹: جزای نقدی عبارت است از مکلف ساختن محکوم علیه به پرداخت مبلغ محکوم بها به خزانه دولت. ماده ۱۴۰: (۱) جزای نقدی به پول افغانی تعیین می شود. (۲) جزای نقدی که به حکم محکمه تعیین می شود، از پنج هزار (۵۰۰۰) افغانی کمتر نمی باشد. (۳) اندازه جزایهای نقدی مندرج این قانون با نظر داشت نوسانات ارزش پول، بعد از هر پنج سال تجدید می گردد. ماده ۱۴۱: محکمه در تعیین جزای نقدی پیش بینی شده در این قانون بین حد اقل و حد اکثر شرایط و احوال آتی را رعایت می نماید: ۱- تأمین اهداف جزا. ۲- احوال شخصی، اجتماعی و اقتصادی مرتکب. ۳- اندازه مفادی که از ارتکاب جرم حاصل گردیده یا توقع استحصال آن برده می شد. ۴- نوعیت حق یا مصلحتی که مورد تجاوز قرار گرفته است. ماده ۱۴۲: محکمه تواند به اساس تشخیص خود یا مطالبه خائرنوال، حداکثر جزای نقدی پیش بینی شده را با رعایت شرایط و احوال مندرج ماده ۱۴۱ این قانون تا دوچند بالا ببرد، مشروط بر این که بالا بردن حد اکثر جزای نقدی به از بین بردن کلی دارایی محکوم علیه منجر نشود. ماده ۱۴۳: تعیین جزای نقدی در جرم جنایت جواز ندارد، مگر این که این قانون صراحتاً به آن حکم نموده باشد. ماده ۱۴۴: پرداخت جزای نقدی مطابق به احکام قانون اجراءات جزایی صورت می گیرد. ماده ۱۴۵: حبس عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه به حکم قطعی محکمه در یکی از محابس که از طرف دولت به این منظور اختصاص یافته است. ماده ۱۴۶: حبس دارای انواع ذیل می باشد: ۱- حبس قصیر. ۲- حبس متوسط. ۳- حبس طویل. ۴- حبس دوام درجه ۲. ۵- حبس دوام درجه ۱. ماده ۱۴۷: مدت های حبس قرار ذیل می باشد: ۱- حبس قصیر از سه ماه تا یک سال. ۲- حبس متوسط بیش از یک سال تا پنج سال. ۳- حبس طویل بیش از پنج سال تا شانزده سال. ۴- حبس دوام درجه ۲ بیش از شانزده سال تا بیست سال. ۵- حبس دوام درجه ۱ بیش از بیست سال تا سی سال. نگا: کد جزا: ماده ۱۳۹ - ۱۴۷.

او شده نمیتواند. محکمه میتواند در عین زمان با فیصله که درباره جبران خساره مینماید امر کند که مسئله مذکور به مصارف خود نماینده در یک جریده یا جراید متعدد نشر هم شود.

ماده ۶۳: تاجر که مرتکب افعال مندرجه این فصل میشود، اگر با سوء نیت حرکت کرده باشد، علاوه بر اینکه به جبران خساره محکوم میگردد، به جزای نقدی و حبس نیز مجازات میشود.

ماده ۶۴: شخصی که به جزاء یا جبران خساره محکوم میشود، اگر فعلی را که موجب جزاء یا جبران خساره شده است مکرراً مرتکب شود، جزای او دو چند شده میتواند. دعوای جزاء تنها بوسیله شکایت شخص ذیعلاقه با اطاق تجارت محل اقامه میشود. ابراء مدعی شخصی از دعوی، حقوق عمومیه را ساقط میسازد»^(۱)

از لابلای یک سری ماده های کد جزا و قانون انتخابات افغانستان مقدار جزای نقدی و حبس چنین واضح می گردد:

- ۱- جزای نقدی تا بیست هزار افغانی؛
- ۲- جزای نقدی از پنجاه هزار تا یک میلیون افغانی؛
- ۳- حبس قصیر؛
- ۴- حبس متوسط؛
- ۵- حبس طویل تا ده سال؛
- ۶- حبس طویل؛

کد جزای جمهوری اسلامی افغانستان در زمینه چنین صراحت دارد:

» ماده ۷۵۳: هرگاه تاجری با سوء نیت مرتکب یکی از اعمال ذیل شود، به جزای نقدی از پنجاه هزار تا یک میلیون افغانی، محکوم می گردد:

- ۱- حيله یا دسیسه در امور تجارتی.
- ۲- نشر مطالب مخالف حقیقت که به منفعت یا تجارت تاجر دیگری ضرر وارد کند.
- ۳- شایعه مغایر حقیقت راجع به منشاء یا اوصاف امتعه یا اهمیت تجارت خود به مقصد جلب مشتریان تاجر دیگری که کالای هم جنس را می فروشد و همچنان اعلان تصدیقنامه و مکافاتی که حایز آن نبوده باشد با استفاده از حيله.
- ۴- تطمیع مستخدمین تاجر یا فابریکه دیگری به مقصد اطلاع از مشتریان و جلب آنها.
- ۵- اعطای شهادت نامه یا تصدیق حسن خدمت خلاف حقیقت بمنظور اغفال تاجر دیگر.
- ۶- ارایه معلومات خلاف حقیقت در باره اخلاق یا اقتدار مالی تاجر دیگری.

ماده ۷۵۴: هرگاه تاجری اوراق و معاملات متعلقه تجارت خود را به غیر از اسم معین که عنوان تجارت تعبیر می شود به سایر عناوین اجراء یا امضاء نماید با نظر داشت خساره ای وارده، به جزای نقدی تا بیست هزار افغانی، محکوم می گردد.^(۲)

ماده ۷۵۹: (۱) هرگاه اطلاع دهنده، کارشناس اهل خبره یا سایر اشخاص عمداً خلاف واقعیت به شکل شفاهی اظهار نظر نمایند و این اظهارات در تصمیم بورد ملی رقابت مندرج قانون حمایت از رقابت، موثر واقع گردد، به حبس قصیر، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه اشخاص مندرج فقره (۱) این ماده عمداً خلاف واقعیت به شکل تحریری اظهار نظر نمایند و این اظهارات در تصمیم بورد ملی رقابت مندرج فقره (۱) این ماده موثر واقع شود، مرتکب به

(۱) قانون تجارت افغانستان: ماده های: ۵۶ الی ۶۴.

(۲) کد جزا: ماده ۷۵۳ و ۷۵۴.

حبس متوسط، محکوم می گردد.^(۱)

ماده ۲۴۳: (۱) شخصی که در زمان جنگ با نشر اخبار، اعلامیه ها، اظهارات دروغ یا مغرضانه عمداً به صورت شفاهی یا تحریری یا به هر وسیله دیگری بمنظور حمایت از دشمن تبلیغ یا توطئه نماید به نحویکه به قدرت دفاعی کشور یا عملیات نظامی نیروهای نظامی ضرر رساند یا سبب هرج و مرج یا تضعیف روحیه مردم گردد، به حبس طویل تا ده سال، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده به وسیله تماس مخابراتی یا سایر وسایل الکترونیکی با دولت خارجی یا نیروهای مسلح مخالف دولت جمهوری اسلامی افغانستان در حالت جنگ با دولت جمهوری اسلامی افغانستان ارتکاب گردیده باشد، مرتکب به حبس طویل، محکوم می گردد.

(۳) هرگاه شخص مرتکب جرم مندرج فقره (۱) این ماده در غیر از حالت جنگ گردد، به حبس متوسط، محکوم می گردد»^(۲)

همچنین قانون انتخابات افغانستان در زمینه چنین تصریح می دارد:

« ماده هفتاد و هشتم: (۱) در جریان مبارزات انتخاباتی، تلویزیون، رادیو، روزنامه ها، جراید و سایر رسانه های همگانی می توانند مرامنامه ها، نظریات و اهداف کاندیدان را مطابق طرز العمل وضع شده توسط کمیسیون، طور منصفانه و بیطرفانه پخش و نشر نمایند.

(۲) رسانه های همگانی دولتی مکلف اند نظریات، اهداف و مرامنامه کاندیدان را با نظر داشت طرز العمل کمیسیون، طور منصفانه و بیطرفانه پخش و نشر نمایند»^(۳)

مطلب دوم: جرم افتراء

افتراء و اتهام بستن نیز یکی از جمله تخطی های رسانه ای محسوب می شود که از طریق رسانه ها در عصر حاضر به شکل وسیعی به وقوع می پیوندد، در سطور آتی به این موضوع می پردازیم.

الف) مفهوم افتراء

۱- در لغت

افترا یک واژه عربی است که در مورد معنای لغوی آن مرحوم دهخدا چنین می گوید: « افترا: [ا ت] مأخوذ از تازی، نسبت دروغ و کذب بکسی، تهمت و اسناد خیانت، هر چیز ناحق و برخلاف واقع، همان افتراء عربی است که در کتابت و تلفظ فارسی همزه آن ساقط شده است، بهتان، تهمت، بهتان»^(۴)

در لغتنامه عمید این گونه آمده است: « افترا: تهمت زدن، به دروغ، نسبت خیانت یا گناه به کسی دادن»^(۵)

علامه ابن اثیر^(۶) رحمه الله میگوید: « افترا در لغت: مصدر افتري افتراء است: وقتی دروغ بگوید، و فری کذباً فریاً: یعنی آن را از خود بافت. و فری: جمع فریه و بمعنای دروغ است»^(۷)

(۱) کد جزا: ماده ۷۵۹.

(۲) همان منبع: ماده ۲۴۳.

(۳) قانون انتخابات: ماده ۷۸.

(۴) دهخدا: واژه افترا.

(۵) عمید: واژه افترا.

(۶) أبو السعادات المبارك بن أبي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم بن عبد الواحد الشيباني، المعروف بابن الأثير الجزري، الملقب مجد الدين. نكا: وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر ابن خلكان البرمكي الإربلي (المتوفى: ۶۸۱هـ) ج ۴، ص ۱۴۱.

(۷) النهاية في غريب الحديث والأثر لابن الأثير، ج ۳، ص ۴۴۳.

بنابراین، افترا عبارت از تهمت زدن، اتهام بستن و نسبت چیزی به دروغ است.

۲- در اصطلاح فقه

عسکری^(۱) رحمه الله در پیوند به معنای اصطلاحی افتراء می گوید: «الافتراء: الكذب في حق الغير بما لا يرتضيه»^(۲)

افترا عبارت است از: دروغ گفتن در مورد کسی به شیوه ای که برای او خوشایند نباشد.

علامه سیوطی^(۳) رحمه الله می گوید: «الافتراء: اختراع قضية لا أصل لها»^(۴)

افترا عبارت است از: ساخت و بافت قضیه ای که هیچ اصلی نداشته باشد.

بر این اساس می شود گفت: افتراء عبارت است از نسبت امری به شخصی به دروغ.

۳- در قانون

کد جزای جمهوری اسلامی افغانستان در ماده ۶۷۴ خود در این زمینه چنین صراحت دارد: «هرگاه شخص امری را در غیر از حالات ماده ۶۷۳ به دیگری نسبت دهد که اگر حقیقت می داشت به حکم قانون قابل مجازات شناخته می شد یا نزد مردم تحقیر می گردید، این عمل افترا شناخته شده، مرتکب به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد»^(۵)

از لابلای این ماده کد جزا چنین برمی آید که افترا در قانون عبارت است از: انتساب جرمی غیر از قذف به کسی دیگر که از اثبات آن عاجز بماند.

پس معنای افترا در لغت تهمت زدن و دروغ بستن و به صورت کلی همان تهمت زدن به شخص دیگری بوده اما در مسائل حقوقی این معنا تغییر می کند. جرم افترا یعنی نسبت دادن یک جرم به دیگری که شخص تهمت زننده قادر به اثبات جرم منسوب به شخص نیست.

ب) دیدگاه شریعت اسلامی در مورد افتراء

شریعت اسلامی اساساً از افترا منع کرده و خداوند متعال در سوره احزاب در مورد کسانی که از زنان و مردان مومن چیزهایی را که آنها مرتکب نشده اند بیرون می دهند، چنین می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾^(۶)

و آنان که مردان و زنان مؤمن را بی آنکه مرتکب گناهی شده باشند، می آزارند، بدون تردید تهمت و گناه آشکاری بر دوش کشیده اند.

علامه ابن کثیر^(۷) رحمه الله می گوید:

﴿فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾

«این همان تهمت آشکاری است که کسی در باره مردان و زنان مومن آنچه را که انجام نداده اند، به

(۱) الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعيد بن يحيى بن مهران اللغوي الأديب أبو هلال العسكري. نكا: طبقات المفسرين العشرين، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: ٩١١هـ)، مكتبة وهبة - القاهرة، ج ١، ص ٤٣.

(۲) الفروق اللغوية، لأبي هلال العسكري (٤٤٩/١).

(۳) عبد الرحمن بن أبي بكر بن محمد بن أبي بكر بن الهمام الجلال الأسيوطي الأصل الشافعي. نكا: معجم حفاظ القرآن عبر التاريخ، محمد محمد سالم محيسن (المتوفى: ١٤٢٢هـ) دار الجيل - بيروت، ج ٢، ص ١٢٤.

(۴) معجم مقاليد العلوم في الحدود والرسوم للسيوطي، ج ١، ص ٢٠٧.

(۵) كد جزا: ماده ٦٧٤.

(۶) سوره احزاب: آيه ٥٨.

(۷) إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي الفقيه الشافعي الحافظ عماد الدين ابن الخطيب شهاب الدين وكنيته أبو الفداء. نكا: طبقات المفسرين، أحمد بن محمد الأدنه وي من علماء القرن الحادي عشر (المتوفى: ق ١١هـ) مكتبة العلوم والحكم - السعودية، ج ١، ص ٢٦٠.

هدف عیب جویی و تحقیر آنها حکایت کند و یا انتقال بدهد، و بیشتر کسانی که در ضمن این وعید می آیند منکرین خدا و رسول او اند، و رویهمرفته رافضی هایی که اصحاب را تحقیر نموده، آنها را با آنچه خدا از آنها معاف کرده است سرزنش می کنند و آنها را بر خلاف آنچه خدا درباره ایشان گفته است توصیف می نمایند..»^(۱)

و امام طبری^(۲) رحمه الله می گوید:

﴿ فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴾

« یعنی: آنها مرتکب جعل، دروغ، و افترای شنیعی شده اند، "بهتان": فجیع ترین دروغ و "إثم مبین" یعنی: گناهی که برای سامع خود گناه و معصیت بودنش را آشکار می کند..»^(۳)

خداوند متعال در سوره ممتحنه می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِعُهنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾^(۴)

ای پیامبر! هنگامی که زنان باایمان نزدت بیایند تا با تو بیعت کنند که چیزی را شریک الله قرار ندهند و دزدی و زنا نکنند و فرزندانشان را نکشند و آنان را جز به شوهران خویش نسبت ندهند و در هیچ کار شایسته ای از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و برایشان از الله آمرزش بخواه. همانا الله، آمرزنده ی مهرورز است. سعدی^(۵) رحمه الله در مورد این قول خدای متعال:

﴿ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ ﴾

می گوید: « بهتان، افترا بستن به دیگران است، یعنی: آنها به هیچ وجه افترا نمی بندند، خواه این افترا مربوط بخود زنان و شوهران شان و خواه مربوط به کسان دیگری غیر از این ها باشد..»^(۶)

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

« أَتَدْرُونَ مَا الْغِيبَةُ؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ. قِيلَ: أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَخِي مَا أَقُولُ؟ قَالَ: إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدْ اغْتَبَتْهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ بَهَتْهُ »^(۷)

آیا می دانید غیبت چیست؟ گفتند خدا و رسولش بهتر می دانند. گفت: این که برادرت را با آنچه او دوست ندارد، یاد کنی. گفته شد: اگر آنچه در مورد برادرم می گویم در او وجود داشته باشد، باز چه؟ گفت: اگر آنچه می گویی در او وجود دارد، پس وی را غیبت کرده ای، و اگر در او نیست، به او اتهام بسته ای.

(۱) تفسیر القرآن العظیم للإمام ابن کثیر، ج ۶، ص ۴۸۰.

(۲) محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، أبو جعفر الطبري المحدث الفقيه المقرئ المؤرخ المعروف المشهور. نگا: معجم الأدباء = إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب شهاب الدين أبو عبد الله ياقوت بن عبد الله الرومي الحموي (المتوفى: ۶۲۶هـ)، الغرب الإسلامي، بيروت، ج ۶، ص ۲۴۱.

(۳) جامع البيان في تفسير القرآن للإمام الطبري، ج ۲۰، ص ۳۲۴.

(۴) سوره ممتحنه: آیه ۱۲.

(۵) عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله آل سعدي الناصري التميمي، مفسر، من علماء الحنابلة، من أهل نجد. نگا: الأعلام، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الزركلي الدمشقي (المتوفى: ۱۳۹۶هـ)، دار العلم للملايين، ج ۳، ص ۳۴۰.

(۶) تيسير القرآن الكريم للسهدي، ص ۸۵۷.

(۷) صحيح مسلم: ج ۴، ص ۲۰۰۱.

علامه نووی^(۱) رحمه الله می گوید: « بهته یعنی در مورد او به اتهام سخن گفتی، و این یک کار باطل است، و غیبت عبارت است از: ذکر شخصی در غیاب او با آنچه که او دوست ندارد، و اصل بهت این است که یک حرف باطل در روی او گفته شود، و هر دو حرام اند.. »^(۲)

از عباد بن صامت، رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که گروهی از اصحاب او را احاطه کرده بودند، فرمود: « بایعونی علی أن لا تشرکوا بالله شیئاً، ولا تسرقوا، ولا تزنوا، ولا تقتلوا اولادکم، ولا تأتوا ببهتان تفترونه بین ایدیکم وأرجلکم، ولا تعصوا فی معروف، فمن وفی منکم فأجره علی الله، ومن أصاب من ذلك شیئاً، فعوقب فی الدنيا، فهو کفارة له، ومن أصاب من ذلك شیئاً، ثم ستره الله، فهو إلى الله، إن شاء عفا عنه، وإن شاء عاقبه »^(۳) با من بر اساس این که شما چیزی را با خدا شریک نمی سازید، دزدی نمی کنید، زنا نمی کنید، فرزندان خود را نمی کشید، اتهامی که از خود بیافید به کسی نمی زنید و از کار نیک سرپیچی نمی کنید، بیعت کنید، پس هر که از شما وفا کند پاداش او با خداست، و هر که چیزی از آن مرتکب شده و در این دنیا مجازات شود، این برای او کفاره است، و هر کس چیزی از آن مرتکب شود، پس خدا او را بیوشاند این مربوط خدا می شود که اگر بخواهد او را می بخشد و اگر بخواهد او را مجازات خواهد کرد. و ما بر همین اساس با او بیعت کردیم.

علامه بغوی^(۴) رحمه الله می گوید: « معنی حدیث این است که: مردم را با افترا و مخالفت با آنچه از آنها نمی دانید، تهمت نزنید که از پیش خود مرتکب جنایت بر آنها شوید، یعنی: جنایتی ساخته و بافته از خود که توسط آن ایشان را در حالی که بی گناه هستند، به افتضاح بکشانید »^(۵)

ج) انواع افتراء

افتراء به دو دسته اصلی قولی و فعلی تقسیم می شود.

۱- افتراء فعلی

« افتراء فعلی، زمانی روی خواهد داد که مرتکب افترا با قرار دادن و جاسازی ابزار آلاتی در اماکن بخصوصی که فرد مورد افترا در آن جا عبور و مرور دارد (به عنوان مثال محل سکونت، محل کار و...) که منجر به ایجاد شک و شبهه در اعمال جرم برای فرد مورد افترا را فراهم می کند.

۲- افتراء قولی

دسته افتراء قولی، خود به دو گروه طبقه بندی می شود. افتراء قولی به صورت رسانه ای و افتراء قولی به صورت شفاهی.

افتراء قولی به صورت شفاهی

هرگاه فعل افتراء توسط زبان اشاره بدن، سخنرانی و نطق در مجالس صورت گیرد، جرم افتراء

(۱) الإمام الفقیه الحافظ الأوحّد الفدوّة شیخ الإسلام علم الأولیاء محیی الدّین أبو زکریّا یحیی بن شرف بن مری الحزّامی الحورانی الشّافعی. نگا: طبقات الحفاظ، عبد الرحمن بن أبی بکر، جلال الدین السیوطی (المتوفی: ۹۱۱ هـ)، دار الکتب العلمیة - بیروت، ج ۱، ص ۵۱۳.

(۲) المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج: أبو زکریّا محیی الدین یحیی بن شرف النووی، ج ۱۶، ۱۴۲.

(۳) صحیح البخاری: ج ۱، ص ۱۲.

(۴) الشّیخ الإمام، العلّامة الفدوّة الحافظ، شیخ الإسلام، محیی السّنة، أبو محمّد الحسین بن مسعود بن محمّد بن الفراء البغوی، الشّافعی. نگا: سیر أعلام النبلاء، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذّهبی (المتوفی: ۷۴۸ هـ)، دار الحدیث- القاهرة، ج ۱۴، ص ۳۲۸.

(۵) شرح السنة - للإمام الحسین بن مسعود البغوی، ج ۱، ص ۶۰.

قولی به صورت شفاهی شکل گرفته است.

افتراء قولی به صورت رسانه ای

هرگاه فردی با بهره برداری از رسانه ها همانند تلویزیون، رادیو و یا به شکل چاپی و نوشتاری در روزنامه ها، مجله ها، وبلاگ، مقاله ها و... با انتشار مطالب کذب به قصد و هدف منسوب کردن فردی دیگر به یک جرم منجر که به خدشه دار شدن اعتبار و بی آبرویی وی گردد، فرد مرتکب جرم افتراء قولی به صورت رسانه‌ای می باشد ^(۱)

د) شرایط تحقق جرم افتراء

تحقق جرم افتراء مستلزم یک سلسله شرایطی است بدون آن نمی توان به افتراء بودن تخطی ای حکم کرد، و این شرایط قرار زیر می باشند:

۱- انتساب جرمی به دیگری

« برای تحقق جرم افتراء باید جرمی به کسی نسبت داده شود و عمل مورد انتساب می بایست بر طبق قوانین موضوعه جرم تلقی شود. نسبت دادن ارتکاب يك عمل خلاف و یا تخلف اداری نمی تواند افتراء تلقی شود.

۲- معین بودن شخص طرف اسناد

معین بودن ممکن است با ذکر نام و مشخصات او یا با اشاره و علامت صورت گیرد.

۳- ابتدائی بودن اسناد

در اسناد جرم برای این که افتراء شناخته شود، خود بخود و ابتدائی بودن اسناد شرط است؛ بنابراین نسبت دادن ارتکاب يك جرم از طرف کسی در مقام دفاع از خود، افتراء محسوب نمی‌گردد.

۴- عجز از اثبات صحت اسناد

جرم افتراء در صورتی محقق می‌گردد که اسناد دهنده نتواند ادعای خود را مبنی بر ارتکاب جرم توسط شخص دیگر ثابت کند ^(۲)

هـ) مجازات جرم افتراء

۱- در فقه

در فقه اسلامی جزای مشخصی غیر از وعید اخروی در قبال افتراء و اتهام بستن نیامده است؛ بنابراین جزای افتراء از جمله جزاهای تعزیری می باشد که شریعت اسلامی به امام و مراجع ذی ربط در زمینه صلاحیت تفویض نموده تا نظر به مطالعه شرایط در قبال مجازات مناسب، خود تصمیم بگیرند.

۲- در قانون

مجازات جرم افتراء در کد جزای افغانستان جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی در نظر گرفته شده است.

(۱) هر آنچه درباره انواع و اقسام جرم افتراء و مجازات آن‌ها باید بدانید:

<https://lawmingo.com/mag/everything-you-need-to-know-about-the-types-of-defamation>

(۲) افتراء چیست؟: <https://sedayevakil.co>

چنانچه ماده ۶۷۴ این قانون در زمینه چنین صراحت دارد: « هرگاه شخص امری را در غیر از حالات ماده ۶۷۳^(۱) به دیگری نسبت دهد که اگر حقیقت می داشت به حکم قانون قابل مجازات شناخته می شد یا نزد مردم تحقیر می گردید، این عمل افترا شناخته شده، مرتکب به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد »^(۲) و این قانون رسیدگی به جرم افتراء را مشروط به شکایت متضرر دانسته و در ماده ۶۷۷ تصریح می دارد:

« تعقیب عدلی متهم جرم قذف و افترا مشروط به شکایت متضرر می باشد، در صورتی که متضرر قبل از صدور حکم قطعی محکمه از شکایت خود منصرف شود، دعوی جزایی متوقف می گردد »^(۳)

مطلب سوم: جرم افشاء اسرار

رسانه ها با توجه به شیرازه کاری خود که باید به مردم خبر رسانی کنند بسا اوقات به افشاگری هایی دست می یازند که در تضاد با شریعت و قانون قرار داشته مصالح افراد و جامعه را تحت شعاع قرار می دهد، این کار رسانه ها تحت عنوان افشای اسرار در فقه اسلامی و قوانین به بحث گرفته شده است که قرار زیر به آن پرداخته می شود:

الف) مفهوم افشای اسرار

۱- در لغت

افشاء اسرار یک واژه ترکیبی است که هریک معنای لغوی خود را دارند؛ بنابراین معنای لغوی افشاء در لغت نامه دهخدا چنین آمده است: « افشاء: [ا] (ع مص) فاش و آشکار کردن، و با لفظ کردن و شدن و دادن مستعمل است، ظاهر و آشکار کردن، بمعنی پراکنده گردانیدن و فاش کردن خبر و جز آن باشد »^(۴)

و برخی ها این واژه را قرار زیر شرح کرده اند: « افشاء: از فشا الخبر یفشو فُشوا و فُشیا گرفته شده، یعنی: منتشر و پخش گردید، و افشاء غیره، و تَفَشَّى الشیء، یعنی: وسعت یافت و گسترش پیدا کرد، و فشا الشیء، یعنی: ظاهر و آشکار شد »^(۵)

اما کلمه اسرار جمع سر بوده و معنای سر در لغتنامه ها قرار زیر آمده است: « سر: آنچه هست که پنهان داشته می شود »^(۶) و « آن متضاد اعلان است، چنانچه گفته می شود: أسررت الشیء إسراراً، خلاف أعلنته »^(۷)

علامه راغب اصفهانی^(۸) رحمه الله در مفردات خود در مورد سر چنین می گوید: « السِّرُّ هو الحديث المکتم فی النفس »^(۹)

(۱) این ماده کد جزا در مورد تعریف و جزای جرم "قذف" صحبت می کند، نگا: کد جزا: ماده ۶۷۳.

(۲) کد جزا: ماده ۶۷۴.

(۳) همان منبع: ماده ۶۷۷.

(۴) دهخدا: واژه افشاء.

(۵) مقایس اللغة لابن فارس (۶۹/۳)، الصحاح للجوهري (۶/۲۴۵۵)، لسان العرب لابن منظور (۱۵/۱۵۵).

(۶) الکلیات للکفومي (ص ۴۱۵).

(۷) مقایس اللغة لابن فارس (۴/۵۰۴).

(۸) الحسین بن محمد بن الفضل، أبو القاسم الأصفهانی (أو الأصبهانی) المعروف بالراغب: أديب، من الحكماء العلماء. من أهل (أصبهان). نگا: الأعلام، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الزركلي الدمشقي (المتوفى: ۱۳۹۶هـ)، دار العلم للملايين، ج ۲، ص ۲۵۵.

(۹) مفردات القرآن الكريم للراغب الإصفهانی (۱/۴۰۴).

یعنی: سر عبارت از حرف و سخن پوشیده در نهان است.
از خلال آنچه در پیوند به معانی افشاء و اسرار تذکر یافت می توان گفت که واژه افشای اسرار در لغت به معنای آشکار ساختن راز می آید.

۲- در اصطلاح فقه

در فقه قدیم به چنین مسئله ای پرداخته نشده اما در کتب معاصر این رشته افشای اسرار در یک تعریف چنین آمده است:

« إفشاء السر هو: تعمد الإفشاء بسرٍ من شخص ائتمن عليه، في غير الأحوال التي توجب فيها الشريعة الإسلامية الإفشاء، أو تجيزه »^(۱)

افشاء اسرار عبارت است از: افشای عمدی راز توسط شخصی که به او اعتماد شده است، در غیر مواردی که شریعت اسلامی افشای آن را واجب یا مجاز می داند.

در قانون

قانونگذار افغانستان افشاء اسرار را شاید به دلیل واضح بودن مفهوم آن در اجتماع مردم تعریف نکرده است، ولی از لابلای ماده هایی که در کد جزا در پیوند به افشای اسرار شخصی، فامیلی، تجارتي و صنعتی، دولتی و سیر محاکم آمده است چنین برمی آید که از دید این قانون افشای اسرار عبارت است از:

فاش نمودن هر آن رازی که قانون نظر به مصلحت فرد و جامعه به محرمانه بودن آن حکم می کند.

(ب) دیدگاه شریعت اسلامی

در این زمینه خداوند متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^(۲)

ای مؤمنان! دانسته به الله و پیامبر خیانت نکنید و آگاهانه در امانت هایتان خیانت نورزید.

علامه ابن کثیر رحمه الله می گوید: « آنها حدیث را از پیامبر صلی الله علیه و آله می شنیدند و آن را پخش و افشا می کردند تا به مشرکان برسد. عبدالرحمان بن زید بن اسلم گفت: خداوند شما را از خیانت به خدا و رسول چنانچه منافقین مرتکب شدند، منع کرده است »^(۳)

عده ای گفته اند: « این آیه در مورد منافقی که به ابو سفیان نامه نوشته بود تا او را از اسرار مسلمانان اطلاع بدهد، نازل شده است »^(۴)

پس معنای آیه این گونه است: « در امانات خود میان یکدیگر از قبیل: معاملات مالی و دیگر امور، حتی امور اخلاقی و اجتماعی خیانت نکنید، بنابراین افشای سر و راز یک خیانت و حرام محسوب می شود »^(۵)

خداوند متعال در سوره تحریم می فرماید:

﴿وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَايَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ﴾^(۶)

(۱) کتمان السر وإفشاؤه في الفقه الإسلامي لشريف بن أدول، (ص ۲۰).

(۲) سوره انفال: آیه ۲۷.

(۳) تفسیر القرآن الکریم لابن کثیر (۴/۴۲).

(۴) جامع البیان في تفسیر القرآن للطبري (۱۲۰/۱۱)

(۵) تفسیر المراغي لأحمد مصطفى المراغي (۱۳۹/۹)

(۶) سوره تحریم: آیه ۳.

و هنگامی که پیامبر، رازی را به یکی از همسرانش گفت و او، آن راز را (نزد یکی دیگر از همسران پیامبر) فاش کرد. و الله، پیامبر را از آن آگاه ساخت؛ (پیامبر) بخشی از آن را برای او بازگو کرد و از (بازگو کردن) بخش دیگرش خودداری نمود و چون پیامبر، آن زن را از این موضوع باخبر ساخت، آن زن گفت: «چه کسی تو را از این موضوع باخبر ساخته است؟» (پیامبر) گفت: «(پروردگار) دانا و آگاه به من خبر داده است».

علامه قاسمی^(۱) رحمه الله در مورد این آیه می گوید: « خداوند متعال خشم خود را به پیامبرش به خاطر افشای راز توسط یکی از همسران ایشان به دیگرش و همسویی آنها بر آنچه راحت او را مختل می کرد، و اینکه این کار گناهی است که باید از آن توبه کرد، نشان داد »^(۲)

الله متعال در سوره مبارکه نساء می فرماید:

﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾^(۳)

و هنگامی که خبر امیدبخش یا نگران کننده ای به آنان می رسد، آن را شایع می کنند. و اگر آن را به پیامبر و صاحبان امور خویش واگذار می کردند، آنان که اهل درک و استنباطند، حقیقتش را درک می نمودند. اگر فضل و رحمت الله بر شما نبود، جز اندکی همه ی شما از شیطان پیروی می کردید. ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: ﴿أَذَاعُوا بِهِ﴾ یعنی: آن را اعلان و افشا کردند/ می کنند. و امام طبری رحمه الله می گوید: ﴿أَذَاعُوا بِهِ﴾ یعنی: افشا و پخش کردند/ می کنند.^(۴)

در سوره اسراء می فرماید:

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾^(۵)

و به پیمان ها وفا نمایید که درباره ی عهد و پیمان سؤال خواهد شد.

بنابراین رازی که کسی به شما می سپارد یا برای شما فاش می کند، بخشی از عهدی است که خداوند به وفا نمودن و عدم خیانت در آن دستور داده است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: « لا يتجالس قوم إلا بالأمانة »^(۶)

هیچ مردمی باهم نمی نشینند، مگر بر مبنای امانت داری، بدین معنا که رازهای آنها امانت شمرده می شود.

علامه مناوی^(۷) رحمه الله در توضیح حدیث می گوید: « یعنی: نمی سزد مگر همین، بنابراین برای هیچ یکی از ایشان حلال نیست تا سر و راز دیگری را افشا کند »^(۸) همچنین از ابوسعید خدری رضي الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود:

(۱) جمال الدین (أو محمد جمال الدین) بن محمد سعید بن قاسم الحلاق، من سلالة الحسين السبط: إمام الشام في عصره. نكًا: الأعلام، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الزركلي دمشقي (المتوفى: ١٣٩٦ هـ)، دار العلم للملايين، ج ٢، ص ١٣٥.

(۲) محاسن التأويل للقاسمي (٢٧٤/٩).

(۳) سوره نساء: آیه ۸۳.

(۴) جامع البيان في تفسير القرآن للطبري (٢٥٣/٧).

(۵) سوره اسراء: آیه ۳۴.

(۶) صحيح الجامع الصغير وزيادته: للشيخ محمد ناصر الدين الألباني، ج ٢، ١٢٦٠.

(۷) محمد عبد الرؤوف بن تاج العارفين ابن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري، زين الدين: من كبار العلماء بالدين والفنون. نكًا: الأعلام، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الزركلي دمشقي (المتوفى: ١٣٩٦ هـ)، دار العلم للملايين، ج ٦، ص ٢٠٤.

(۸) فيض القدير (٢٢٦/٣).

«إِنَّ مِنْ أَشَرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، الرَّجُلُ يَفْضِي إِلَى امْرَأَتِهِ، وَتَفْضِي إِلَيْهِ، ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا»^(۱)

یکی از بدترین افراد نزد خدا در روز قیامت مردی است که به همسر خود نزدیک می شود، و او هم به وی نزدیک می شود، سپس وی راز همسر خود را فاش می کند.

امام نووی رحمه الله می گوید: «در این حدیث آنچه میان مرد و همسر وی از مسائل مربوط به لذت بردن اتفاق می افتد و بیان

جزئیات آن و آنچه از جانب زن از قول و فعل و امثال آن سر می زند، حرام قرار داده شده است»^(۲) مناوی رحمه الله می گوید: «ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا يَعْنِي أَنَّهُ مِنْ مَسَائِلِ مَقَارِبَتِ وَ مَقْدَمَاتِ وَ پيامدهای آن را که باید پنهان داشته شود، پخش و افشا می کند، بنابراین افشای آنچه میان شوهر و همسر از لذت بردن می گذرد و توضیح دادن جزئیات آن با قول و یا فعل، حرام می باشد»^(۳)

و ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: «حِينَ تَأْتِيَتْ حَفْصَةَ، قَالَ عُمَرُ: لَقَيْتَ أَبَا بَكْرٍ فَقُلْتَ: إِنَّ شَيْئًا أَنْكَحَتْكَ حَفْصَةُ بَنْتُ عُمَرَ، فَلَبِثْتَ لِيَالِي ثُمَّ خَطَبَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَقِينِي أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ: إِنَّهُ لَمْ يَمْنَعْنِي أَنْ أَرْجِعَ إِلَيْكَ فِيمَا عَرَضْتَ، إِلَّا أَنِّي قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ ذَكَرَهَا، فَلَمْ أَكُنْ لِأَفْشِي سِرَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَوْ تَرَكَهَا لَقَبَلْتُهَا»^(۴)

وقتی حفصه بیوه شد، عمر گفت: من با ابوبکر ملاقات کردم و گفتیم: اگر تمایل داشته باشی حفصه دختر عمر را به عقد ازدواج تو در می آورم، او (حفصه) چند شبی ماند، سپس پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم از او خواستگاری کرد، این بود که ابوبکر با من ملاقات کرد و گفت: مرا هیچ چیزی از این که به پیشنهاد تو پاسخ بدهم باز نداشت مگر من می دانستم که رسول خدا صلی الله علیه و آله از وی (حفصه) نام برده است، ازین رو بر آن نشدم تا راز رسول خدا صلی الله علیه و سلم را فاش کنم و اگر او آن را ترک کرده بود، من آن را قبول می کردم.

از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که او گفت: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که او می گفت: «كُلُّ أُمَّتِي مُعَافَى إِلَّا الْمَجَاهِرِينَ، وَإِنْ مِنْ الْمَجَاهِرَةِ أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ عَمَلًا ثُمَّ يَصْبِحُ وَقَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ؛ يَقُولُ: يَا فُلَانُ عَمِلْتَ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا، وَقَدْ بَاتَ يَسْتَرُهُ رَبِّهِ، وَيَصْبِحُ يَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَنْهُ»^(۵) همه امت من در امان اند مگر مجاهرین (آنانی که گناه را آشکار انجام می دهند)، و از جمله مجاهره محسوب می شود این که مردی به شب کاری انجام بدهد سپس صبح را در حالی آغاز کند که خداوند او را ستر کرده است ولی او بگوید: ای فلان! من شب چنین و چنان کردم، با وجود آن که شب را در حالی سپری نموده که خداوند او را ستر می کرده است ولی وقتی صبح را آغاز می کند پرده و ستر خداوندی را از خود می بردارد.

ولی در برخی موارد افشای اسرار تنها مشکل ندارد بلکه یک کار پسندیده و خوب است، از جمله: وقتی به مصحلت مسلمانان و جامعه اسلامی باشد، مانند اینکه زمانی رییس منافقان عبد الله بن ابی بن سلول گفت:

﴿لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ﴾^(۶)

(۱) صحیح مسلم: ج ۲، ۱۰۶۰.

(۲) شرح النووي علی صحیح مسلم ج ۱۰، ص ۸.

(۳) فیض القدیر ج ۲، ص ۶۸۳.

(۴) صحیح البخاری ج ۷، ص ۱۹.

(۵) همان منبع ج ۸، ص ۲۰.

(۶) سوره منافقون: آیه ۸.

و این حرف او را زید بن ارقم شنید و رسول الله صلی الله علیه وسلم را در جریان قرار داد.^(۱) همچنین هنگام ادای شهادت نزد قاضی به منظور احقاق حق؛ زیرا در چنین صورتی الله متعال منع کرده است چنانچه می فرماید:

﴿وَلَا تَكْنُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْنُمْهَا فَإِنَّهُ آتِمٌ قَلْبُهُ﴾^(۲)

و گواهی را کتمان نکنید و هرکس از اظهار گواهی خود داری کند، قلبش گنهکار است.

ج) انواع افشای اسرار

۱- در شریعت

از آیات و احادیث گذشته و یک سری نصوص دیگر شرعی دانسته می شود که افشاء اسرار در شریعت اسلامی دو نوع دارد: محمود (پسندیده) و مذموم (نا پسند).

افشاء مذموم و نا پسند

افشاء اسرار مذموم عبارت است از:

- افشاء اسرار خانواده، اقارب، دوستان و به طور کلی همه مسلمانان؛
- افشاء اسرار دولت یا نهادهای آن
- افشای اسرار زناشویی
- افشاء و اعلام گناهایی که یک مسلمان مرتکب می شود و مجاهره و برملا سازی آن.

افشاء اسرار محمود و پسندیده

افشاء اسرار در برخی موارد مجاز است، از جمله:

- محرمانه بودن، بیشتر از افشای آن منجر به آسیب می شود
- اینکه دلیل محرمانه بودن منقضی و از بین رفته باشد
- اینکه صاحب راز مرده و افشای راز او هیچ آسیب و بدی ای به او نمی رساند؛
- همچنین به هدف دفع خطر از خود یا دیگران مجاز است.

۲- در قانون

از لابلای ماده های کود جزای افغانستان که در مورد افشاء اسرار صراحت دارند دانسته می شود

که افشای اسرار از دید این قانون انواع زیر را دارد:

- افشاء اسرار حرفه ای
- افشاء اسرار فامیلی
- افشاء اسرار شخصی
- افشاء اسرار محاکم
- افشاء غیر قانونی اسناد مراجع قانونی
- افشاء اسرار تجارتي و صنعتی
- افشاء اسرار دولتی

(۱) جامع البیان فی تفسیر القرآن للطبري ج ۱۸، ص ۱۲۰.

(۲) سوره بقره: آیه ۲۸۳.

د) مجازات افشاء اسرار

۱- در فقه

در فقه اسلامی جزای مشخصی در قبال افشای اسرار نیامده است؛ بنابراین جزای افشای اسرار از جمله جزاهای تعزیری می باشد که شریعت اسلامی به امام و مراجع ذی ربط در زمینه صلاحیت تفویض نموده؛ تا نظر به مطالعه شرایط حاکم در قبال مجازات مناسب، خود تصمیم بگیرند.

۲- در قانون

کد جزای افغانستان با در نظر داشت انواع افشاء اسرار جزاهای مختلفی را در قبال آن تعیین نموده که قرار زیر می باشند:

افشاء اسرار حرفه ای

در قبال افشاء اسرار حرفه ای نظر به حالات آن جزاهای زیر تعیین گردیده است:

۱- حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی

۲- حبس قصیر

۲- جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۶۲۷: شخصی که به حکم وظیفه، کسب، پیشه، صنعت، فن و یا به لحاظ طبیعت کار خود به سری از اسرار، علم حاصل نماید و آن را در غیر از حالات مصرحه قانونی افشاء نماید، یا آن را به منفعت خود یا شخص دیگری استعمال کند، مرتکب جرم افشای اسرار شناخته شده، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می گردد.^(۱)»

ماده ۴۱۳: (۱) هرگاه موظف خدمات عامه اسرار، اسناد، تصامیم یا اوامر یا سایر اطلاعات محرم را که منحصراً وظیفه به وی سپرده شده یا به آن آگاهی حاصل نموده، بصورت غیر قانونی افشاء یا به آگاهی عموم رساند و یا زمینه دسترسی به اسناد و معلومات متذکره را به شخص ثالث فراهم نماید، به حبس قصیر، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه شخص بعد از ختم تصدی وظیفه عمل مندرج فقره (۱) این ماده را انجام دهد به عین مجازات پیش بینی شده، محکوم می گردد.

(۳) هرگاه به اثر غفلت یا اهمال موظف دولت خارجی یا سازمان بین المللی یا بین الحکومتی یا مؤسسه غیر دولتی یا بخش خصوصی که به حفاظت اسناد و معلومات مکلف باشد، اسناد یا معلومات افشاء گردد، مرتکب به حبس قصیر، محکوم می گردد.

ماده ۴۶۰: هرگاه موظف پست یا پارسل یا شخصی دیگری که بمنظور انجام این امر توظیف گردیده است، مکتوب، پست یا پارسل تسلیم شده را پنهان، افشاء یا باز نماید و یا به این منظور برای دیگران سهولت فراهم سازد، به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد «^(۲)»

افشاء اسرار فامیلی

در پیوند به افشاء اسرار فامیلی جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی را در نظر گرفته است، چنانچه می گوید:

« ماده ۶۲۸: شخصی که با استفاده از وسایل علنی اسرار فامیلی دیگری را به غیر از حالات مندرج

(۱) کد جزا: ماده ۶۲۷.

(۲) همان منبع: ماده های ۴۱۳ و ۴۶۰.

ماده ۸۶۶^(۱) این قانون، افشاء کند، گر چه حقیقت داشته باشد، به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد»^(۲)

افشاء اسرار شخصی

در این زمینه نظر به حالات جزاهای زیر تعیین گردیده است:

- ۱- جزای نقدی ده هزار تا سی هزار افغانی
- ۲- جزای نقدی دو چند منفعت حاصله یا ضرر وارده
- ۳- حبس قصیر
- ۴- مجازات جرم مرتکبه یا حبس متوسط، یا هر کدام که بیشتر باشد
- ۵- حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی
- ۶- حبس متوسط بیش از سه سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و هشتاد هزار افغانی
- ۷- حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی یا هر دو جزا
- ۸- حبس متوسط.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۶۲۹: (۱) شخصی که به مکالمه مخابراتی دیگری بدون اجازه گوش دهد یا آن را ثبت نماید، به جزای نقدی ده هزار افغانی، محکوم می گردد.

(۲) شخصی که اسراری را که توسط تلفون یا ایمیل یا فکس یا مکتوب ارسالی یا به هر طریق دیگری به آن آگاهی حاصل کرده است به قصد وارد نمودن ضرر به دیگری افشاء کند، به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد.

ماده ۸۵۵: (۱) هرگاه شخصی رمز دسترسی (پاسورد یا کود) یا دیگر وسایل کسب دسترسی برنامه یا اطلاعات سیستم کمپیوتری را به صورت غیر مجاز افشاء کند، به جزای نقدی دو چند منفعت حاصله یا ضرر وارده، محکوم می گردد.

ماده ۸۶۶: (۱) شخصی که بدون مجوز قانونی و بمنظور ایجاد ضرر، معلومات هویت شخص دیگری را که به آن دسترسی دارد یا آن را از سایر طرق بدست آورده، با داشتن سوءنیت در فضای سایبر افشاء نماید، به حبس قصیر، محکوم می گردد.

(۲) شخصی که عمدا معلومات مندرج فقره (۱) این ماده را بمنظور ارتکاب جرایم جنایت یا جنحه سوء استفاده نماید، به مجازات جرم مرتکبه یا حبس متوسط، یا هر کدام که بیشتر باشد، محکوم می گردد.

ماده ۸۶۸: (۱) شخصی که به وسیله سیستم کمپیوتری یا مخابراتی، صوت یا تصویر یا فلم خصوصی دیگری را بدون رضایت و علم وی در فضای سایبر منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ایجاد ضرر مادی یا معنوی یا موجب هتک حیثیت وی شود، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی، محکوم می گردد.

(۲) شخصی که به وسیله سیستم کمپیوتری با مخابراتی، فلم یا صوت یا تصویر خصوصی دیگری را

(۱) ماده یاد شده این گونه تصریح می نماید: (۱) شخصی که بدون مجوز قانونی و بمنظور ایجاد ضرر، معلومات هویت شخص دیگری را که به آن دسترسی دارد یا آن را از سایر طرق بدست آورده، با داشتن سوءنیت در فضای سایبر افشاء نماید، به حبس قصیر، محکوم می گردد. (۲) شخصی که عمدا معلومات مندرج فقره (۱) این ماده را بمنظور ارتکاب جرایم جنایت یا جنحه سوء استفاده نماید، به مجازات جرم مرتکبه یا حبس متوسط، یا هر کدام که بیشتر باشد، محکوم می گردد. نگا: کد جزا: ماده ۸۶۶.

(۲) کد جزا: ماده ۶۲۸.

تغییر دهد یا تحریف یا منتشر کند یا آن را با وجود آگاهی از تغییر یا تحریف، نشر کند به نحوی که موجب هتک حیثیت وی شود، به حبس متوسط بیش از سه سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و هشتاد هزار افغانی، محکوم می گردد.

(۳) تعقیب عدلی جرایم مندرج فقره های (۱ و ۲) این ماده مشروط به شکایت مجنی علیه می باشد. ماده ۸۶۹: (۱) شخصی که با استفاده از سیستم برنامه یا اطلاعات کمپیوتری، در فضای سایبر، صوت یا تصویر یا فلم خصوصی دیگری را بدست آورده و شخص را به نشر آن در فضای سایبر در مقابل اخذ منفعت تهدید نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی یا به هردو جزا، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده سبب ضرر جسمی یا معنوی شدید به شخص گردد، مرتکب به حبس متوسط، محکوم می گردد»^(۱)

افشاء اسرار محاکم

در این زمینه جزاهای زیر تعیین گردیده است:

۱- حبس متوسط؛

۲- حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا سه صد هزار افغانی.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۴۶۲: شخصی که هویت شاهد با اطلاع دهنده یا ارایه کننده مدارک یا معلومات در مورد جرایم را، برخلاف رضایت آنها یا بدون اجازه محکمه افشاء نماید، به حبس متوسط، محکوم می گردد.

ماده ۴۶۴: شخصی که قرار یا حکم مراجع ذیصلاح را مبنی بر اتخاذ اقدامات محافظتی یا اخفای هویت شاهد و یا سایر اسناد و معلومات مرتبط به آنرا به شخص یا اشخاصی که حق دریافت آنرا ندارند، افشاء نماید، به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می گردد»^(۲)

افشاء غیر قانونی اسناد مراجع قانونی

در این زمینه جزاهای زیر تعیین گردیده است:

۱- حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی و یا به هر دو جزا؛

۲- جزای نقدی از یکصد و بیست هزار تا دوصد و چهل هزار افغانی.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۵۰۳: (۱) هرگاه مؤظف مرجع راپورددهنده مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی و یا به هر دو جزا محکوم می گردد.

۱- افشای عمدی معلومات مرتبط به یک گزارش به شخص یا مرجعی که حق دریافت آن را ندارند..
۲- در صورتی که در جریان امور کاری یا تجارتي خود به نحوی از انحا از اقدامات مورد نظر مراجع ذیصلاح یا بررسی ها یا تحقیقات مراجع تنفیذ قانون در رابطه با یک قضیه پول شویی، اطلاع یافته و قبل از علنی شدن قانونی آن، موضوع را عمداً به شخص یا اشخاصی که تحقیق در مورد آنها

(۱) کد جزا: ماده های ۶۲۹، ۸۵۵، ۸۶۶، ۸۶۸ و ۸۶۹.

(۲) همان منبع: ماده های ۴۶۲ و ۴۶۴.

جریان دارد و با هر شخص دیگری که حق دریافت آنرا ندارد، افشاء نماید
۳- افشای اسنادی که طبق احکام قانون جلوگیری از پول شویی و عواید ناشی از جرایم، طور محرم نگهداری میشود به شخصی که حق دریافت آنرا ندارد.

(۲) در صورتی که جرایم مندرج اجزای ۱، ۲ و ۳ فقره (۱) این ماده توسط شخص حکمی ارتکاب یابد، مرتکب به جزای نقدی از یکصد و بیست هزار تا دوصد و چهل هزار افغانی، محکوم می گردد»^(۱)

افشاء اسرار تجاری و صنعتی

در این زمینه جزای زیر تعیین گردیده است:
حبس قصیر.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۷۵۸: اشخاص ذیل در صورت ارتکاب یکی از اعمال آتی، به حبس قصیر محکوم می گردند:
۱- در صورتی که رئیس، عضو بورد یا کارکن اداره حمایت از رقابت، اسرار تجاری متشبه، تاجر، مؤسسه، شرکت ها و سایر اشخاص را نشر، افشاء، یا از آن به نفع خود یا سایر اشخاص بهره برداری نماید.

۲- در صورتی که شخص اسرار تجاری و صنعتی را در مغایرت با روش های تجاری معیاری یا بدون رضایت مالک آن حصول، استعمال یا افشاء نماید «^(۲)

افشاء اسرار دولتی

در این زمینه جزاهای زیر تعیین گردیده است:

۱- حبس طویل؛

۲- حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا سه صد هزار افغانی.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۲۳۸: هرگاه تبعه دولت جمهوری اسلامی افغانستان مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، عمل وی خیانت ملی شمرده می شود: ...

۱۱- افشای اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور به اشخاص یا دولت خارجی یا شخصی که به نفع آنها کار می کند یا به گروه های مسلح مخالف دولت جمهوری اسلامی افغانستان...

ماده ۲۳۹: مرتکب جرم خیانت ملی حسب احوال به مجازات ذیل محکوم می گردد: ...

۲- در صورت ارتکاب جرایم مندرج اجزای ۱۰ تا ۱۲ ماده ۲۳۸، به حبس طویل.

ماده ۸۵۵: (۱) هرگاه شخصی رمز دسترسی (پاسورد یا کود) یا دیگر وسایل کسب دسترسی برنامه یا اطلاعات سیستم کمپیوتری را به صورت غیر مجاز افشاء کند، به جزای نقدی دو چند منفعت حاصله یا ضرر وارده، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده در رابطه به سیستم، برنامه یا اطلاعات زیر بنایی دولتی ارتکاب یابد، مرتکب به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می گردد «^(۳).

(۱) کد جزا: ماده ۵۰۳.

(۲) همان منبع: ماده ۷۵۸.

(۳) همان منبع: ماده ۲۳۸، ۲۳۹ و ۸۵۵.

مطلب چهارم: جرم تحریک

رسانه های همگانی با توجه به تاثیر گذاری ای که بر بینندگان، خوانندگان و شنوندگان خود دارند گاهی چنین می شود که در زمینه تحریک به آنچه خلاف منافع کشور و جامعه است نقش منفی ای را بازی می کنند که این عملکرد یک تخطی و جرم رسانه محسوب می شود که در سطور زیر به آن می پردازیم.

الف) مفهوم تحریک

۱- در لغت

تحریک یک واژه عربی و مصدر باب تفعیل است که معنای لغوی آن در لغتنامه دهخدا چنین آمده است: « تحریک: [تَ] جنبانیدن، جنبانیدن چیزی را، جنبانیدن و به حرکت درآوردن، حرکت دادن، ضد تسکین، جنبش و حرکت و هیجان و اضطراب. گاهی مجازاً بمعنی رغبت دادن و ورغلانیدن آید، اغوا کردن و ترغیب دادن کسی را به ضد دیگری، تحریض و ورغلانیدگی و برانگیختن و اغوا و ترغیب»^(۱) و کلمه "تحریک کردن" در لغتنامه دهخدا این گونه معنا شده است: « تحریک کردن: [تَ کَ دَ] (مص مرکب) برانگیختن، اغواکردن، ترغیب»^(۲) بنابراین، تحریک و یا تحریک کردن در لغت به معنای برانگیختن و واداشتن بر امری می آید.

۲- جرم تحریک در اصطلاح

جرم تحریک را می توان در اصطلاح قرار زیر تعریف کرد: « ترغیب دیگران به ارتکاب جرایم خاص، با پرداختن به احساسات و خواہشات و عدم استفاده از عقل و منطق»^(۳) یا عبارت است از: « فرایند روانشناختی ای که در آن محرک بر اراده عمومی تأثیر می گذارد و از آن می خواهد تا اقداماتی را انجام دهد که به منافع محافظت شده از جانب شریعت و قانون آسیب برساند»^(۴)

ب) شرایط جرم تحریک

از خلال مفهوم جرم تحریک ملاحظه می کنیم که برای تشکیل این جرم باید چهار عنصر اساسی وجود داشته باشد که می توان آن را به شرح زیر بیان کرد:

اول: تشویق و پیشنهاد

« تحریک یک فرایند روانشناختی است که به موجب آن شخص تحریک کننده مخاطب خود را کنترل نموده، او را به مفکوره خاصی ترغیب می کند و آن را به وی می آموزد، و رویهمرفته مخاطب را به سمت آن مفکوره سوق داده و آن را برایش چنان ترئین می کند که در روان وی مستقر می شود و هدفی که محرک به دنبال آن است تحقق یافته و این مفکوره به یک فعالیت مجرمانه ای تبدیل میشود که توسط قانون منع گردیده و مجازات در پی دارد.

(۱) دهخدا: واژه تحریک.

(۲) همان منبع: واژه تحریک کردن.

(۳) ابراهیم: حرية الصحافة (ص: ۲۷۶).

(۴) النجار: الوسيط في تشريعات الصحافة (ص: ۲۹۱).

دوم: موضوع تحریک

منظور از موضوع تحریک همان هدفی است که تحریک کننده به دنبال دستیابی به آن است و این هدف ممکن است ارتکاب جرم، یا ترجیح دادن به آن و یا هم حمایت از عملی که منجر به آن می شود، باشد.

سوم: مخاطب

مخاطب کسی است که تحریک را دریافت می کند، خواه جمعیت و گروه باشد یا فرد. اگر عامه مردم تحریک را دریافت می کنند لازم نیست که همه مفکوره هایی را که محرک به دنبال ترویج آنها است، بپذیرند، و اگر فرد دریافت می کند پس باید مفکوره تحریک را بپذیرد، و همچنین لازم است جزئیات آنچه او مرتکب می شود مشخص گردد.

چهارم: قربانی

محرک به دنبال تحریک خود قصد دارد به افراد آسیب برساند و به منافع عمومی لطمه بزند و قربانی جرم تحریک اغلب دولت یا نظم عمومی بوده و بر اساس منافع تحت حمایت قانون متفاوت می باشد»^(۱) و در کل، جرم تحریک نیاز به سه شرط اساسی دارد که برای وقوع جرم باید رعایت شود، و این شرایط عبارتند از:

« ۱- تحریک باید مستقیم و بگونه ای باشد شخص دیگری به ارتکاب جرایم وادار شود.

۲- اینکه جرایم در نتیجه تحریک رخ بدهند.

۳- تحریک متوجه مخاطب خاص باشد»^(۲)

با نگاه به جرایم تحریک به عنوان یک جرم رسانه ای که از طریق رسانه های مختلف رخ می دهد، متوجه می شویم که این شرایط بدون شرط گذاری برآورده می شوند، این همان چیزی است که طبیعت رسانه ها مقتضی آن است بنابراین تحریک از طریق رسانه ها یک جرم محسوب می شود حتی اگر مستقیم و یا مشخص هم نباشد، برخلاف تحریک بین افراد، زیرا این نوع تحریک در صورتی جرم محسوب می شود که واجد این شرایط باشد.

د) مجازات جرم تحریک

۱- در شریعت

در صورتی که جرم تحریک با وجود عناصر تشکیل دهنده فوق الذکر آن تحقق یابد و مجرم قصد مجرمانه برای تحریک به ارتکاب جرم داشته باشد، مجرم مجازات می گردد البته مجازات تعزیری که امام یا مراجع مربوطه در تعیین آن نظر به شرایط حاکم، صاحب اختیار می باشند.

۲- در قانون

در کد جزای افغانستان ماده هایی در پیوند به تحریکات زیر آمده است:

- تحریک به جنگ داخلی

- تحریک به تبعیض یا تفرقه

- تحریک به خود کشی. که جزای هریکی از دیگر فرق می کند.

(۱) المهدی و غیره: جرائم الصحافة والنشر (ص: ۱۰۱-۱۰۳)، النجار: الوسيط في تشریعات الصحافة (ص: ۲۹۶-۲۹۷).

(۲) إبراهيم: حرية الصحافة (ص: ۲۷۶، ۲۷۷).

تحریک به جنگ داخلی

جزای این نوع تحریک قرار زیر آمده است:

۱- مجازات جرم مرتکبه؛

۲- حبس متوسط.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۲۵۴: (۱) شخصی که دیگری را به جنگ داخلی تحریک کند، در صورت وقوع نتیجه جرمی به مجازات جرم مرتکبه، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه تحریک مندرج فقره (۱) این ماده مؤثر واقع نگردد، مرتکب به حبس متوسط، محکوم می گردد»^(۱)

تحریک به تبعیض یا تفرقه

جزای این نوع تحریک قرار ریز آمده است:

۱- حبس متوسط؛

۲- حبس طویل تا هفت سال.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۲۵۶: (۱) شخصی که دیگری را به تبعیض یا تفرقه مذهبی، نژادی، قومی، زبانی یا منطقوی دعوت یا تحریک نماید، به حبس متوسط، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده منجر به نتیجه گردد یا با عنف و تهدید توأم باشد، مرتکب به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می گردد»^(۲)

تحریک به خود کشی

جزای این نوع تحریک قرار زیر آمده است:

۱- حبس طویل تا هفت سال؛

۲- حبس متوسط؛

۳- حبس قصیر.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۵۴۸: (۱) شخصی که دیگری را به خود کشی تحریک یا به نحوی از انحا در خود کشی وی کمک نماید و تحریک یا کمک منجر به خود کشی گردد، به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه در اثر عمل مندرج فقره (۱) این ماده، شخص معلول گردد، مرتکب به حبس متوسط محکوم می گردد.

(۳) هرگاه در اثر تحریک مندرج فقره (۱) این ماده، شروع به خود کشی صورت گرفته باشد محرک به حبس قصیر محکوم می گردد.

(۴) شروع کننده به خود کشی مجازات نمی گردد»^(۳)

(۱) کد جزا: ماده ۲۵۴.

(۲) همان منبع: ماده ۲۵۶.

(۳) همان منبع: ماده ۵۴۸.

مطلب پنجم: جرم توهین

توهین و اهانت به ساحات افراد و همچنین به مقدسات مورد دیگری است که رسانه ها با سوء استفاده از آزادی بیان به آن دست می یازند و احساسات توده های بزرگی جامعه را جریحه دار می کنند؛ بنابراین نیاز مبرم است تا جلوی این رویکرد خصمانه گرفته شود تا افراد جامعه از تعرض بی موجب به شخص خود و مقدسات شان مصون باشند، بمنظور توضیح بیشتر موضوع به شرح زیر می پردازیم.

الف) مفهوم توهین

۱- در لغت

معنای لغوی واژه "توهین" در لغتنامه دهخدا چنین آمده است: «توهین: [ت] سست کردن، سست گردانیدن، ضعیف گردانیدن، خوار کردن، خوار شمردن، خوارداشت، ضعیف و سست شمردن، حقیر و سبک داشتن، سبک داشت. توهین که معمولاً استخفاف و کوچک شمردن استعمال میشود در لغت به معنی ضعیف ساختن است و در زبان عربی بجای آن اهانت گویند، (ل) خواری و زبونی و ناتوانی و سستی، توقیر من به تحقیر و تعظیم به توهین بدل گردد»^(۱)

در لغتنامه معین چنین آمده است: «توهین: ۱- خوار کردن، خوار داشتن. ۲- سست کردن»^(۲)

و در عمید این گونه معنا شده است: «توهین: ۱- خوار و خفیف کردن. ۲- سست کردن. ۳- ضعیف کردن»^(۳)

۲- در اصطلاح

در فقره (۱) ماده ۶۷۸ کد جزا در مورد توهین چنین آمده است: «شخصی که به دیگری، امری را نسبت دهد که به اثر آن اعتبار یا حیثیت وی جریحه دار شود، گرچه متضمن استناد به یک واقعه معین نباشد، مرتکب جرم توهین اشخاص شناخته می شود»^(۴)

بنابراین توهین در اصطلاح عبارت است از: نسبت دادن امری به شخصی که در اثر آن اعتبار و حیثیت وی جریحه دار گردد.

ب) مجازات جرم توهین

۱- در شریعت

توهینی که ما در مورد آن صحبت می کنیم در شریعت اسلامی می تواند اشکال زیر را داشته باشد:

- ۱- توهین به مقدسات (خدا، پیامبران، ادیان و کتاب های آسمانی، شعائر دینی و رجال دین)
- ۲- اشخاص حقیقی.

بنابراین، باید گفت که مدار اعتبار در قسمت اینکه تعرض بر ادیان جرمی محسوب می شود که

(۱) دهخدا: واژه توهین

(۲) معین: واژه توهین.

(۳) عمید: واژه توهین.

(۴) کد جزا: ماده ۶۷۸.

پیگرد قانونی دارد، این است که مجرم مکلف و صاحب اختیار باشد، در صورت اثبات این امر، مجرم مجازات^(۱) متناسب به اندازه جرم ارتكابی، و به روشی را که موجب بازدارندگی از جرم شود، خواهد داشت.

پس وقتی شریعت اسلامی تعرض و تمسخر به ادیان را منع کرده، این امر مستلزم مجازاتی است که این نوع جرم را به گونه ای مهار کند که احساسات دیگران را حفظ نموده و آزادی ای را که شریعت اسلامی برای آنها تضمین کرده است، امکان پذیر سازد.

ناسزا گفتن به ذات الهی، توهین به پیامبران و تمسخر آنها کفر محسوب می شود، که شخص را از دین بیرون می کند^(۲)؛ خداوند متعال می فرماید:

﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ ۚ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ ۚ إِنَّ نَعْفَ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ يُعَذِّبُ طَائِفَةٌ بَأْتُهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ﴾^(۳)

و اگر آنان را بازخواست کنی، می گویند: ما فقط شوخی و بازی می کردیم. بگو: آیا الله، و آیات و فرستاده اش را به مسخره می گیرید؟ عذر و بهانه نیاورید؛ به راستی پس از ایمانتان، کفر ورزیده اید. اگر گروهی از شما را ببخشیم، گروه دیگری را عذاب می کنیم؛ چراکه مجرم بوده اند.

پس مجرم باید توبه کند تا خداوند از او در گذرد؛ زیرا خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ يُعَذِّبُ طَائِفَةٌ بَأْتُهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ﴾

اگر گروهی از شما را ببخشیم، گروه دیگری را عذاب می کنیم؛ چراکه مجرم بوده اند.

« خداوند گروهی را عفو خواهد کرد و این جز به توبه ممکن نیست، و اگر توبه نکند به اعدام مجازات خواهد شد و این همان چیزی است که فقها تصریح کرده اند »^(۴)

و برخی ها قائل^(۵) به تفاوت میان توهین به ذات الهی و توهین به پیامبر صلی الله علیه وسلم از نظر قبول توبه، اند. آنها می گویند: توهین به پیامبر صلی الله علیه وسلم مستلزم قتل بدون استتابه و توبه خواهی است، و این گفته خود را این گونه توجیه می کنند که حق انسان بدون عفو و گذشت او ساقط نمی شود، و پیامبر صلی الله علیه وسلم حضور ندارد تا از حق خود بگذرد، برخلاف توهین به خداوند متعال که اگر بنده توبه کند او از حق خود در نتیجه رحمت بیکران اش می گذرد، جایی که می فرماید:

(۱) مجازات این گونه تعریف می شود: جزایی که به هدف مصلحت جامعه در قبال عدم رعایت دستور شارع تعیین گردیده است، و از آنجا که هدف مجازات اصلاح فرد و حمایت از جامعه است، باید بر اساس اصولی باشد که به این هدف برسد، و مهمترین این اصول عبارتند از:

۱- مجازات به گونه ای باشد که همه را از ارتكاب جرم منع کند و بازدارندگی خاص برای مجرم و بازدارندگی عمومی برای دیگران در آن تحقق پیدا کند.

۲- اینکه مصلحت جامعه در ارزیابی مجازات از نظر شدت و خفت در نظر گرفته شود، پس اگر مصلحت به تشدید نیاز دارد، مجازات تشدید می شود و اگر به تخفیف نیاز دارد، تخفیف می یابد.

۳- میزان در نظر گرفتن مجازات به میزان دستیابی به رفاه افراد و جامعه بستگی دارد، بنابراین لازم نیست که مجازات مشخص و معین باشد، نگا: عودة: التشريع الجنائي (۱/۵۲۴)، الماوردی: الأحكام السلطانية (ص: ۲۰۶).

(۲) نگا: ابن نجیم: البحر الرائق (۵/۱۲۹)، الشربینی: مغنی المحتاج (۴/۱۳۳)، المطیعی: المجموع (۲۱/۵۸)، وما بعدها، ابن قدامة: المغنی (۸/۱۵۰).

(۳) سوره توبه: آیه ۶۵ و ۶۶.

(۴) ابن عثیمین: فتاوی العقیده (ص: ۱۵۷).

(۵) نگا: ابن رشد: البیان والتحصیل (۱۶/۴۱۳)، ابن عثیمین: فتاوی العقیده (ص: ۱۹۳).

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^(۱)

بگو: ای بندگان من که با زیاده روی در گناهان به خویشستن ستم کرده اید! از رحمت الله ناامید نباشید. بی گمان الله، همه ی گناهان را می آمرزد. به راستی که او، همان ذات آمرزنده و مهرورز است.

در مورد اهانت به ادیان، یا اهانت به خدایان و رجال دین (همچنین کتاب های آسمانی، شعایر دینی و اشخاص) بصورت عموم باید گفت که:

« هر که به ایشان توهین کند واجب است تا با جزای تعزیری ای که به امام سپرده شده است مجازات شود، پس او هر آنچه را که منع و بازدارندگی را تحقق بخشد انتخاب می کند، وی اختیار دارد از شلاق زدن، حبس کردن و توبیخ و سرزنش یکی را برگزیند، و همچنین می تواند با یک جزای نقدی وی را مجازات نماید »^(۲)

۲- در قانون

کد جزای افغانستان در ماده های مختلف خود انواع ذیل را در پیوند به توهین درج نموده است:

- توهین به ادیان و مذاهب اسلامی

- توهین اشخاص حقیقی

- توهین به اشخاص حکمی

- توهین به بیرق یا نشان دولتی

و نظر به انواع یاده شده توهین جزاهایی را تعیین نموده است که ذیلا به آنها می پردازیم.

توهین به ادیان

در این زمینه جزاهای زیر را تعیین نموده است:

۱- حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی؛

۲- جزای جرم قتل یا جرح عمدی مندرج این قانون؛

۳- حبس متوسط

۴- حبس قصیر

۵- حبس متوسط.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۳۲۳: شخصی که به یکی از ادیان عمدا، اهانت یا شعایر آنها را اخلاص یا معابد مجاز آنها را تخریب نماید، مرتکب جرم اهانت به ادیان شناخته شده، مطابق احکام مندرج این فصل، مجازات می گردد.

ماده ۳۲۴: (۱) اشخاص آتی به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می گردند:

۱- شخصی که برگزاری شعایر یا مراسم دینی یکی از ادیان را که مطابق احکام قانون انجام میدهند اخلاص نماید یا آن را معطل سازد.

۲- شخصی که معابد مجاز را که در آن شعایر دینی یکی از ادیان اجراء می گردد یا سایر علایم را که نزد پیروان آن محترم باشد، تخریب یا تلف نماید.

(۱) سوره زمر: آیه ۵۳.

(۲) الفضیلات: سقوط العقوبات (۴/۱۵۲، وما بعدها)، الماوردی: الأحکام السلطانیة (ص: ۲۳۶).

(۲) هرگاه به سبب ارتکاب جرم مندرج فقرة (۱) این ماده، قتل یا جراحت واقع گردد، مرتکب حسب احوال به جزای جرم قتل یا جرح عمدی مندرج این قانون، محکوم می گردد.
ماده ۳۲۵: (۱) شخصی که معتقدات یا احکام دین مقدس اسلام را توهین یا تحریف نماید، به حبس متوسط، محکوم می گردد.

(۲) شخصی که به پیرو یکی از ادیانی که مراسم دینی خود را در حدود احکام قانون اجراء می نماید بواسطه قول، فعل، کتابت یا سایر وسایل علنی توهین و تجاوز نماید، به حبس قصیر محکوم می گردد.

ماده ۸۷۱: شخصی که با استفاده از سیستم، برنامه یا اطلاعات کمپیوتری در فضای سایبر به ادیان و یا مذاهب اسلامی موجود در کشور اهانت نماید، به حبس متوسط، محکوم می گردد «(۱)

توهین به اشخاص حقیقی

در این زمینه جزاهای زیر را تعیین نموده است:

۱- جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی؛

۲- پنج هزار تا بیست هزار افغانی.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۶۷۸: (۱) شخصی که به دیگری، امری را نسبت دهد که به اثر آن اعتبار یا حیثیت وی جریحه دار شود، گرچه متضمن استناد به یک واقعه معین نباشد، مرتکب جرم توهین اشخاص شناخته می شود.

(۲) شخصی که دیگری را به الفاظ ناپسند وزشت مخاطب قرار دهد، مرتکب جرم دشنام، شناخته می شود.

(۳) مرتکبین مندرج فقره های ۱ و ۲) این ماده، مطابق احکام این فصل، مجازات می گردد.

ماده ۶۷۹: (۱) شخصی که دیگری را از طریق وسایل علنی توهین یا دشنام دهد، به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد.

(۲) شخصی که دیگری را توسط تلیفون یا ایمیل یا فکس یا وسایل الکترونیکی یا ارسال مکتوب و یا توسط شخص دیگری توهین یا دشنام دهد، به جزای نقدی از پنج هزار تا بیست هزار افغانی، محکوم می گردد «(۲)

توهین به اشخاص حکمی

در این زمینه جزای زیر را تعیین نموده است:

جزای نقدی سی هزار افغانی.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۶۷۹: (۳) شخصی که حکومت یا شورای ملی را توهین نماید، به جزای نقدی سی هزار افغانی، محکوم می گردد «(۳)

توهین به بیرق یا نشان دولتی

در این زمینه جزاهای زیر را تعیین نموده است:

۱- حبس قصیر

(۱) کد جزا: ماده های ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵ و ۸۷۱.

(۲) همان منبع: ماده ها ۶۷۸ و ۶۷۹.

(۳) همان منبع: فقره ۳، ماده ۶۷۹.

۲- حبس قصیر شش ماه

۳- حبس متوسط.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۲۶۰: (۱) شخصی که طور علنی به بیرق یا نشان دولت جمهوری اسلامی افغانستان توهین نماید، به حبس قصیر، محکوم می گردد.

(۲) شخصی که بیرق دولت جمهوری اسلامی افغانستان را به قصد توهیند فرود آورد، به حبس قصیر شش ماه، محکوم می گردد.

(۳) شخصی که بیرق دولت جمهوری اسلامی افغانستان را به قصد توهین پاره کند، بسوزاند یا زیر پا نماید، به حبس متوسط، محکوم می گردد «(۱)

مطلب ششم: جرم حمله به حریم زندگی خصوصی

در لابلای زندگی فردی و اجتماعی هر کس از خود اسرار محرمانه ای دارد که نمی خواهد هیچ کسی بر آن اطلاع پیدا کند و این امر حق مسلم او از دید شریعت و قانون محسوب می شود ولی بعضی از رسانه ها به خاطر چاق کردن بسته های خبری خود حریم خصوصی برخی از مردم را در معرض استراق قرار می دهند که این کار در ذات خود یک تخطی آشکار به حساب می آید، در سطور آتی مفصلاً از دید فقه اسلامی و قوانین افغانستان به این موضوع می پردازیم.

الف) مفهوم حریم خصوصی

۱- در لغت

حریم خصوصی واژه ای مرکب از دو کلمه حریم و خصوصی است که « حریم از سه حرف اصلی ح ر م تشکیل شده و یکی از مشتقات حَرَم می باشد «(۲)

به همین ترتیب «عرب جاهلی به هنگام طواف کعبه برهنه طواف می کردند؛ به همین علت، آن لباس را حریم می نامیدند؛ چون پوشیدن آن را در هنگام طواف، حرام می دانستند «(۳) بنابراین، حریم معنای حرمت داشتن و ممنوعیت را افاده می کند.

و معنای کلمه خصوصی در لغتنامه دهخدا چنین آمده است: « خصوصی: [خ] (نسبی) مقابل عمومی.

- اطاق خصوصی: اطاقی که مخصوص فردی باشد و دیگری را بدان حق نباشد.

- جلسه خصوصی: اصطلاحی است و درباره جلساتی گفته می شود که غیر از اعضای تشکیل دهنده آن کسی دیگر در آن حضور ندارد، مقابل جلسه عمومی.

- کلاس خصوصی: درسی که معلمان بطور خاص بشاگردان دهند و در آن شاگردان دیگر شرکت ندارند، مقابل درس عمومی «(۴)

پس معنای حریم خصوصی حرمت و ممنوعیتی که مربوط شخص می شود، است.

(۱) کد جزا: ماده ۲۶۰.

(۲) معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۶.

(۳) العین، ج ۳، ص ۲۲۱؛ تاج العروس، ج ۱۶، ص ۱۳۵.

(۴) دهخدا: واژه خصوصی.

۲- در اصطلاح

حریم خصوصی و خلوت، اصطلاحی است که به صورت مکرر در محاورات عامیانه و همچنین در مباحثات حقوقی، سیاسی و فلسفی مورد استفاده قرار می گیرد.

« در قطعنامه کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۶۷ آمده است، حق خلوت (حریم خصوصی) عبارت است از: حق یک شخص که آزادانه و با حداقل دخالت، آن طور که میل دارد، می تواند زندگی بکند. و همچنین در این قطعنامه آمده است: حق فرد بشر است که زندگی بکند آن طور که قصد دارد و حمایت شود در مقابل:

- ۱- هر گونه مداخله در زندگی خصوصی خانوادگی و داخلی او
 - ۲- هر گونه تعرض به سلامت جسمی یا روحی و به آزادی اخلاقی یا معنوی او
 - ۳- هر گونه تعرض به شهرت و شرافت او
 - ۴- هر گونه تفسیر مضری که از گفته ها و اعمال او بشود
 - ۵- افشای بی موقع امور ناراحت کننده مربوط به زندگی خصوصی او
 - ۶- استفاده از اسم، هویت و عکس او
 - ۷- هرگونه فعالیت به منظور جاسوسی درباره او، در کمین نشستن، او را تحت نظر قرار دادن و عرصه را بر او تنگ کردن
 - ۸- توقیف مکاتبات او
 - ۹- استفاده سوء از مخابرات کتبی یا شفاهی او
 - ۱۰- افشاء اطلاعاتی که او داده یا گرفته، بر خلاف قاعده حفظ اسرار مربوط به شغل و حرفه «(۱)
- بر این اساس، می توان حریم خصوصی را قرار زیر تعریف کرد: حریم خصوصی عبارت از رازهای محرمانه در زندگی شخصی یک فرد است که او نمی خواهد دیگران بر آن مطلع گردند.

ب) تعرض و حمله بر حریم خصوصی

انسان در زندگی خود یک سری آزادی های شخصی دارد که باید از تعرض و حمله دیگران مصون بمانند.

« از جمله آزادی های شخصی: آزادی فکری، آزادی مسکن، آزادی گشت و گذار، حق امنیت و محرمانه بودن مکاتبات و گفتگوها است «(۲)

اسلام به انسان این آزادی را داده است که نظر و فکر خود را ابراز کند، و درعین حال آن را در چارچوب عدم تعرض به ساحات دیگران یا حمله به آنها از طریق رسانه های مختلف قرار داده است. حمایت از زندگی خصوصی حق هر شخصی است که باید از افشا شدن آن جلوگیری به عمل آید؛ بنابراین باید به حریم خصوصی وی احترام گذاشته شود.

علی رغم اهتمام اسلام به تأمین حقوق شخصی افراد، کسانی هستند که سعی می کنند به این حقوق و آزادی ها نفوذ کرده و به صاحبان آنها حمله کنند.

(۱) متین دفتری، حقوق بشر و حمایت بین المللی از آن: ۱۱۳-۱۱۲

(۲) البیانی: النظام السياسي الإسلامي (ص: ۱۲۱).

ج) دیدگاه شریعت اسلامی

حریم خصوصی انسان ها از دید شریعت محترم شمرده می شود؛ بنابراین، نباید کارکنان حوزه رسانه ای نباید این عرصه شوند، الله متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾^(۱)
ای مؤمنان! از بسیاری از گمان های بد بپرهیزید که بی شک برخی از گمان ها، گناه است. و به کنجکاوی و تجسس (در کارهای دیگران) نپردازید و از یکدیگر غیبت نکنید.
« این آیه واضحاً بر منع جاسوسی دلالت دارد؛ زیرا جاسوسی حرمت زندگی خصوصی را نقض و عیب های مسلمانان را دنبال می کند »^(۲)

و « نهی از جاسوسی عام است، خواه در اثر علاقه به کنجکاوی باشد یا برای کشف موارد خصوصی و محرمانه، بنابراین هر جاسوسی ای که این گونه باشد حرام و ممنوع است، چه رسد به آنکه جاسوسی از این حد فراتر برود که شخص جاسوس آن را از طریق رسانه های مدرن منتشر و افشا کند »^(۳)

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده است که ایشان فرمودند:
«إياكم والظن فإن الظن أكذب الحديث، ولا تجسسوا ولا تحسسوا ولا تناجشوا، ولا تحاسدوا، ولا تباغضوا، ولا تدابروا، وكونوا عباد الله إخوانا»^(۴)

یعنی: از ظن و گمان بر حذر باشید؛ زیرا ظن دروغترین سخن است و جاسوسی نکنید، دنبال اخبار دیگران نگردید، بیع بالا نکنید، با یکدیگر کینه نوزید، از هم نفرت نکنید، به یکدیگر پشت نگردانید و ای بندگان خدا! باهم برادر باشید.

اسلام برای انسان حرمت خانه اش را حفظ کرده و تلاش برای شنود و دید دزدکی از منافذ دروازه را به هدف افشای اسرار افراد خانه، ممنوع قرار داده است، حتا « نظر به قول راجح علما، دیه کسانی که در اثر زیرچشمی نگاه کردن از سوراخ های دروازه آسیب می بینند، هدر می رود »^(۵)

ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
« لو أن امرأ اطلع عليك من غير إذن فحذفتك بعصاة، ففقت عينه، لم يكن عليك جناح »^(۶)
یعنی: اگر شخصی بدون اجازه به (خانه) تو نگاه کند و آن را با چوب دسته ای از میان برداری و چشم او را بیرون بیاوری، بر تو گناهی نیست.

د) مجازات تعرض و حمله بر حریم خصوصی

۱- در شریعت

در این زمینه باید گفت که مصلحت جامعه مستلزم آن است که مجرم مجازات شود تا دیگران از ارتکاب چنین عملی باز آمده، و همه از حق امنیت خود بهره مند شوند، زیرا اساساً هر فردی در

(۱) سوره حجرات: آیه ۱۲.

(۲) الألوסי: روح المعاني (۱۴/۲۳۶)، القرطبي: الجامع لأحكام القرآن (۱۶/۲۱۹).

(۳) الدغمي: التجسس وأحكامه في الشريعة الإسلامية (ص: ۱۴۰، ۱۴۱).

(۴) صحيح البخاري: ج ۸، ص ۱۹.

(۵) الدغمي: التجسس وأحكامه (ص: ۱۴۳)، دیدگاه فقها در رابطه به حکم کسی که چشم شخصی را که استراق بصر کرده است، کور می کند، متفاوت است که آیا بر وی تاوانی است یا خیر؟ ولی آنچه نظر به این حدیث راجح است عدم ضمان و تاوان می باشد.

(۶) صحيح البخاري: ج ۹ ص ۱۱.

زندگی شخصی خود آزاد بوده و زندگی وی از دید دیگران مخفی و پنهان می باشد، پس اگر شخصی در خانه خود مرتکب گناهی شده و خود را از دیگران پنهان کند، در این صورت پیگیری اخبار مربوط به او برای شخص دیگری جایز نیست، مگر اینکه یقین داشته باشد که می تواند جرم را قبل از وقوع اصلاح و جبران کند و از آن جلوگیری نماید، مانند جرایم زنا و قتل، و آن هم بگونه ای باشد که از حدود شرعی تجاوز نکند.

و اما آنچه که قابل جبران نیست، پس ستر صاحب آن و عدم افشاء و پخش آن واجب است، چنانچه از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که وی گفت، من از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود:

« كل أمتي معافى إلا المجاهرين، وإن من المجاهرة أن يفعل الرجل بالليل عملاً ثم يصبح وقد ستره الله عليه، فيقول: يا فلان عملت البارحة كذا وكذا، وقد بات يستره ربه ويصبح يكشف ستر الله عنه»^(۱)

یعنی: همه امت من معاف اند، مگر کسانی که گناه را علنی انجام می دهند، و از جمله انجام دادن علنی گناه است اینکه مردی شب کاری را انجام دهد، سپس صبح در حالی بلند شود که خداوند او را پوشانیده، اما او بگوید: ای فلان! من دیشب چنین و چنان کردم، و شب در حالی بخواب رفته که پروردگارش او را ستر می کرده است، ولی صبح بلند می شود و پرده ستر خداوندی را از روی خود برمیدارد.

این حدیث دال بر این است که هر کسی که مرتکب گناهی می شود باید خود را پنهان کرده و راز خود را فاش نکند، زیرا حدیث شخصی را که علناً مرتکب گناه شده است محکوم می کند، و این امر مستلزم ستایش کسی است که گناهش را پنهان می کند، بنابر این، هرکس قصد آشکار کردن گناه و برملا سازی آن را کند، در واقع پروردگار خود را بخشم می آورد، و هر کس که گناه خود را پنهان کند، از سبکساری در حق خداوند متعال و حق جامعه و از اجرای مجازات حدی یا تعزیری در امان می ماند.

این در مورد شخصی است که اسرار خود را آشکار می کند، پس حال کسی که اسرار دیگران را آشکار و افشا می کند، چه خواهد بود؟!

وقتی این واضح گردید، پس باید گفت که مجازات مقرر در قبال این نوع جرم مجازات تعزیری می باشد که به امام و حاکم واگذار شده است، بنابراین وی آنچه را که متناسب با میزان آسیب وارد شده به دیگران باشد، انتخاب می کند، پس ممکن است او با یکی از حبس، تبعید، اعراض از مجرم و توبیخ و تشهیر وی، و همچنین ممکن است با جریمه مالی او را مجازات کند^(۲).

(۱) صحیح البخاری: ج ۸، ص ۲۰.

(۲) مجازات را می توان به شرح زیر تقسیم کرد: ۱- مجازات بدنی، مانند: اعدام و جلد (شلاق زدن). ۲- مجازات مالی، مانند: جریمه نقدی و مصادره. ۳- مجازات وارده بر حقوق، مانند: محرومیت از مناصب عمومی. ۴- مجازات وارده بر اعتبار و جایگاه، مانند: تشهیر مجرم و نشر حکم در روزنامه ها. ۵- مجازاتی که آزادی را سلب یا محدود می کند، مانند: اعمال شاقه، زندانی شدن یا حبس خانگی و تبعید. نگا: الجوهری: النظرية العامة للجزاء الجنائي (ص: ۶۳)، راشد: دروس القانون الجنائي (ص: ۵۳۷، وما بعدها)، العاني وغيره: علم الإجرام والعقاب (ص: ۲۶۲، وما بعدها)، الفضيلات: سقوط العقوبات (۴/۱۵۲، وما بعدها)، ابن القيم: موسوعة الأعمال الكاملة (۶/۵۴۷)، الماوردی: الأحكام السلطانية (ص: ۲۳۶).

بر این اساس، مجازات با توجه به تفاوت حمله بر حریم زندگی خصوصی، فرق می کند، در برخی از موارد می توان آن را تشدید بخشید، به گونه ای که زجر و بازدارندگی نظر به درجه شدت هر مورد متحقق شود^(۱).

۲- در قانون

کد جزای افغانستان در پیوند به مجازات تعرض به حریم خصوصی افراد در یک سری ماده های خود جزاهایی را گنجانیده که قرار ذیل می باشند:

شنود و افشاء اسرار شخصی

در این زمینه جزاهای زیر را تعیین نموده است:

- ۱- جزای نقدی ده هزار افغانی
 - ۲- ده هزار تا سی هزار افغانی
 - ۳- حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی
 - ۴- حبس متوسط بیش از سه سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و هشتاد هزار افغانی.
- چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۶۲۹: (۱) شخصی که به مکالمه مخابراتی دیگری بدون اجازه گوش دهد یا آن را ثبت نماید، به جزای نقدی ده هزار افغانی، محکوم می گردد.

(۲) شخصی که اسراری را که توسط تلیفون یا ایمیل یا فکس یا مکتوب ارسالی یا به هر طریق دیگری به آن آگاهی حاصل کرده است به قصد وارد نمودن ضرر به دیگری افشاء کند، به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد.^(۲)

ماده ۸۶۸: (۱) شخصی که به وسیله سیستم کمپیوتری یا مخابراتی، صوت یا تصویر یا فلم خصوصی دیگری را بدون رضایت و علم وی در فضای سایبر منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ایجاد ضرر مادی یا معنوی یا موجب هتک حیثیت وی شود، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی، محکوم می گردد.

(۲) شخصی که به وسیله سیستم کمپیوتری یا مخابراتی، فلم یا صوت یا تصویر خصوصی دیگری را تغییر دهد یا تحریف یا منتشر کند یا آن را با وجود آگاهی از تغییر یا تحریف، نشر کند به نحوی که موجب هتک حیثیت وی شود، به حبس متوسط بیش از سه سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و هشتاد هزار افغانی، محکوم می گردد «^(۳)

افشاء رمز دسترسی کامپیوتر

در این زمینه جزاهای زیر را تعیین نموده است:

- ۱- جزای نقدی دو چند منفعت حاصله یا ضرر وارده؛
 - ۲- جزای نقدی از شصت هزار تا سه صد هزار افغانی.
- چنانچه تصریح می دارد:

(۱) یکی از خصوصیات مجازات: ملایم بودن و متناسب بودن آن با شدت جرم است، و همچنین باید عمومیت داشته باشد؛ تا همه در برابر آن مساوی باشند و به گونه ای باشد که مصلحت عمومی را تحقق بخشیده و از ارتکاب جرم جلوگیری کند و زجر و بازدارندگی را برای مجرم بوجود بیاورد، نگا: حوری: الجريمة أسبابها ومکافحتها (ص: ۱۶۵)، أبو زهرة: الجريمة في الفقه الإسلامي (ص: ۱۶۶)، أبو لیل: فلسفة التشريع الجنائي في الإسلام (ص: ۵۴۰)، المشهداني: أصول علمي الإجرام والعقاب (ص: ۱۱۳).

(۲) کد جزا: ماده ۶۲۹.

(۳) همان منبع: ماده ۸۶۸.

« ماده ۸۵۵: (۱) هرگاه شخصی رمز دسترسی (پاسورد یا کود) یا دیگر وسایل کسب دسترسی برنامه یا اطلاعات سیستم کمپیوتری را به صورت غیر مجاز افشاء کند، به جزای نقدی دو چند منفعت حاصله یا ضرر وارده، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده در رابطه به سیستم، برنامه یا اطلاعات زیر بنایی دولتی ارتکاب یابد، مرتکب به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می گردد»^(۱)

افشاء معلومات و سوء استفاده از هویت

در این زمینه جزاهای زیر را تعیین نموده است:

۱- حبس قصیر؛

۲- مجازات جرم مرتکبه یا حبس متوسط، یا هر کدام که بیشتر باشد.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۸۶۶: (۱) شخصی که بدون مجوز قانونی و بمنظور ایجاد ضرر، معلومات هویت شخص دیگری را که به آن دسترسی دارد یا آن را از سایر طرق بدست آورده، با داشتن سوءنیت در فضای سایبر افشاء نماید، به حبس قصیر، محکوم می گردد.

(۲) شخصی که عمدا معلومات مندرج فقره (۱) این ماده را بمنظور ارتکاب جرایم جنایت یا جنحه سوء استفاده نماید، به مجازات جرم مرتکبه یا حبس متوسط، یا هر کدام که بیشتر باشد، محکوم می گردد»^(۲)

باج گیری سایبری

در این زمینه جزاهای زیر را تعیین نموده است:

۱- حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی یا به هردو جزا؛

۲- حبس متوسط.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۸۶۹: (۱) شخصی که با استفاده از سیستم برنامه یا اطلاعات کمپیوتری، در فضای سایبر، صوت یا تصویر یا فلم خصوصی دیگری را بدست آورده و شخص را به نشر آن در فضای سایبر در مقابل اخذ منفعت تهدید نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی یا به هردو جزا، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده سبب ضرر جسمی یا معنوی شدید به شخص گردد، مرتکب به حبس متوسط، محکوم می گردد»^(۳).

مطلب هفتم: جرم قذف

قذف کردن نیز از جمله مواردی می باشد که امروزه از طریق رسانه ها رواج پیدا کرده است، قذف همان گونه که در حالات عادی یک جرم و گناه بزرگ است از طریق رسانه ها نیز از پیگرد شرعی و قانونی عاری نیست، برای شرح بیشتر موضوع را قرار زیر دنبال می کنیم:

(۱) کد جزا: ماده ۸۵۵.

(۲) همان منبع: ماده ۸۶۶.

(۳) همان منبع: ماده ۸۶۹.

الف) مفهوم قذف

۱- در لغت

معنای لغوی کلمه قذف در لغتنامه دهخدا چنین آمده است: « قذف؛ [ق] ... سنگ انداختن، گویند: قذف بالحجارة قذفاً؛ سنگ انداخت، به زنا بازخواندن، گویند: قذف المحصنة؛ به زنا بازخواند و متهم کرد زن محصنة را، به فحش دشنام دادن»^(۱)

همچنین «قذف در لغت: بمعنای پرتاب سنگ و امثال آن بوده، سپس در پرتاب (نسبت دادن) چیزهای ناخوشایند به دلیل شباهتی که میان سنگها و چیزهای ناخوشایند در تأثیر گذاری وجود دارد، بکار گرفته شده است؛ زیرا در هر یک از آنها آسیب وجود دارد، بنابراین، قذف آسیب گفتاری است، و فریه بکسر فا هم نامیده می شود - گویی از افترا و دروغ گرفته شده باشد»^(۲)

بنابراین، قذف در لغت به معنای انداختن، پرتاب کردن و هدف قرار دادن می آید.

۲- در اصطلاح

قذف در الفقه الاسلامی و أدلته چنین تعریف شده است: « هو نسبة آدمي غيره لزنا، أو قطع نسب مسلم»^(۳) یعنی عبارت است از: نسبت دادن انسانی کسی را به زنا یا قطع نسب ثابت.

کد جزای افغانستان در فقرة (۱) ماده (۶۷۳) خود قذف را قرار ذیل تعریف نموده است: « قذف عبارت است از نسبت دادن ارتکاب فعل زنا یا نفی نسب به شخص توسط یکی از وسایل علنی به نحوی که اگر صدق می داشت شخصی که تهمت به او نسبت داده شده، به جزا محکوم می گردید یا به نزد مردم تحقیر می شد»^(۴)

ب) دیدگاه شریعت اسلامی

قذف زنان پاکدامن از دید اسلام حرام بوده و از گناهان کبیره محسوب می شود که صاحب آن را به هلاکت کشانیده و او را در آتش جهنم فرو می برد، از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: « اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: الشِّرْكَ بِاللَّهِ، وَالسِّحْرُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الزَّحْفِ، وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْغَافِلَاتِ »^(۵) از هفت گناه هلاک کننده بپرهیزید، گفتند: ای رسول خدا! اینها کدام اند؟ گفت: شریک گرفتن با خدا، جادو کردن، کشتن نفسی که خداوند جز به حق آن را حرام کرده است، سود خواری، خوردن مال یتیم، فرار در روز جنگ و قذف زنان مومن، پاکدامن و بی خبر.

عرض و نسل از جمله ضروریات پنجگانه ای است که اسلام برای حفظ آن آمده است، احکام زیادی در اسلام برای جلوگیری از تجاوز به عرض و آبرو وضع گردیده و خداوند متعال کسانی را که به زنان پاکدامن قذف (تهمت) می زنند لعنت کرده است، الله متعال می فرماید:

(۱) دهخدا: واژه قذف.

(۲) الزحيلي: الفقه الاسلامی و أدلته، ج ۷، ص ۵۳۹۶.

(۳) همان منبع: ج ۷، ص ۵۳۹۶.

(۴) کد جزا: ماده ۶۷۳.

(۵) صحيح البخاري، ج ۴، ص ۱۰.

﴿ إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴾^(۱)

بی گمان کسانی که به زنان پاک دامن، مومن و بی خبر از بدکاری، تهمت می زنند، در دنیا و آخرت نفرین شدند و عذاب بزرگی (در پیش) دارند، روزی که زبان ها و دستان و پاهایشان بر ضد آنان به اعمالی که مرتکب می شدند، گواهی می دهند، در آن روز الله، سزای قطعی و ثابتشان را به آنها می دهد و خواهند دانست که الله، همان پروردگار راستین و ظاهر است.

بنابراین، هرکس به زنان پاکدامن تهمت بزند در دنیا و آخرت از رحمت خداوند رانده می شود و خداوند متعال این گونه مردم را به عذاب بزرگی تهدید کرده است.

و پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: « كل المسلم على المسلم حرام، دمه وماله وعرضه »^(۲)

همه چیز مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است، خون، مال و عرض و آبرویش.

ج) انواع قذف

۱- صریح و جاری مجرای صریح

صریح یعنی: کسی را به لفظ صریح زنا قذف نماید مانند: زانی، زانیه، پسر زانی، و پسر زانیه. جاری مجرای صریح یعنی: نسب کسی را از پدرش نفی کند، مانند: تو از پدرت نیستی.

۲- تعریض و کنایه

تعریض یعنی: به کسی بگوید تو زانی نیستی؟، مردم ترا به زنا نمی شناسند؟ و و کنایه یعنی: اینکه الفاظ مشترک به کار ببرد، مانند: به زنی بگوید فلان کس با تو مقاربت حرام انجام داده و مقاربت حرام در میان زنا و غیر آن مشترک است.

یا اینکه به کسی نزد احناف لوطی خطاب کند و یا به کسی نزد شوافع فاجر خطاب کند.^(۳)

د) مجازات قذف

۱- در فقه

در قذف صریح و جاری مجرای صریح علما اتفاق نظر دارند که حد لازم می شود، اما در تعریض و کنایه قرار ذیل باهم اختلاف دیدگاه دارند:

احناف می گویند: در نتیجه تعریض و کنایه حد لازم نمی شود. مالکی ها می گویند: تعریض اگر در نتیجه مشاجره لفظی باشد که به قراین از آن قذف دانسته شود و همچنان اگر از کنایه نظر به استعمال قذف فهمیده شود مستلزم حد است.

شوافع می گویند: تعریض به سان کنایه اگر توضیح داده شود، حد لازم می گردد. اما از حنابله در زمینه چند روایت نقل شده، در یکی قول بر این است که در تعریض حد لازم نمی شود ولی در

(۱) سوره نور: آیه ۲۳ - ۲۵.

(۲) صحیح مسلم: ج ۴، ص ۱۹۸۶.

(۳) نکا: الفقه الاسلامی وأدلته: ج ۷، ص ۵۳۹۸ - ۵۴۰۳.

دیگری آمده که حد لازم می شود. اما قذف به لواط غیر از احناف نزد دیگر مذاهب مستلزم حد است.^(۱)

اندازه حد قذف

« حد قذف طبق نص آیه (قرآن کریم) هشتاد ضربه شلاق تعیین شده است و شامل مجازات تادیبی دیگری نیز است که عبارت است از رد شهادت و تفسیق؛ بنابراین شهادت وی نزد غیر احناف پس از آن پذیرفته نمی شود مگر اینکه توبه کند »^(۲)

اما « هر که به دلیل عدم احصان مقذوف یا تعریض در قذف نظر به اختلاف گذشته، حد بر وی تطبیق نشود، مجازات تعزیری می شود؛ زیرا به کسی آسیب رسانیده که صدمه زدن به او جایز نیست »^(۳)

۲- در قانون

کد جزای افغانستان در قبال جرم قذف جزای ذیل را تعیین نموده است:

۱- حد قذف مطابق فقه حنفی

۲- حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی

۳- حد اکثر حبس قصیر.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۲: (۱) این قانون جرایم و جزای تعزیری را تنظیم می نماید.

(۲) مرتکب جرایم حدود، قصاص و دیت مطابق احکام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات می گردد.

ماده ۶۷۳: (۲) هرگاه در جرم قذف شرایط تطبیق جزای حد موجود نگردد یا به علت شبهه و یا یکی از اسباب دیگر حد قذف ساقط گردد، مرتکب، تعزیرا به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می گردد.

(۳) هرگاه به اثر ارتکاب جرم مندرج فقره (۱) این ماده به حیثیت شخص یا خانواده وی طوری صدمه وارد گردد که ممانعت را در ازدواج دختر یا زن به وجود آورد، مرتکب با حداکثر حبس قصیر محکوم می گردد »^(۴).

مطلب هشتم: جرم دشنام

دشنام دادن و ناسزا گفتن بدور از عفت کلام بوده و در تعاملات روزمره کار زشتی است چه رسد به این که از طریق رسانه ها صورت بگیرد، ازین رو در کشورهای مختلف جهان به هدف جلوگیری از ناسزا گفتن و دشنام دادن به مردم از طریق رسانه های همگانی قوانین وضع گردیده است، شریعت اسلامی نیز تاختن به ساحات دیگران را از اصل و اساس مردود می داند و همچنین قوانین جمهوری اسلامی افغانستان در لای خود چیزهایی را در زمینه گنجانیده است که به آن می پردازیم.

(۱) نگا: الفقه الاسلامي وأدلته: ج ۷، ص ۵۴۰۱ - ۵۴۰۳.

(۲) همان منبع، ج ۷، ص ۵۳۹۶.

(۳) همان منبع، ج ۷، ص ۵۴۰۷.

(۴) کد جزا: ماده های ۲ و ۶۷۳.

الف) مفهوم دشنام

۱- در لغت

معنای لغوی کلمه دشنام در لغتنامه دهخدا چنین آمده است: « دشنام: [دُ] مرکب (از: دش = دژ، بد + نام) لغۀ به معنی اسم بد، در پهلوی دوشنام به معنی با نام بد، شهرت بد، در اصل دشت نام است، دُشت به معنی زشت و نام عبارت از القاب و خطاب، نام زشت و فحش و سرزنش و طعنه و بهتان و لعنت، با لفظ گفتن و کردن و دادن و زدن و فرستادن و کشیدن مستعمل است»^(۱)

« دشنام، (اسم) [پهلوی: dušnām] «دژنام» نام زشت؛ حرف زشت؛ سخن ناسزا؛ فحش»^(۲) و مترادف دشنام در عربی کلمه سب می آید و در مورد معنای این کلمه علامه ابن منظور رحمه الله می گوید: « سب به معنای شتم (ناسزا گفتن) است»^(۳)

علامه راغب اصفهانی رحمه الله می گوید: « سب یعنی: الشتم الوجیع (ناسزا گفتن تند)»^(۴) و شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید: « سب یعنی: إهانةٌ واستخفاف (تحقیر و سبک سازی)»^(۵) بنابراین، معنای دشنام در لغت فحش و ناسزا گفتن می آید.

۲- در اصطلاح

در اصطلاح دشنام و فحش عبارت است از: « نسبت دادن نام ها و لقب ها و نسبت های زشت و ناروا به افراد یا اشیاء که با انگیزه دفع عصبانیت یا انتقام جویی و یا حتی از سر عادت صورت می گیرد»^(۶)

ب) دیدگاه شریعت اسلامی

اسلام به عنوان دینی کامل و جامعی که همه انسان ها را به خوبی ها و زیبایی ها دعوت می کند و از همه بدی ها و زشتی ها باز می دارد و از آن ها نهی می کند، از دشنام دادن و بدزبانی به شدت نهی می کند و از آن به عنوان عملی قبیح و ناپسند یاد می کند.

در این بخش به تعدادی از آیات و احادیث موجود در این زمینه می پردازیم.

آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارند که دشنام دادن و بدزبانی را مذمت کرده اند از جمله الله متعال می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴾^(۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را استهزا کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نه زنانی از زنان دیگر شاید آنان بهتر از اینان باشند، و یکدیگر را مورد طعن و

(۱) دهخدا: واژه دشنام.

(۲) عمید: واژه دشنام.

(۳) لسان العرب: ج ۱، ۴۵۵.

(۴) المفردات للراغب الإصفهانی: ۲۲۰.

(۵) الصارم المسلول لشیخ الإسلام ابن تیمیة: ص ۵۱۹.

(۶) حامد مصطفی پور: دشنام (<https://onlinehawzah.com>)

(۷) سوره حجرات آیه ۱۱.

عيجوئی قرار ندهید، و با القاب زشت و ناپسند یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی بعد از ایمان نام کفر بگذارید، و آنها که توبه نکنند ظالم و ستمگرند.

و همچنین می فرماید:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^(۱)

و معبودانی را که کافران به جای خدا می پرستند، دشنام ندهید، که آنان هم از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام خواهند داد. این گونه برای هر امتی عملشان را آراستیم [تا به کیفر لجابت و عنادشان گمان کنند که آنچه انجام می دهند نیکوست] سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود، پس آنان را به اعمالی که همواره انجام می دادند، آگاه می کند.^(۲)

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «سباب المسلم فسوق و قتاله کفر»^(۳) دشنام دادن مسلمان فسق و جنگ با او کفر است.

علامه بدرالدین عینی رحمه الله در شرح این حدیث چنین می نویسد: (فسوق) یعنی: خروج از طاعت الله متعال، (وقتاله) یعنی: رویارویی و جنگ حقیقی یا مشاجره لفظی و (کفر) یعنی: کفران حقوق مسلمانان یا (به معنای کفر ولی) با قید حلال دانستن.^(۴)

ج) مجازات جرم دشنام

۱- در فقه

در قبال جرم دشنام و ناسزا گفتن در فقه اسلامی جزای مشخصی نیامده است، البته جزای تعزیری دارد که امام و مراجع ذی ربط تجویز می نمایند.

۲- در قانون

کد جزای افغانستان در قبال جرم دشنام و ناسزا گفتن جزاهای ذیل را تعیین نموده است:

۱- جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی؛

۲- جزای نقدی از پنج هزار تا بیست هزار افغانی.

چنانچه تصریح می دارد:

«ماده ۶۷۸: (۲) شخصی که دیگری را به الفاظ ناپسند و زشت مخاطب قرار دهد، مرتکب جرم دشنام، شناخته می شود.

(۳) مرتکبین مندرج فقره های ۱ و ۲) این ماده، مطابق احکام این فصل، مجازات می گردد.

ماده ۶۷۹: (۱) شخصی که دیگری را از طریق وسایل علنی توهین یا دشنام دهد، به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد.

(۲) شخصی که دیگری را توسط تلفون یا ایمیل یا فکس یا وسایل الکترونیکی یا ارسال مکتوب و یا توسط شخص دیگری توهین یا دشنام دهد، به جزای نقدی از پنج هزار تا بیست هزار افغانی، محکوم می گردد»^(۵).

(۱) سوره انعام آیه ۱۰۸.

(۲) سوره انعام آیه ۱۰۸.

(۳) صحیح البخاری: ج ۸، ص ۱۵.

(۴) عمدة القاری شرح صحیح البخاری: ج ۲۲، ص ۱۲۳.

(۵) کد جزا: ماده های ۶۷۸ و ۶۷۹.

مطلب نهم: جرم اشاعه فحشاء

پخش و انتشار فحشاء و عریانگری از طریق رسانه ها در عصر حاضر به یکی از نشانه های فرهنگی بودن عوض شده است که همه روزه خواسته و ناخواسته بسیاری ها را به کام فلاکت و بی بند و باری کشانیده و فروپاشی خانواده ها را رقم می زند، در سطور ذیل به شرح این موضوع می پردازیم:

الف) مفهوم اشاعه فحشاء

۱- در لغت

در رابطه به معنای لغوی کلمه اشاعه لغتنامه دهخدا چنین می نویسد: « اشاعه، [ا غ] اشاعه، اشاعت ... آشکارا کردن، فاش و آشکار کردن خبر و جز آن، اشعته و اشعت به، ای: اذعته و اظهرته، و هر راز که ثالثی در آن محرم نشود، هرآینه از اشاعت مصون ماند، اشاعه فحشاء... پاشیدن، پراکنده کردن »^(۱)

و در پیوند به فحشاء می نویسد: « فحشاء، [ف ف] معصیت زشت، بدی که از حد درگذرد، زشت کاری، هو ما یفرعنه الطبع السلیم و یستنقصه العقل المستقیم، زنا، نابکاری، بی فرمانی، زفتی در اداء زکات، فاحشه »^(۲)

منظور از اشاعه، انتشار است، حتی اگر به قصد ترویج و تبلیغ هم انجام نگیرد. فخر رازی رحمه الله در این باره می نویسد: « معنای اشاعه، انتشار است. گاهی گفته می شود در این زمین، سهم شایع وجود دارد (در صورتی که در همه ی اجزای زمین، شراکت حاصل بوده و سهم شرکا جداگانه و منفصل نباشند). نیز گفته می شود شاع الحدیث و این در هنگامی است که سخنی در بین مردم منتشر و ظاهر گردد »^(۳)

« فحشاء در لغت به معنای معصیت، عمل زشت، بدی که از حد بگذرد یا زنا و نابکاری است »^(۴)

« فحش و فحشاء و فاحشه به معنای هرگونه رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ باشد »^(۵)

در قرآن مجید نیز گاهی در همین معنای وسیع به کار رفته است، مانند:

﴿وَالَّذِينَ يَحْتَبِئُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ﴾^(۶)

و آنان که از گناهان بزرگ و از کارهای زشت دوری می کنند.

از لابلای آنچه در مورد دو کلمه اشاعه و فحشاء گفته شد دانسته می شود که اشاعه فحشاء از نگاه لغوی به معنای پخش و نشر آنچه خلاف عفت و اخلاق است، می آید.

۲- در اصطلاح

بنابر آنچه از معنای لغوی کلمات اشاعه و فحشاء گذشت، کلمه ترکیبی اشاعه فحشاء را می توان قرار زیر تعریف کرد:

(۱) دهخدا: واژه اشاعه.

(۲) دهخدا: واژه فحشاء.

(۳) مفاتیح الغیب = التفسیر الکبیر، ج ۲۳، ص ۳۴۵.

(۴) پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱، ص ۳۴.

(۵) الأبیاری: الموسوعة القرآنية، ج ۸، ص ۴۲۰.

(۶) سوره شوری: آیه ۳۷.

اشاعه فحشاء عبارت است از: پخش و انتشار هر نوع گفتار و رفتار زشت و ناپسندی که منافی عفت و اخلاق باشد.

(ب) دیدگاه شریعت اسلامی

بر اساس تعالیم دین مقدس اسلام، انتشار مطالب شهوت آمیز، حرام بوده و مستوجب عقاب است، رسانه ها و مطبوعات به دلیل تأثیر مهمی که بر افکار عمومی دارند، از جایگاه خاصی برخوردارند؛ بنابراین هر نوع تخطی آنها در زمینه پخش و نشر هرآنچه منافی عفت و حیا باشد به همان اندازه سنگین و خطرناک می باشد.

الله متعال در آیه های زیر می فرماید:

﴿وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ﴾^(۱)

و از ناشایستی باز می دارد.

﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ﴾^(۲)

بگو: پروردگارم، کارهای زشت چه آشکار و چه پنهانش را حرام کرده است.

﴿لَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ﴾^(۳)

به کارهای زشت اعم از آشکار و پنهانش نزدیک نشوید.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^(۴)

به راستی آنان که دوست دارند کارهای خیلی زشت در میان مؤمنان شایع شود، عذاب دردناکی در دنیا و آخرت خواهند داشت. و الله می داند و شما نمی دانید.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: « لا أحد أغیر من الله، ولذلك حرم الفواحش ما ظهر منها وما بطن »^(۵)

هیچ کسی غیرتمندتر از خدا نیست، به همین دلیل است که کارهای زشت و ناروا را چه آشکار باشد و چه پنهان حرام گردانیده است.

از آنجا که انسان یک موجود اجتماعی است، جامعه بزرگی که در آن زندگی می کند از یک نظر همچون خانه او است، و حریم آن همچون حریم خانه او محسوب می شود، پاکی جامعه به پاکی او کمک می کند و آلودگی آن به آلودگی، روی همین اصل در اسلام با هر کاری که جو جامعه را مسموم یا آلوده کند شدیداً مبارزه شده است، اگر می بینیم در اسلام با غیبت شدیداً مبارزه شده یکی از فلسفه هایش این است که غیبت، عیوب پنهانی را آشکار می سازد و حرمت جامعه را جریحه دار می کند، اگر می بینیم دستور عیب پوشی داده شده یک دلیلش همین است که گناه جنبه عمومی و همگانی پیدا نکند، اگر می بینیم گناه آشکار اهمیتش بیش از گناه مستور و پنهان است، و اگر می بینیم در نصوص فوق موضوع اشاعه فحشاء با لحنی بسیار شدید و فوق العاده کوبنده محکوم شده نیز دلیلش همین است.

(۱) سوره نحل: آیه ۹۰.

(۲) سوره اعراف: آیه ۳۳.

(۳) سوره انعام: آیه ۱۵۱.

(۴) سوره نور: آیه ۱۹.

(۵) صحیح البخاری، ج ۶، ص ۵۷.

اصولا گناه همانند آتش است، هنگامی که در نقطه‌ای از جامعه این آتش روشن شود باید سعی و تلاش کرد که آتش خاموش، یا حداقل محاصره گردد، اما اگر به آتش دامن زنیم و آن را از نقطه‌ای به نقطه دیگر ببریم، آتش سوزی همه جا را فرا خواهد گرفت و کسی قادر بر کنترل آن نخواهد بود، از این گذشته عظمت گناه در نظر عامه مردم و حفظ ظاهر جامعه از آلودگیها خود سد بزرگی در برابر فساد است، اشاعه فحشاء و نشر گناه و تجاهر به فسق این سد را می شکند، گناه را کوچک می کند، و آلودگی به آن را ساده می نماید، و در صورتی که این کار از طریق رسانه ها انجام شود زیان و آسیب آن را بر جامعه چند برابر می گرداند.

ذکر این نکته نیز لازم است که اشاعه فحشاء اشکال مختلفی دارد: گاه به این می شود که دروغ و تهمت را دامن بزند و برای این و آن بازگو کند، گاه به این است که مراکزی که موجب فساد و نشر فحشاء است به وجود آورد، گاه به این است که وسائل معصیت را در اختیار مردم بگذارند و یا آنها را به گناه تشویق کنند و بالاخره گاه به این حاصل می شود که پرده حیا را بدرند و مرتکب گناه در ملاء عام شوند، همه اینها مصداق اشاعه فحشاء است چرا که مفهوم این کلمه، وسیع و گسترده می باشد.

ج) مجازات اشاعه فحشاء

۱- در فقه

فقه اسلامی جزای مشخصی را در قبال جرم اشاعه فحشا تعیین نکرده بلکه جزای آنرا به حاکم و مراجع مربوطه واگذار نموده است تا با توجه به شرایط جامعه جزای مناسبی را در قبال ارتکاب آن تدارک بینند.

۲- در قانون

کد جزای افغانستان در مقابل اشاعه فحشاء تحت عناوین جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و هرزه نگاری جزاهایی را قرار زیر تعیین نموده است:

- ۱- جزای نقدی از پنج هزار تا شصت هزار افغانی
- ۲- حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی
- ۳- حد اکثر مجازات مندرج این ماده (شماره دوم).

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۸۶۷: (۱) شخصی که به وسیله سیستم کمپیوتری یا مخابراتی موضوعات غیر اخلاقی یا غیر اسلامی را تولید، ارسال، منتشر، توزیع یا به فروش رساند یا به فروش عرضه کند یا به قصد ارسال یا انتشار یا تجارت تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از پنج هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می گردد، استفاده علمی از این حکم مستثنی می باشد.

(۲) به مقصد فقره (۱) این ماده، موضوعات غیر اخلاقی به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیر واقعی اطلاق می شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی انسان است.

ماده ۸۷۴: (۱) شخصی که یکی از اعمال ذیل را انجام دهد، مرتکب جرم پورنو گرافی گردیده، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی، محکوم می گردد:

- ۱- تولید پورنو گرافی برای خود یا دیگری یا بمنظور نشر در فضای سایبر.

- ۲- پیشکش کردن یا فراهم ساختن پورنو گرافی از طریق فضای سایبر .
- ۳- پخش یا نشر پورنوگرافی در فضای سایبر.
- ۴- نگهداری پورنوگرافی در سیستم کمپیوتری یا در وسیله ذخیره سازی معلومات.
- (۲) به مقصد فقره (۱) این ماده، پورنوگرافی عبارت از وسایل پورنو گرافیکی ای است که شخص یا اشیا ذیل را قابل رویت می سازد:
- ۱- شخص در حالت عمل جنسی آشکار.
- ۲- تصاویر واقعی نمایش دهنده شخص در حالت عمل جنسی آشکار.
- (۳) به مقصد فقره (۱) این ماده نشر عبارت از توزیع، پخش، ارایه، نمایش، تبادل، خرید، فروش یا عرضه برای فروش یا عرضه به هر طریق دیگری می باشد.
- (۴) هرگاه هدف از پخش و نشر پورنوگرافی، ترغیب طفل به فعالیت های جنسی باشد مرتکب به حد اکثر مجازات مندرج این ماده، محکوم می گردد.
- (۵) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده به قصد تحقیقات علمی، طبی یا حکم قانون صورت گرفته باشد، قابل تعقیب عدلی، نمی باشد «^(۱)».

مطلب دهم: جرم اشاعه تبعیض

تبعیض پدیده شومی است که بشریت از سالهای متمادی از گزند آن رنج می برد و با تاسف که هر قدر تمدن انسان ها انکشاف پیدا می کند به همان پیمانه و سایل و راهکاری تبعیض و تعصب شکل معاصر، جدید و خطرناکتری را به خود می گیرند، رسانه های جمعی نیز از این مصیبت و بلا بدور نبوده بلکه در موارد بسیاری زهر کشنده تبعیض را با جرعه ای از عسل تقدیم حضور مخاطبان خود می کنند که در زیر شرح بیشتری به این موضوع خواهیم داد.

الف) مفهوم اشاعه تبعیض

۱- در لغت

معنای کلمه تبعیض در لغتنامه دهخدا قرار زیر آمده است: «تبعیض، [ت] پاره پاره کردن، جزء جزء کردن چیزی را، بهره بهره گردانیدن چیزی را، حصه حصه کردن، تقسیم به اجزاء نمودن، تقسیم و جدا کردن بعضی را از بعضی، در تداول، گزیدن پاره ای و ترک و رد پاره های دیگر، ترجیح بعض کسان بر بعض دیگر بدون مجوز مشروع و قانونی»^(۲)

لغتنامه معین این گونه می نویسد: «تبعیض: ۱- تقسیم و جدا کردن بعضی را از بعضی . ۲- بعضی را بر بعضی برتری دادن . ۳- برتر شمردن نژادی نسبت به نژاد دیگر»^(۳)

و عمید می نویسد: «تبعیض: بعضی را بر بعضی دیگر بدون دلیل موجه و عادلانه ترجیح دادن»^(۴). بنابراین، تبعیض در لغت به معنای دسته بندی و فرق قایل شدن در میان آنها می آید.

(۱) کد جزا: ماده های ۸۶۷ و ۸۷۴.

(۲) دهخدا: واژه تبعیض.

(۳) معین: واژه تبعیض.

(۴) عمید: واژه تبعیض.

۲- در اصطلاح

تبعیض در اصطلاح « موقعیتی است که افراد در برابر نقش‌ها و موقعیت‌های برابر از مزایای اجتماعی نابرابر برخوردار می‌شوند و برخی بر دیگران و بدون برتری داشتن، برتری داده می‌شوند. همچنین حالتی که ویژگی‌ها و معیارهای انتسابی مبنای توزیع قدرت یا ثروت قرار گیرد؛ تبعیض نامیده می‌شود.

در شرایط تبعیض، فرصت تحرک اجتماعی یکسان برای افراد وجود ندارد و افراد در آموزش یا انتخاب شغل شرایط نابرابری دارند. از عواملی که به رشد تبعیض در جامعه کمک می‌کند؛ جدایی‌گزینی مکانی افراد جامعه است. تبعیض نژادی، تبعیض جنسیتی، تبعیض مذهبی و تبعیض سنی از انواع رایج تبعیض هستند. تبعیض، انتساب‌گرایی است و ضد شایسته‌سالاری و گونه‌ای ستمکاری است»^(۱)

پس می‌شود تبعیض را این‌گونه تعریف نماییم: فرق قابل‌شدن در میان افراد یک جامعه در حقوق و امتیازات.

ب) دیدگاه شریعت اسلامی

شریعت اسلامی از همان آغاز در سطوح مختلف با تبعیض مبارزه قوی و جدی نموده است که می‌به این مطلب لابلای آیات قرآن کریم و احادیث گهربار حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم بخوبی پی برد، چنانچه الله متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَجْرِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾^(۲)

ما، انسان‌ها را گرامی داشتیم و آنها را در دریا و خشکی (بر مرکب) سوار کردیم و از نعمت‌های پاک بهره‌مندشان ساختیم و آنها را بر سایر آفریده‌های خود برتری فراوانی دادیم.

در این آیه، الله متعال بدون در نظر داشت رنگ، پوست، تبار، نژاد و دیگر چیزهایی که باعث تبعیض می‌شوند، از واژه بنی آدم کار گرفته و فرموده است که ما بنی آدم را برتری دادیم. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^(۳)

ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریده ایم و شما را تیره‌ها و قبیله‌هایی قرار داده ایم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد الله با تقوا ترین شما است. همانا الله، دانای آگاه است.

در این آیه مدار برتری تنها تقوا و پرهیزگاری قرار داده شده است که آن هم یگانه معیار برتری نزد خدا می‌باشد نه در میان جامعه و بر توده‌های مردم.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾^(۴)

(۱) گروه واژه‌گزینی. جواد میرشکاری، ویراستار. دفتر چهارم. فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی. واژه تبعیض.

(۲) سوره اسراء: آیه ۷۰.

(۳) سوره حجرات: آیه ۱۳.

(۴) سوره نساء: آیه ۱.

ای مردم! تقوای پروردگارتان را پیشه نمایید؛ آن دانی که شما را از یک تن آفرید و همسرش از او خلق نمود و از آن دو مردان و زنان بسیاری را پراکنده ساخت. و تقوای الله را که به نام او از یکدیگر درخواست می کنید، در پیش بگیرید و از گسستن رابطه خویشاوندی پروا نمایید. همانا الله، مراقب و ناظر بر اعمال شماست.

این جا به یک سان بودن انسان ها در اصل آفرینش که همه از یک مرد و زن آفریده شده اند و در اصل هیچ برتری در میان شان وجود ندارد، تاکید شده است.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾^(۱)
و از نشانه های او، آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگ ها (و نژادهای) شماست. همانا در این امر نشانه هایی برای افراد آگاه و دانا وجود دارد.

در این آیه تفاوت زبان ها و رنگ ها از جمله نشانه های خداوندی ترسیم شده است نه این مایه تبعیض و نژاد پرستی.

هرکس در زندگینامه پیامبر صلی الله علیه و سلم تأمل کند، به خوبی می داند که ایشان هرگونه فکر تبعیض را مردود شمرده است، چنانچه از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که او می گوید: ما در غزه ای بودیم و مردی از مهاجرین مردی از انصار را از عقب با لگد زد، این بود که انصاری صدا کرد: ای انصاری ها! مهاجری صدا کرد: ای مهاجرین! رسول خدا صلی الله علیه و سلم وقتی آن را شنید، گفت: «ما بال دعوی الجاهلیة؟!» موضوع فراخوانی جاهلیت چیست؟! گفتند: ای رسول خدا! مردی از مهاجرین یک مرد از انصار را از عقب با لگد زده است، ایشان گفت: «دعوها؛ فإنها مُنْتَنَةٌ» این فراخوانی را رها کنید که بدبوی است.^(۲)

اسلام به گونه فعال به دنبال از بین بردن اختلافات طبقاتی در میان جامعه بوده است، و این امر در مجموع قوانین شرعی به هدف آزادی بردگان و جلوگیری از برده داری، که به طور گسترده در شبه جزیره عربستان و سایر کشورها قبل از اسلام گسترش یافته بود، مشهود بود. جایی آزادی بردگان را سببی برای رهایی از آتش دوزخ قرار داد، چنانچه خداوند متعال می فرماید:

﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ﴾^(۳)

پس او به گردنه (مسیر دشوار نیکی) وارد نشد. و تو چه می دانی گردنه (گذرگاه سخت) چیست؟ آزاد کردن برده ای.

همچنین از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود:

«مَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً مُّؤْمِنَةً، أَعْتَقَ اللَّهُ بِكُلِّ إِرْبٍ مِنْهَا إِرْبًا مِنْهُ مِنَ النَّارِ»^(۴)

هرکس برده مومنی را آزاد کند، خداوند در برابر هر عضو آن یک عضو او را از آتش جهنم رهایی می بخشد.

در کل شریعت اسلامی به آزادی بردگان اهتمام فوق العاده ای نموده و بخشی از کفاره سوگند، کفاره ظهار و کفاره قتل خطا را آزادی برده قرار داده است.

همچنین از لابلائی سیره پیامبر صلی الله علیه و سلم درمی یابیم که مسلمانان در مدینه با دیگران همزیستی کردند، بنابراین آنها با یهودیان صلح کردند تا اینکه یهودیان به عهد و پیمان خود خیانت

(۱) سوره روم: آیه ۲۲.

(۲) صحیح البخاری: ج ۶، ص ۱۵۴.

(۳) سوره بلد: آیه ۱۱ - ۱۳.

(۴) صحیح مسلم: ج ۲، ص ۱۱۴۷.

ورزیده و با مسیحیان نجران صلح و آشتی کردند. و در میان اصحاب ارشد پیامبر کسانی بودند که اصلاً هیچ تعلقی به اعراب نداشتند، سلمان فارسی، سهیب رومی و بلال حبشی بود، ایمان بود که تفاوتها را بر اساس جنسیت، نژاد یا رنگ یکسره برطرف و حل کرد.

تاریخ اسلامی همچنین نمونه های شگفت انگیزی را به ما ارائه می دهد که عظمت اسلام و برابری آن را در بین پیروان آن بدون هیچ گونه جانبداری و تمایل به شخصی به دلیل مذهب یا موقعیتش در جامعه نشان می دهد.

جبله بن الایهم آخرین امرای بنی غسان بود، او نو مسلمان شده و برای انجام حج یا عمره به مکه آمده بود، هنگام طواف به اطراف خانه کعبه مردی از بنی فزاره دامن او را زیر پای کرد، امیر غسانی به خاطر آن عصبانی شده و سیلی محکمی به روی او زد و بینی اش را شکست، فزاری به نزد امیرالمومنین عمر بن خطاب رضی الله عنه شتافت تا از آنچه بر او اتفاق افتاده بود، به او شکایت کند، عمر فاروق کسی را به پیش جبله فرستاد تا او را به حضور خود فراخواند، سپس از او پرسید: چه چیزی تو را واداشت ای جبله که این کار را به ناحق با برادرت انجام دهی، به گونه ای که بینی اش شکسته شد؟ او پاسخ داد که با این بادیه نشین بسیار مهربان بوده است و اگر حرمت خانه کعبه نبود او را می کشت. عمر به او گفت: خودت اقرار کردی، حالا یا این مرد را راضی می کنی، یا من ازت انتقام می گیرم. حیرت جبله بن الایهم در برابر تمام این اتفاقاتی که در حال وقوع بود، افزایش یافت و گفت: این چطور ممکن است حالانکه او یک فرد عادی و من یک امیر هستم؟! عمر گفت: اسلام شما هر دو را با هم برابر گردانیده است، امیر غسانی گفت: ای امیرالمومنین! من فکر می کردم در اسلام عزیزتر از دوران قبل از اسلام خواهم بود، عمر فاروق گفت: این حرف ها را بگذار، اگر آن مرد را راضی نکنی من انتقام او را از تو می گیرم، جبله گفت: پس من مسیحی می شوم! عمر گفت: اگر مسیحی شوی گردنت را می زنم. چون مسلمان شده ای، پس اگر روی برگردانی تو را می کشم. جبله تاب نیاورد که از او قصاص گرفته شود، بنابراین تصمیم گرفت تا فرار کند و مسیحی شود، و این گونه او دین و دنیای خود را از دست داد.^(۱)

قانون اساسی افغانستان در ماده ۲۲ خود در مورد تبعیض چنین می گوید:
« هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.

اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی می باشند »^(۲)

ج) مجازات اشاعه تبعیض

۱- در فقه

فقه اسلامی جزای مشخصی را در قبال جرم اشاعه تبعیض تعیین نکرده بلکه جزای آن را به حاکم و مراجع مربوطه واگذار نموده است تا با توجه به شرایط جامعه جزای مناسبی را در قبال ارتکاب آن تدارک ببینند.

۲- در قانون

کد جزای افغانستان در مورد اشاعه و ترویج تبعیض با صراحت چیزی نگفته اما در مورد تحریک به تبعیض، فعالیت های تعصب آمیز در فضای سایبر و تبعیض در ادارات که مستلزم فراگیر شدن و انتشار

(۱) نگا: فتوح الشام، ج ۱، ص ۱۰۰.

(۲) قانون اساسی افغانستان: ماده ۲۲.

تبعیض می باشد، جزاهای زیر را تعیین نموده است:

تحریک به تبعیض یا تفرقه

۱- حبس متوسط

۲- حبس طویل تا هفت سال.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۲۵۶: (۱) شخصی که دیگری را به تبعیض یا تفرقه مذهبی، نژادی، قومی، زبانی یا منطقوی دعوت یا تحریک نماید، به حبس متوسط، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده منجر به نتیجه گردد یا با عنف و تهدید توأم باشد، مرتکب به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می گردد»^(۱)

فعالیات های تعصب آمیز در فضای سایبر

۱- حبس قصیر؛

۲- حبس متوسط.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۸۷۰: (۱) هرگاه شخصی با استفاده از وسایل کمپیوتری یا اینترنتی با نشر نوار صوتی، تصویری یا نوشته در فضای سایبر تعصبات قومی، مذهبی، دینی، لسانی یا ستمی را در جامعه دامن بزند، به حبس قصیر، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده منجر به خشونت یا ایجاد نفرت یا موجب شورش میان شهروندان کشور گردد به حبس متوسط، محکوم می گردد»^(۲)

تبعیض در ادارات

۱- حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی؛

۲- حد اکثر حبس متوسط یا به جزای نقدی سه صد هزار افغانی.

چنانچه تصریح می دارد:

« ماده ۴۰۹: (۱) هرگاه موظف خدمات عامه یا موظف دولت خارجی یا سازمان بین المللی یا بین الحکومتی یا مؤسسه غیر دولتی به اساس ملاحظات شخصی، قومی، منطقوی، زبانی، مذهبی، جنسیتی، سیاسی، عقیدتی یا به اساس پشتیبانی از گروه یا فرقه خاص، در اجرای وظایف یا ارائه خدمات یا سایر حالات از تبعیض کار گیرد، مرتکب به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می گردد.

(۲) هرگاه عمل مندرج فقره (۱) این ماده توسط مقامات عالی رتبه دولتی یا مقامات عالی رتبه سایر مراجع ارتکاب یابد، مرتکب به حد اکثر حبس متوسط یا به جزای نقدی سه صد هزار افغانی، محکوم می گردد»^(۳)

(۱) کد جزا: ماده ۲۵۶.

(۲) همان منبع: ماده ۸۷۰.

(۳) همان منبع: ماده ۴۰۹.

مطلب یازدهم: مسئول جرم رسانه ای

در مطالب فوق به موضوع جرایم رسانه ای پرداخته شد، ولی این امر واضح است که رسانه ها بخودی خود مرتکب جرمی نمی شوند، بلکه کسان دیگری هستند که از طریق رسانه ها به ارتکاب جرایم دست می یازند، و این افراد و اشخاص می توانند هر یکی از مدیر مسئول، نگارنده، گوینده، گزارشگر، مسئول تخنیک و و و باشند؛ بنابراین مسئول جرمی که از طریق رسانه ها صورت می گیرد چه کسی است؟ این موضوع چیزی تفصیل دارد که قرار زیر توضیح داده می شود.

الف) شخصی بودن جرم

۱- در شریعت

در شریعت اسلامی جرم یک عمل شخصی است جزا و پیامد آن از مرتکب به دیگران سرایت نمی کند مگر در موارد کمی که از جمله استثنائات به شمار می رود، چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾^(۱)

و هر کس تنها به زیان خودش مرتکب گناه می شود. و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد. همچنین می فرماید:

﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ﴾^(۲)

هر کس در گرو اعمال خویش است.

دومین منبع معتبر شریعت مقدس اسلام که همانا سنت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم است، نیز به اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی تأکید دارد. در حدیثی از ابو رمثه رضی الله عنه روایت شده است که او می گوید: همراه پدرم به سوی رسول خدا صلی الله علیه و سلم رفتیم، پیامبر صلی الله علیه و سلم به پدرم فرمود: «إِنَّكَ هَذَا؟ قَالَ إِي وَرَبِّ الْكُعْبَةِ، قَالَ: حَقًّا؟ قَالَ: أَشْهَدُ بِهِ، قَالَ: فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضَاحِكًا مَنْ ثَبَّتَ شَبْهِي فِي أَبِي وَمَنْ حَلَفَ أَبِي عَلَيَّ . ثُمَّ قَالَ: أَمَّا إِنَّهُ لَا يَجْنِي عَلَيْكَ وَلَا تَجْنِي عَلَيْهِ، وَقَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»^(۳)

یعنی: این پسر دوست؟ پدرم گفت: بله سوگند به پروردگار کعبه. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: راستی؟ پدرم گفت: به آن شهادت می دهم. می گوید: آنگاه رسول خدا از اینکه چقدر شباهت من به پدرم زیاد است و پدرم بر آن سوگند خورد، تبسم فرمودند سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: ولی بدان که او جنایت تو را بر عهده نمی گیرد و تو جنایت او را نمی توانی بر عهده بگیری. و آیه وزر را قرائت فرمودند.

استثنائات اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی

با وجود این که قاعده فقهی «وزر» که برگرفته شده از قرآن کریم است و بر اساس آن هر کس مسئول عمل خویش چه خوب و چه بد می باشد و هیچ کس به خاطر ارتکاب عمل جرمی دیگری مورد مجازات قرار نمی گیرد، مگر این اصل برخی استثنائات دارد که از آن جمله می توان به عاقله اشاره نمود. چنانچه اگر شخصی مرتکب قتل شبه عمد و قتل خطا شود، عاقله مؤظف است دیه قتل را به ورثه شخص مقتول پرداخت نماید.

(۱) سوره انعام: آیه ۱۶۴.

(۲) سوره مدثر: آیه ۳۸.

(۳) سنن أبي داود، ج ۶، ص ۵۴۶.

و عاید شدن دیه قتل شبه عمد و قتل خطا بر عاقله استثنائی است از قاعده عمومی شریعت اسلامی که عبارت است از: این که انسان مسوول شخص خود بوده و بر آنچه خودش انجام می دهد مورد بازپرس قرار می گیرد، بدلیل گفته الله متعال:

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾^(۱)

و فرموده رسول خدا صلی الله علیه وسلم: « لا یؤخذ الرجل بجریره أبیه، ولا بجریره أخیه »^(۲) مرد به جرم پدر خود مواخذہ نمی شود و نه به جرم برادر خود. از خلال مجموع مباحث فوق به این نتیجه می رسیم که شریعت مقدس اسلامی، اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی را حدود چهارده قرن قبل از امروز به رسمیت شناخته و نسبت به رعایت آن تأکید ورزیده است.

۱- در قانون

قانون اساسی افغانستان در پیوند به شخصی بودن جرم و جزا چنین تصریح می دارد:

« جرم یک عمل شخصی است، تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی کند »^(۳)

کد جزا در زمینه چنین تصریح می دارد:

« ماده ۹: جرم عمل شخصی است و جزای مترتب بر آن به شخص دیگری سرایت نمی کند. ماده ۱۰: مسئولیت جزایی و تطبیق جزا به شخصی متوجه می گردد که با اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک، عمل جرمی را مرتکب شود. ماده ۸۴: (۱) مسئولیت جزایی یک امر شخصی است. (۲) مسئولیت جزایی زمانی بوجود می آید که شخص با اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک، مرتکب عملی گردد که قانون آن را جرم شناخته باشد »^(۴)

بر علاوه مواد فوق که به صراحت به اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی اشاره دارد، مواردی دیگری نیز در این قانون به صورت ضمنی در رابطه به اصل مذکور بیان گردیده است. چنانچه در یکی از ماده های کود جزا آمده است: « محکمه در تعیین جزای نقدی بین حداقل و حداکثر پیش بینی شده شرایط و احوال آتی را رعایت می نماید... احوال شخصی، اجتماعی و اقتصادی مرتکب... »^(۵).

این ماده توجه خاصی به اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی دارد؛ زیرا اگر متهم از وضعیت اقتصادی مناسب برخوردار نبوده و در عین حال نفقه تعداد زیاد افراد فامیل خویش را عهده دار باشد، اعمال حداکثر مجازات از سوی قاضی بر علیه متهم باعث می گردد، تا خانواده وی به شدت از این مجازات به صورت غیر مستقیم متأثر گردیده در نتیجه اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی، مورد سوال قرار گیرد.

بنابر این، کد جزا به قاضی صلاحیت داده تا با استفاده از صلاحیت قانونی خویش در صورت وخیم بودن وضعیت اقتصادی متهم، حداقل جزای نقدی را برای وی در نظر بگیرد تا از سبب مجازات وی،

(۱) سوره انعام: آیه ۱۶۴.

(۲) فقه السنة، ج ۲، ص ۵۵۸.

(۳) قانون اساسی: ماده ۲۶.

(۴) کد جزا: ماده های ۹، ۱۰ و ۸۴.

(۵) همان منبع: ماده ۱۴۱.

فامیل وی آسیب پذیر نگردد.

استثنائات شخصی بودن مسئولیت جزایی در قوانین افغانستان

در پایین به برخی از مواردی که قوانین و مقررات افغانستان به عنوان استثنائات اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی مورد پذیرش قرار داده است، اشاره می نمایم که عبارتند از:

- ۱- مسئولیت مدیر مسئول رسانه های همگانی؛
- ۲- مسئولیت برگزار کنندگان تظاهرات و اجتماعات؛
- ۳- مسئولیت ناشی از رفتار مجرمانه فرزند صغیر و غیره.^(۱)

ب) مسئول جرم رسانه ای

نظر به آنچه گفته آمد که جرم از نگاه فقه و قانون هر دو یک عمل شخصی بوده و مسئول جرم رسانه ای همان کسی می باشد که مستقیماً مرتکب جرم می شود، برابر است خبرنگار باشد یا گوینده، گزارشگر و یا هم کس دیگری که در رسانه های همگانی کار می کند. ولی همان طور که تذکر یافت، استثنائاتی در فقه و قانون وجود دارد که مسئولیت جزایی را به دیگران سرایت می دهد و در پیوند به جرایم رسانه ای باید یاد آور شد که قانون رسانه های همگانی مسئولیت جزایی را به مدیر مسئول ارجاع می نماید، چنانچه مقرر می دارد:

« مدیر مسئول با نظر داشت احکام این قانون از نشر مضامین و محتویات رسانه مربوط مسئول می باشد »^(۲).

اما در این قانون چیزی از براءت آنانی که مستقیماً مرتکب جرایم رسانه ای می شوند گفته نشده است، بنابراین می شود ایشان مصادیق فاعل، شریک و معاون جرم قرار گرفته نظر به اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی تحت تعقیب عدلی و قضایی قرار بگیرند. چنانچه در زمینه تعریف و مجازات فاعل، شریک و معاون جرم کد جزای افغانستان قرار زیر صراحت دارد:

فاعل جرم

« ماده ۵۷: (۱) فاعل، شخصی است که عمل مادی جرم را به تنهایی یا به اشتراک دیگران مرتکب شده باشد.

(۲) فاعل به جزای معینه جرم مرتکبه، محکوم می گردد.

شریک جرم

ماده ۵۸: (۱) شریک، شخصی است که در ارتکاب یک یا چند عمل از اعمال مادی جرم، آگاهانه و به طور مستقیم با فاعل یا فاعلین دیگر سهیم باشد.

(۲) شریک به مجازات جرمی که در آن اشتراک نموده است، محکوم می گردد.

معاون جرم

ماده ۵۹: (۱) معاونت در جرم به معنی دخالت در عمل مجرمانه به شکل سببیت است طوریکه معاون در ارتکاب عمل مادی جرم دخالت مستقیم نداشته باشد.

(۲) شخص در یکی از حالات آتی معاون جرم شناخته می شود:

(۱) نگا: قانون رسانه های همگانی: ماده ۲۶، کد جزا: ماده ۲۶۲ و قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: ماده ۵.

(۲) قانون رسانه های همگانی: ماده ۲۶.

- ۱- به ارتکاب جرم شخص را تحریک، تهدید، تطمیع یا تشویق نماید یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت موجب وقوع جرم گردد.
- ۲- به ارتکاب جرم با شخص دیگری موافقت نماید و جرم به اثر همین موافقت بوجود آید.
- ۳- فاعل جرم را به نحوی از انحاء در اعمال تجهیزاتی یا تسهیلاتی ارتکاب جرم با داشتن علم به آن، کمک نماید و جرم در اثر همین کمک به وجود آید.
- (۳) معاون به جزای یک درجه پائین تر از مجازات جرم مرتکبه محکوم می گردد. مگر این که در این قانون طور دیگری حکم شده باشد»^(۱)

ج) پیگیری جرایم رسانه ای

جرایم و تخلفات رسانه ای در قوانین افغانستان از طریق کمیسیون بررسی شکایات و رسیدگی به تخلفات رسانه ای پیگیری می شود، چنانچه قانون رسانه های همگانی تصریح می نماید:

« ماده ۳۲: (۱) بمنظور بررسی شکایات و رسیدگی به تخلفات رسانه ای، کمیسیون بررسی شکایات و رسیدگی به تخلفات رسانه ای به ترکیب وزیر اطلاعات، فرهنگ و توریسم بحیث رئیس، رئیس پوهنچی ژورنالیسم، نماینده وزارت عدلیه، نماینده آکادمی علوم افغانستان، نماینده کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، نماینده اتحادیه حقوق دانان افغانستان، نماینده صنفی ژورنالیستان، نماینده اتحادیه سینما گران افغانستان و نماینده تشکل های صنفی زنان بحیث اعضاء.

(۲) اعضای کمیسیون بررسی شکایات و رسیدگی به تخلفات رسانه ای مندرج فقره (۱) این ماده توسط مراکز و نهاد های مربوط معرفی می شوند.

(۳) کمیسیون، شکایات و تخلفات را رسیدگی مینماید. هر گاه تخلف ثابت گردد، کمیسیون میتواند حسب احوال متخلف را به عذر خواهی مکلف نموده یا توصیه کتبی یا اخطاریه رسمی را به وی صادر نماید. در صورتیکه تخلف ایجاب تعقیب عدلی را نماید، موضوع غرض رسیدگی به مراجع عدلی محول میشود»^(۲).

(۱) کد جزا: ماده های ۵۷ - ۵۹.

(۲) قانون رسانه های همگانی: ماده ۳۲.

نتیجه گیری و توصیه ها

الف) نتیجه گیری

بعد از هر تحقیق و کاوشی لازم است به یکسری نتایج دست پیدا کنیم که تحقیق و بحث مان برای بدست آوردن آن صورت گرفته است، در غیر آن تحقیق به گونه نا تمام و دمبریده باقی می ماند.

بنده از خلال آنچه در مورد جرایم رسانه ای به رشته تحریر در آورده ام به نتایج ذیل دست یافتم که خواننده گرامی در یک نگاه گذرا می تواند از محتوای این تحقیق اطلاع پیدا کند:

۱- با توجه به فناوری های جدید شیرازه ارتکارب جرایم وسعت یافته و مسایل جدیدی بروز نموده است.

۲- یکی از این دسته مسایل جدید و قابل بحث، جرایم رسانه ای می باشد که در عصر حاضر نظر به گسترش فعالیت های رسانه ای در حال انتشار بوده و هر روز شیرازه آن وسعت پیدا می کند.

۳- جرم رسانه ای عبارت از آن عمل و یا امتناع از عملی است که در مخالفت با شریعت و قانون از طریق رسانه های مختلف صورت می گیرد.

۴- رسانه ها و کارکنان رسانه ای با سوء استفاده از آزادی فکری، عقیده، بیان و آزادی رسانه ای مرتکب این نوع جرایم می گردند.

۵- اگر در پیوند به آزادی های مزبور محدودیت هایی نباشد و رسانه ها این محدودیت ها رعایت نکنند، در فرجام مرتکب جرایم رسانه ای شده به فرد و جامعه هردو آسیب وارد می کنند.

۶- شریعت و فقه اسلامی در قبال جرایم رسانه ای جزاهایی را بصورت "جزای حدی" یا تعزیری" در نظر گرفته است.

۷- جزا های حدی در شریعت اسلامی مشخص بوده ولی جزاهای تعزیری به حاکم و مراجع ذی ربط تفویض گردیده تا خود در این زمینه جزای مناسبی را اتخاذ نمایند.

۸- قوانین افغانستان نیز در زمینه تنظیم جزاهای تعزیری در قبال جرایم رسانه ای ماده هایی را صراحتاً و یا ضمناً مقرر داشته است.

۹- رسیدگی به تخلفات رسانه ای از طریق کمیسیون بررسی شکایات و رسیدگی به تخلفات رسانه ای صورت می گیرد.

۱۰- در صورت ارتکاب جرایم از طرف رسانه ها این کمیسیون قضایا را به مراجع عدلی و قضایی محول می سازد.

ب) توصیه ها

روی همرفته بعد از هر تحقیقی نیاز است توصیه ها و پیشنهاداتی به عنوان رهنما و چراغ تابنده ای فرا راه خوانندگان تقدیم شود، تا بتوانند از این طریق چیزی که تجربه و برآیند آزمایش یک نویسنده است را درک کرده از آن در عرصه مطالعه و یا تحقیقات خود سود ببرند.

بنده در پایان این بحث لازم می بینم توصیه ها و پیشنهادات خود را که در خلال کار نگارش این تحقیق به آنها برخورده ام و نیاز است در این زمینه به دیگران آگاهی داده شود، قرار زیر رصد نمایم:

- ۱- در زمینه جرایم رسانه ای نیاز است کارهای بیشتری به زبانهای ملی صورت بگیرد.
- ۲- در بخش های خبرنگاری و ژورنالیزم و همچنین در کورس های کوتاه مدت خبرنگاری یک مضمون زیر عنوان جرایم رسانه ای گنجانیده و به گونه مسلکی تدریس شود.
- ۳- قانونگذاران خالهای قانونی ای را که در قسمت جرایم رسانه ای در قانون رسانه های همگانی و در کود جزا وجود دارد، در یکی از این دو قانون نامبرده پر کنند.
- ۴- در قانون رسانه های همگانی یا کود جزا فصلی گنجانیده شود که همه جرایم رسانه ای را مشخص و مجازات های بازدارنده ای را در قبال آنها تعیین نماید.
- ۵- آثاری که در مورد تاریخ، سیر تکوینی، کارکردها، اهداف، تاثیرگذاری و و رسانه ها به زبان های عربی و انگلیسی نوشته شده اند، به زبان های ملی برگردانی شوند.
- ۶- مراجع عدلی و قضایی کار کرد رسانه ها را به دقت زیر نظر داشته باشند، زیرا از طریق تخطی های رسانه ای آسیب های جبران نا پذیر متوجه فرد، خانواده و اجتماع می گردد.

فهرست آیات

شماره	بخش آیه	سوره	شماره آیه	صفحه
۱	﴿ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ ... ﴾	بقره	۴۲	۳۹،۵۵
۲	﴿ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا ﴾	بقره	۸۳	۴۰
۳	﴿ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ ... ﴾	بقره	۱۱۱	۲۸
۴	﴿ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا ... ﴾	بقره	۱۵۹	۳۶
۵	﴿ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ ... ﴾	بقره	۱۷۰	۲۶
۶	﴿ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ... ﴾	بقره	۲۵۶	۲۹
۷	﴿ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا ... ﴾	بقره	۲۵۷	۲۹
۸	﴿ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ... ﴾	بقره	۲۸۳	۶۸
۹	﴿ آمَنَ الرُّسُلُ بِمَا أَنْزَلَ ... ﴾	بقره	۲۸۵	۳۲
۱۰	﴿ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ ﴾	بقره	۲۸۵	۳۳
۱۱	﴿ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ ... ﴾	آل عمران	۷۱	۳۵
۱۲	﴿ قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا ... ﴾	آل عمران	۸۴	۳۳
۱۳	﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ ... ﴾	آل عمران	۱۱۰	۳۶
۱۴	﴿ وَشَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ ﴾	آل عمران	۱۵۹	۳۷
۱۵	﴿ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ ... ﴾	آل عمران	۱۹۰، ۱۹۱	۲۵
۱۶	﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ ... ﴾	نساء	۱	۹۵

١٧	﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ ...﴾	نساء	٨١	٣٨،٦٦
١٨	﴿أَدَاغُوا بِهِ﴾	نساء	٨٣	٦٦
١٩	﴿لَّا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ ...﴾	نساء	١٤٨	٣٩
٢٠	﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا ...﴾	نساء	١٧١	٣٩
٢١	﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ ...﴾	انعام	١٠٨	٣٢،٣٧،٩٠
٢٢	﴿لَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ ...﴾	انعام	١٥١	٩٢
٢٣	﴿وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا﴾	انعام	١٥٢	٤٠
٢٤	﴿وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا ...﴾	انعام	١٦٤	٩٩
٢٥	﴿وَلَا تَزِرْ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾	انعام	١٦٤	١٠٠
٢٦	﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ ...﴾	اعراف	٣٣	٩٢
٢٧	﴿وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ ...﴾	اعراف	١٥٧	٢١
٢٨	﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ ...﴾	اعراف	١٥٧	٢٣
٢٩	﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا ^١ مَا بِصَاحِبِهِمْ ...﴾	اعراف	١٨٤	٢٨
٣٠	﴿أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ ...﴾	اعراف	١٨٥	٢٥
٣١	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا ...﴾	انفال	٢٧	٣٨،٦٥
٣٢	﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ ...﴾	انفال	٦٠	٤١
٣٣	﴿إِنْ نَعَفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ ...﴾	توبه	٦٦	٧٧
٣٤	﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا ...﴾	توبه	١٠٧	٣٨

٣٥	﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ ...﴾	توبه	٦٦،٦٥	٣٣،٧٧
٣٦	﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ ...﴾	يونس	٩٩	٣٠،٣٤
٣٧	﴿قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ ...﴾	يونس	١٠١	٢٥
٣٨	﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ ...﴾	هود	٢٨	٣٠
٣٩	﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ ...﴾	هود	١١٨	٣٤
٤٠	﴿وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ﴾	نحل	٩٠	٩٢
٤١	﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُم ...﴾	نحل	١١٦	٣٩
٤٢	﴿ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ ...﴾	نحل	١٢٥	٢٨
٤٣	﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنََّّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾	اسراء	٣٤	٦٦
٤٤	﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾	اسراء	٣٦	٤٠
٤٥	﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ...﴾	اسراء	٣٦	٤٤
٤٦	﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ...﴾	اسراء	٧٠	٢٠،٩٥
٤٧	﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُم ...﴾	كهف	٢٩	٣١
٤٨	﴿فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾	كهف	٢٩	٤٢
٤٩	﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ﴾	حج	٤٦	٢٩
٥٠	﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾	مؤمنون	٣	٣٩
٥١	﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ...﴾	نور	٤	٤٠
٥٢	﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ ...﴾	نور	١٩	٣٩،٩٢

٨٧	٢٥،٢٤،٢٣	نور	﴿ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ... ﴾	٥٣
٣٠	٤،٣	شعراء	﴿ لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ ... ﴾	٥٤
٢١	٢٢	شعراء	﴿ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ ... ﴾	٥٥
ب	١٢٥	نمل	﴿ قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ ... ﴾	٥٦
٤٣	٢٦	قصص	﴿ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴾	٥٧
٢٨	٤٦	عنكبوت	﴿ وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ ... ﴾	٥٨
٢٥	٨	روم	﴿ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ ... ﴾	٤٩
٩٦	٢٢	روم	﴿ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ ... ﴾	٦٠
٣٨	٣٦	احزاب	﴿ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمْمِنَةٍ ... ﴾	٦١
٦٠	٥٨	احزاب	﴿ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ... ﴾	٦٢
٦٠،٦١	٥٨	احزاب	﴿ فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا ﴾	٦٣
٢٩	١٧	يس	﴿ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴾	٦٤
٢٩،٣٦	١٨،١٧	زمر	﴿ فَنبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ ... ﴾	٦٥
٧٨	٥٣	زمر	﴿ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا ... ﴾	٦٦
٢٧	١١	شورى	﴿ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۖ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴾	٦٧
٩١	٣٧	شورى	﴿ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ ﴾	٦٨
٢٦،٣٧	٣٨	شورى	﴿ وَأَمْرُهُمْ شُورًا بَيْنَهُمْ ﴾	٦٩
٢٣	٢٣	جاثية	﴿ أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ ... ﴾	٧٠

٥٦	٦	حجرات	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ ... ﴾	٧١
٣٩،٨٩	١١	حجرات	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ ... ﴾	٧٢
٤٠	١٢	حجرات	﴿ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَّعْضُكُم بَعْضًا ﴾	٧٣
٤٤،٨٢	١٢	حجرات	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا ... ﴾	٧٤
٩٥	١٣	حجرات	﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ ... ﴾	٧٥
٣٦	٥٥	ذاريات	﴿ وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴾	٧٦
٢٣	٥٦	ذاريات	﴿ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴾	٧٧
٦١	١٢	ممتحنه	﴿ وَلَا يَأْتِينَ بِنُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ ... ﴾	٧٨
٦١	١٢	ممتحنه	﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ ... ﴾	٧٩
٦٧	٨	منافقون	﴿ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ ... ﴾	٨٠
٦٥	٣	تحريم	﴿ وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ ... ﴾	٨١
٩٩	٣٨	مدثر	﴿ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ﴾	٨٢
٢١،٣٠	٣	انسان	﴿ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴾	٨٣
٣٠	١٠	بلد	﴿ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴾	٨٤
٩٦	١٢،١١	بلد	﴿ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ... ﴾	٨٥

فهرست احاديث

شماره	بخش حديث	صفحه
۱	ابْنُكَ هَذَا؟ قَالَ إِي وَرَبِّ الْكُعْبَةِ، قَالَ حَقًّا؟ قَالَ أَشْهَدُ بِهِ، قَالَ فَتَبَسَّمَ ...	۹۹
۲	أَتَذَرُون مَّا الْغَيْبَةُ؟ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ ...	۶۱
۳	اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا هُنَّ؟ قَالَ الشِّرْكَ بِاللَّهِ ...	۸۶
۴	الحرب خدعة	۵۶
۵	الدين النصيحة	۳۷
۶	إِنَّ مِنْ أَشَرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ، الرَّجُلُ يَفْضِي إِلَى امْرَأَتِهِ ...	۶۷
۷	إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَحَسَّسُوا ...	۸۲
۸	بَايَعُونِي عَلَى أَنْ لَا تَشْرِكُوا بِاللَّهِ شَيْئًا، وَلَا تَسْرِقُوا، وَلَا تَزْنُوا ...	۶۲
۹	حِينَ تَأْتِمْتُ حَفْصَةَ، قَالَ عَمْرٌ لَقِيتُ أَبَا بَكْرٍ فَقُلْتُ إِنَّ شَيْئًا أَنْكَحْتُكَ ...	۶۷
۱۰	دَعَوْهَا؛ فَإِنَّهَا مُنْتَنَّةٌ	۹۶
۱۱	سبَابُ الْمُسْلِمِ فَسُوقٌ وَ قِتَالُهُ كُفْرٌ	۹۰
۱۲	كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ، دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عَرْضُهُ	۳۷
۱۳	كُلُّ أُمَّتِي مُعَافَى إِلَّا الْمَجَاهِرِينَ، وَإِنْ مِنْ الْمَجَاهِرَةِ أَنْ يَفْعَلَ الرَّجُلُ ...	۸۳
۱۴	كُلُّ أُمَّتِي مُعَافَى إِلَّا الْمَجَاهِرِينَ، وَإِنْ مِنْ الْمَجَاهِرَةِ أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ ...	۶۷
۱۵	كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ	۴۴
۱۶	كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ، دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عَرْضُهُ	۸۷

٩٢	لا أحد أغير من الله، ولذلك حرم الفواحش ما ظهر منها وما بطن	١٧
٢٦	لا تكونوا إمعة تقولون إن أحسن الناس أحسناً، وإن ظلموا ظلمنا ...	١٨
٦٦	لا يتجالس قوم إلا بالأمانة	١٩
١٠٠	لا يؤخذ الرجل بجريرة أبيه، ولا بجريرة أخيه	٢٠
٨٢	لو أن امرأ اطلع عليك من غير إذن فحذفته بعصاة، ففقت	٢١
٩٦	ما بال دعوى الجاهلية!	٢٢
٢٢	متى استعبدتم الناس و قد ولدتهم أمهاتهم أحرارا	٢٣
٩٦	مَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً مُؤْمِنَةً، أَعْتَقَ اللَّهُ بِكُلِّ إِرْبٍ مِنْهَا إِرْبًا مِنْهُ مِنَ النَّارِ	٢٤
٤٢	من رأى منكم منكراً فليغيره بيده فإن لم يستطع فبلسانه ...	٢٥
ب	من لم يشكر الناس لم يشكر الله	٢٦

فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحه
۱	ابراهیم	۳۳
۲	ابن اثیر	۵۹
۳	ابن جنی عثمان موصلی	۱۹
۴	ابن عباس	۶۵، ۶۶
۵	ابن عمر	۴۴، ۶۷
۶	ابن کثیر	۶۰، ۶۵
۷	ابن منظور	۱۹
۸	ابو رمثه	۹۹
۹	ابو زهره محمد بن احمد بن مصطفی	۲۰
۱۰	ابوبکر	۶۷
۱۱	ابوحامد غزالی	۲۰
۱۲	ابوسعید خدری	۴۲، ۶۶
۱۳	ابوهریره	۶۱، ۶۷، ۸۲، ۸۳، ۸۶، ۹۶
۱۴	اسحاق	۳۳
۱۵	اسماعیل	۳۳
۱۶	بدرالدین عینی	۹۰

۶۲	بغوی	۱۷
۹۷	بلال حبشی	۱۸
۱۷	پوپوف	۱۹
۱۹	جابر بن حیان کوفی	۲۰
۵۶،۹۶	جابر بن عبدالله	۲۱
۹۷	جبله	۲۲
۱۹	جصاص	۲۳
۶۷	حفصه	۲۴
۲۰	دکتر زکریا ابراهیم	۲۵
۶۴،۸۹	راغب اصفهانی	۲۶
۱۶	رکنی ایتالیایی	۲۷
۶۸	زید بن ارقم	۲۸
۱۶	ساموئل مورس انگلیسی	۲۹
۶۱	سعدی	۳۰
۹۷	سلمان فارسی	۳۱
۹۷	سهیب رومی	۳۲
۶۰	سیوطی	۳۳
۸۹	شیخ الإسلام	۳۴

۱۹	شیخ قرشی	۳۵
۶۱،۶۶	طبری	۳۶
۶۲	عباده بن صامت	۳۷
۶۷	عبد الله بن ابی بن سلول	۳۸
۶۵	عبدالرحمان بن زید بن اسلم	۳۹
۶۰	عسکری	۴۰
۲۲،۶۷،۹۷	عمر	۴۱
۲۲	عمرو بن عاص	۴۲
۳۳	عیسی	۴۳
۲۱	فرعون	۴۴
۶۶	قاسمی	۴۵
۱۶	گراهام بل	۴۶
، ۱۶	گوتنبرگ	۴۷
۶۶	مناوی	۴۸
۲۱،۳۳	موسی	۴۹
۴۷	نذیر	۵۰
۳۰	نوح	۵۱
۶۲،۶۷	نووی	۵۲

٣٣	يعقوب	٥٣
----	-------	----

فهرست منابع

- ١- القرآن الكريم
- ٢- ابن الأثير: مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الكريم الشيباني الجزري ابن الأثير (المتوفى: ٦٠٦هـ—)، النهاية في غريب الحديث والأثر، المكتبة العلمية - بيروت، ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م.
- ٣- ابن الخوجة: بيان حول الحملة العدوانية على الإسلام:
(<http://www.fiqhacademy.org.sa/bayanat/>).
- ٤- ابن تيمية: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد الحراني الحنبلي الدمشقي (المتوفى: ٧٢٨هـ—)، الصارم المسلول على شاتم الرسول، الحرس الوطني السعودي، المملكة العربية السعودية.
- ٥- ابن رشد: أبو الوليد محمد بن أحمد القرطبي (المتوفى: ٥٢٠هـ—)، (الف) البيان والتحصيل والشرح والتوجيه والتعليل لمسائل المستخرجة، دار الغرب الإسلامي، بيروت - لبنان، الطبعة الثانية، ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م. (ب) بداية المجتهد ونهاية المقتصد، دار المعرفة - بيروت، ط ٥: ١٤٠١هـ / ١٩٨١ م.
- ٦- ابن فارس: أحمد، بن زكرياء القزويني الرازي أبو الحسين (المتوفى: ٣٩٥هـ—)، معجم مقاييس اللغة، دار الفكر، الطبعة: ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م.
- ٧- ابن قدامة: موفق الدين عبد الله بن محمد بن أحمد، المغني، مكتبة الرياض الحديثة — الرياض، ط: ١٤٠٠هـ / ١٩٨٠م.
- ٨- ابن كثير: أبو الفداء إسماعيل بن عمر القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ٧٧٤هـ—)، تفسير القرآن العظيم، دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة الثانية ١٤٢٠هـ - ١٩٩٩م.
- ٩- ابن ماجه: محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني، سنن ابن ماجه، دار الفكر - بيروت.
- ١٠- ابن منظور: محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار صادر، الطبعة ١.
- ١١- ابن نجيم: زين الدين، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، دار المعرفة - بيروت، ط ٢.
- ١٢- أبو داود: سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: ٢٧٥هـ) سنن أبي داود، دار الرسالة العالمية.
- ١٣- أبو زهرة: محمد، الجريمة والعقوبة في الفقه الإسلامي - العقوبة، دار الفكر العربي - القاهرة.
- ١٤- أبو عمر: محمد عبد الوود، المسؤولية الجزائية عن إفتشاء السر المصرفي، دراسة مقارنة، دار وائل - عمان، ط ١: ١٩٩٩م.
- ١٥- الأبياري: إبراهيم بن إسماعيل (المتوفى: ١٤١٤هـ—)، الموسوعة القرآنية، مؤسسة سجل العرب الطبعة: ١٤٠٥ هـ.

- ۱۶- احسان آذرکمند: (<http://ir/fa/news۶۴۰۴۰>).
- ۱۷- اطلاعات - ویکی پیدیا: (<https://fa.m.wikipedia.org/wiki>).
- ۱۸- اطلاعات غلط - ویکی پیدیا: (<https://fa.m.wikipedia.org/wiki>).
- ۱۹- اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰م
- ۲۰- افترا چیست؟: (<https://sedayevakil.co>).
- ۲۱- الألوسی: شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسینی (المتوفى: ۱۲۷۰هـ) روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ هـ.
- ۲۲- إمام: إبراهيم، الإعلام والاتصال بالجماهير، مكتبة الأنجلو المصرية، ط ۳: ۱۹۸۴م.
- ۲۳- أنس وغيره: إبراهيم، المعجم الوسيط، مجمع اللغة العربية، القاهرة.
- ۲۴- أهمية وسائل الإعلام الجماهيري: (<https://www.annajah.net>).
- ۲۵- البخاري: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله الجعفي، صحيح البخاري، دار طوق النجاة، الطبعة الأولى، ۱۴۲۲هـ.
- ۲۶- البغوي: الإمام البغوي الحسين بن مسعود، شرح السنة، المكتب الإسلامي - دمشق — بيروت - ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م، الطبعة الثانية.
- ۲۷- البهوتي: منصور بن يونس بن ادريس، كشف القناع عن متن الإقناع، تحقيق: هلال مصيلحي هلال، دار الفكر - بيروت، ط: ۱۴۰۲هـ / ۱۹۸۲م.
- ۲۸- البيهقي: منير حميد، النظام السياسي الإسلامي — مقارنا بالدولة القانونية، دار البشير — عمان، ط ۱: ۱۴۱۴هـ / ۱۹۹۴م.
- ۲۹- پاد: إبراهيم، حقوق كيفرى اختصاصى، تهران، بى نا، چاپ سوم، ۱۳۵۲.
- ۳۰- تاريخچه و روند تكوين رسانه هاى جمعى: (<http://giti.blogfa.com/post/۲۲۱>).
- ۳۱- الترمذي: أبو عيسى محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك (المتوفى: ۲۷۹هـ)، سنن الترمذي، دار الغرب الإسلامي - بيروت، ۱۹۹۸م.
- ۳۲- الجصاص: احمد بن علي الرازي، احكام القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۵هـ.
- ۳۳- الجوهري: إسماعيل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة وصحاح العربية، دار العلم للملايين - بيروت، ط ۲، ۱۳۹۹هـ - ۱۹۹۷م.
- ۳۴- حامد مصطفى پور: دشنام (<https://onlinehawzah.com>)
- ۳۵- حكيم آراء: محمد على (۱۳۸۸) ارتباطات متقاعدگرا نه و تبليغ، تهران، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انسانى.
- ۳۶- حمزة: عبداللطيف، الإعلام والدعاية، دار الفكر العربى، ۱۴۰۴هـ / ۱۹۸۴م.

- ٣٧- حوامدة وغيره، باسم علي: وسائل الإعلام والطفولة، دار جرير - عمان، ط١: ١٤٢٦هـ/ ٢٠٠٦م.
- ٣٨- حوري: عمر محيي الدين، الجريمة، أسبابها، ومكافحتها — دراسة مقارنة في الشريعة والقانون والعلوم الاجتماعية، ط١: ١٤٢٤هـ/ ٢٠٠٣م.
- ٣٩- الخياط: عبد العزيز عزت، النظام السياسي في الإسلام: النظرية السياسية - نظام الحكم، دار السلام - القاهرة، ط٢: ١٤٢٥هـ/ ٢٠٠٤م.
- ٤٠- د. عبد المنعم محفوظ: علاقة الفرد بالسلطة، الحريات العامة وضمانات ممارستها - دراسة مقارنة، ط١، بلا دار نشر، بلا تاريخ.
- ٤١- درآمدی بر حقوق اسلامی: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تهران، سمت.
- ٤٢- الدغمي: محمد راكان، التجسس وأحكامه في الشريعة الإسلامية، دار السلام — القاهرة، ط٣: ١٤٢٧هـ/ ٢٠٠٦م.
- ٤٣- دهخدا: علي اكبر، لغنامه دهخدا، تهران: مؤسسه دهخدا، چاپ دوم، ١٣٧٧ هـ ش.
- ٤٤- دهلوی: شاه ولی الله محدث، فتح الرحمن بترجمة القرآن.
- ٤٥- الراغب الأصفهانی: أبو القاسم الحسين بن محمد (المتوفى: ٥٠٢هـ) المفردات في غريب القرآن، دار القلم، الدار الشامية - دمشق بيروت، الطبعة الأولى - ١٤١٢ هـ.
- ٤٦- الراوي: جابر إبراهيم، حماية حق الحياة في الشريعة الإسلامية، مطبعة النجاح — الدار البيضاء، ١٤٠٥هـ ١٩٨٥م.
- ٤٧- رحيمي: سلطان علي (١٣٨٩) رسالنه ها و مسؤوليت ديني، كابل، مركز همبسته گي رسالنه ها.
- ٤٨- الرضا وغيره، هاني، ورامز: الرأي العام، والإعلام والدعاية، المؤسسة الجامعية — بيروت، ط١: ١٤١٨ هـ/ ١٩٩٨م.
- ٤٩- الزبيدي: محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني أبو الفيض الملقب بمرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، موقع الوراق <http://www.alwarraq.com>
- ٥٠- الزحيلي: أ. د. وهبة بن مصطفى، الفقه الإسلامي وأدلته، دار الفكر - سورية — دمشق، الطبعة: الرابعة.
- ٥١- زيدان: عبدالكريم، الوجيز في شرح القواعد الفقهية في الشريعة الإسلامية، مؤسسة الرسالة — بيروت، ط١، ١٤٢٤هـ ٢٠٠٣م.
- ٥٢- ساعي: محمد نعيم محمد هاني، القانون في عقائد الفرق والمذاهب الإسلامية، دار السلام - القاهرة، ط١: ١٤٢٨ هـ/ ٢٠٠٨م.
- ٥٣- السامرائي: د. نعمان عبد الرزاق، النظام السياسي في الاسلام، الرياض، مكتبة الملك فهد الوطنية، الطبعة ١، ١٤١٩هـ/ ١٩٩٩م.

- ٥٤- السبكي: تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين (المتوفى: ٧٧١هـ—)، الأشباه والنظائر، دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، ١٤١١هـ - ١٩٩١م.
- ٥٥- السعدي: عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله (المتوفى: ١٣٧٦هـ—) تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى ١٤٢٠هـ - ٢٠٠٠م.
- ٥٦- سيد سابق: (المتوفى: ١٤٢٠هـ—)، فقه السنة، دار الكتاب العربي، بيروت - لبنان، الطبعة الثالثة، ١٣٩٧ هـ - ١٩٧٧م.
- ٥٧- السيوطي: أبو الفضل عبد الرحمن جلال الدين (المتوفى: ٩١١هـ—)، (الف) معجم مقاليد العلوم في الحدود والرسوم مكتبة الآداب - القاهرة / مصر - ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٤م، الطبعة الأولى. (ب) الأشباه والنظائر، دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، ١٤١١هـ - ١٩٩٠م.
- ٥٨- الشربيني: شمس الدين، محمد بن أحمد الخطيب الشافعي (المتوفى: ٩٧٧هـ—)، مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، ١٤١٥هـ - ١٩٩٤م.
- ٥٩- الشوكاني: محمد بن علي بن محمد بن عبد الله اليميني (المتوفى: ١٢٥٠هـ—)، فتح القدير، دار ابن كثير، دار الكلم الطيب - دمشق، بيروت الطبعة: الأولى - ١٤١٤ هـ.
- ٦٠- الطبري: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر (المتوفى: ٣١٠هـ—) تفسير الطبري = جامع البيان عن تأويل آي القرآن، دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، الطبعة الأولى، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١م.
- ٦١- الطعيمات: د. هاني سليمان، حقوق الانسان وحرياته الاساسية، دار الشروق، عمان.
- ٦٢- عالية: سمير، شرح قانون العقوبات — القسم العام (معالمه، ونطاق تطبيقه، والجريمة، والمسئولية، والجزاء) دراسة مقارنة، المؤسسة الجامعية - بيروت، ط: ١٤١٨هـ / ١٩٩٨م.
- ٦٣- عبد الشافي: محمد عبد اللطيف، السيرة النبوية والتاريخ الإسلامي، دار السلام، القاهرة، الطبعة ٦٤- العثيمين: محمد بن صالح، فتاوى العقيدة، أسئلة هامة وأجوبة ملحة في العقيدة الصحيحة، مكتبة السنة - القاهرة، ط ١٤١٢ هـ: ١ / ١٩٩٢م.
- ٦٥- العسكري: الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعيد أبو هلال، الفروق اللغوية، دار العلم والثقافة للنشر والتوزيع.
- ٦٦- علي آقابخشي: فرهنگ علوم سياسي، مركز اطلاعات و مدارك علمی ايران، ١٣٧٤.
- ٦٧- العمر: تيسير خميس، حرية الاعتقاد في ظل الإسلام، دار الفكر - دمشق، ط ١: ١٤١٩هـ / ١٩٩٨م.
- ٦٨- عميد: حسن. فرهنگ فارسی عمید، چاپ سوم، چاپخانه سپهر، تهران، ١٣٦٩ هـ.ش.
- ٦٩- عودة: عبد القادر، التشريع الجنائي الإسلامي مقارنا بالقانون الوضعي، مكتبة دار التراث - القاهرة، ط ١٤٢٦هـ / ٢٠٠٥م.

٧٠- العيني: أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين، (المتوفى: ٨٥٥هـ—)، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، موقع شبكة مشكاة الإسلامية:

[/http://www.almeshkat.net](http://www.almeshkat.net)

٧١- الفتلاوي: سهيل حسين، موسوعة القانون الدولي — حقوق الإنسان، دار الثقافة — عمان، ط١: ٢٠٠٧م.

٧٢- فخر الدين الرازي: أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي خطيب الري (المتوفى: ٦٠٦هـ)، مفاتيح الغيب = التفسير الكبير، دار إحياء التراث العربي — بيروت، الطبعة الثالثة - ١٤٢٠هـ.

٧٣- الفضيلات: جبر محمود، سقوط العقوبات في الفقه الإسلامي، دار عمار، عمان، ط١: ١٤٠٨هـ/ ١٩٨٧م.

٧٤- الفيروزآبادي: مجد الدين أبو طاهر محمد بن يعقوب (المتوفى: ٨١٧هـ)، القاموس المحيط، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت — لبنان، الطبعة الثامنة، ١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٥م.

٧٥- القاسمي: محمد جمال الدين بن محمد سعيد بن قاسم الحلاق (المتوفى: ١٣٣٢هـ)، محاسن التأويل دار الكتب العلمية — بيروت، الطبعة الأولى - ١٤١٨هـ.

٧٦- قانون اساسي افغانستان (١٣٨٢)، كابل، وزارت عدليه.

٧٧- قانون انتخابات (١٣٩٢)، كابل، وزارت عدليه.

٧٨- قانون تجارت افغانستان (١٣٩٥)، كابل، وزارت عدليه.

٧٩- قانون رسانه هاى همگانى افغانستان. (١٣٨٨)، كابل: وزارت عدليه.

٨٠- قانون رسيدگى به تخلفات اطفال (١٣٨٤)، كابل، وزارت عدليه.

٨١- القحطاني: محمد بن دغش سعيد، الإشاعة وأثرها على أمن المجتمع، دار طويق — الرياض، ط١: ١٤١٨ هـ/ ١٩٩٧م.

٨٢- القرشي: الشيخ باقر شريف، نظام الاسلام السياسي ، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، الطبعة ٢، ١٣٩٨هـ/ ١٩٧٨م.

٨٣- القرضاوي:

(&item_no=٣٧٧٨&cu_no=٢ www. qaradawi .net/sit/topics/article. asp)

٨٤- القرطبي: أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين (المتوفى: ٦٧١هـ)، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، دار الكتب المصرية — القاهرة، الطبعة الثانية، ١٣٨٤هـ - ١٩٦٤م.

- ۸۵- قلعه جي: محمد رواس - حامد صادق قنيبي، معجم لغة الفقهاء، دار النفائس للطباعة والنشر والتوزيع،
- ۸۶- کد جزای افغانستان (۱۳۹۶) کابل وزارت عدليه.
- ۸۷- الکفومي: أبو البقاء أيوب بن موسى الحسيني، كتاب الكليات — معجم في المصطلحات والفروق اللغوية، مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۸م.
- ۸۹- گروه واژه‌گزینی، جواد میرشکاری، ویراستار، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۹۰- لک زائی: شریف، آزادی سیاسی در اندیشه شهید مطهری و بهشتی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- ۹۱- ماجد: راغب الحلو، الإعلام، مصر، الدار الدولية للنشر و التوزيع.
- ۹۲- الماوردي: أبو الحسين علي بن محمد بن حبيب البصري، الأحكام السلطانية، دار الفكر، بيروت، ط: ۱۴۲۲هـ/ ۲۰۰۲م.
- ۹۳- متین دفتری: احمد (۱۳۴۸)، حقوق بشر و حمایت بین المللی از آن، تهران، بینا.
- ۹۴- مجمع الفقه الاسلامي الدولي: <http://www.islamfeqh.com/News/NewsItem.aspx?NewsItemId=5812> (۵۸۱۲).
- ۹۵- المراغي: أحمد بن مصطفى (المتوفى: ۱۳۷۱هـ) تفسير المراغي، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر، الطبعة الأولى، ۱۳۶۵هـ - ۱۹۴۶م.
- ۹۶- المستشار: د/ جمال الدين محمود، أصول المجتمع الإسلامي، دار التوزيع والنشر الإسلامية - القاهرة .
- ۹۷- معتمد نژاد: كاظم. (۱۳۸۳) وسایل ارتباط همگانی، تهران: انتشارات علامه طباطبائی.
- ۹۸- معین: محمد (۱۳۸۱) فرهنگ معین، تهران، نژند.
- ۹۹- المناوي: زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين العابدين الحدادي القاهري (المتوفى: ۱۰۳۱هـ)، فيض القدير شرح الجامع الصغير، المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة الأولى، ۱۳۵۶هـ.
- ۱۰۰- المهدي وغيره: أحمد، وأشرف، جرائم الصحافة والنشر، دار الكتب القانونية — مصر، ط: ۲۰۰۵م.
- ۱۰۱- ناظم: محمد داود. جرایم رسانه ای در حقوق جزای افغانستان، جامعه المصطفی العالمية: چاپ حامد رسالت، کابل، ۱۳۹۶هـ ش.
- ۱۰۲- النجار: عمار عبد المجيد، الوسيط في تشريعات الصحافة (حرية الصحافة، تنظيم مهنة الصحافة، جرائم الصحافة)، مكتبة الأنجلو المصرية، ط: ۱۹۸۵م.

- ١٠٣- النووي: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف (المتوفى: ٦٧٦هـ)، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، دار إحياء التراث العربي - بيروت الطبعة: الثانية، ١٣٩٢.
- ١٠٤- الواقدي: أبو عبد الله محمد بن عمر بن واقد (المتوفى: ٢٠٧هـ)، فتوح الشام، دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى ١٤١٧هـ - ١٩٩٧م.
- ١٠٥- وجدي: محمد فريد، دائرة معارف القرن العشرين، بيروت، دار المعرفة، الطبعة ٣، ١٩٧١م.
- ١٠٦- الهاشمي: مجد هاشم، الإعلام المعاصر وتقنياته الحديثة، دار المناهج - عمان، ط ١: ١٤٢٧ هـ/ ٢٠٠٦م.
- ١٠٧- هر آنچه درباره انواع و اقسام جرم افترا و مجازات آن ها باید بدانید:
(<https://lawmingo.com/mag/everything-you-need-to-know-about-the-types-of-defamation>)
- ١٠٨- (Munib, Farid Ahmad. Media crims, <http://www.faridmonib.blogfa.com>, date of take: ١٣٩٤/٧/٤)

Summary of the Research

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء وخاتم النبيين محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

Then, the research that I have written under the title (Media Crimes in Islamic Jurisprudence and Rules of Afghanistan) in order to obtain a master's degree at Salam-Kabul University includes:

An introduction,

Two Chapters,

And the conclusion, which can be summarized and summarized as follows:

1- Media crime is: committing an act that is done in violation of Sharia and Rule through various media.

Or it is: not adhering to the rules of the media process and committing an illegal act against the public interest through various media.

2- The importance and goals of this issue, considering the significant development of the media, are as follows:

- People find out to what extent the media can use freedom of expression;
- In the light of this issue, media activists in their field of work with insight and awareness can take steps and be safe from committing media crimes;
- Judicial authorities can easily find out from the perspective of Islamic law and laws related to media violations and crimes;
- The verdict of a new subject in the field of reading and research is revealed from the point of view of Islamic law and laws;
- Explaining the sentence of media crimes from the perspective of Islamic jurisprudence in accordance with the laws of Afghanistan;
- Explain a new issue;
- Submitting a new work to the scientific community and books.

3- The research method in this discussion has been the same library and analytical method that jurisprudential and legal texts have been analyzed and examined as necessary.

4- The following topics have been addressed in the discussion:

- Due to new technologies, the scope of crime has expanded and new issues have emerged.
- One of these new and debatable issues is media crimes, which are spreading in the present era due to the expansion of media activities, and its scope is expanding every day.
- The media and media employees commit such crimes by abusing their freedom of thought, opinion, expression and freedom of the media, as well as by not paying attention to the restrictions in this field.
- Islamic law and jurisprudence have considered punishments for media crimes as "Haddi punishment" or "Ta'ziri punishment".

Haddi punishments are specified in Islamic law, but ta'ziri punishments have been delegated to the ruler and relevant authorities in order for them to adopt an appropriate punishment in this regard.

Afghan law also explicitly or implicitly provides for the imposition of penalties for media crimes.

- Media violations are investigated through the Commission for Complaints and Investigation of Media Violations.
- In case of crimes committed by the media, this commission will transfer the cases to the judicial authorities.



Salam University
Faculty of Shariah and Law
Master Program in Jurisprudence and Law



Islamic Aمارat of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Media Crimes in Islamic Jurisprudence and Rules of Afghanistan

(A Master's thesis)

Student: Abdul hai (Mukhles)
Supervisor: Dr. Rafiullah (Ata)

Year: 2020



Salam University
Faculty of Shariah and Law
Master Program in Jurisprudence and Law



Islamic Amarat of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Media Crimes in Islamic Jurisprudence and Rules of Afghanistan

(A Master's thesis)

Student: Abdul hai (Mukhies)
Supervisor: Dr. Rafiullah (Ata)

Year: 2020